

خود فراموشی و نادیده اندگاشتن ابعاد  
لایتناهی روح آدمی و بی توجهی  
نسبت به استعدادهای بشر در پیمودن  
سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی  
است که اغلب جوامع بشری بدان  
مبتلا گردیده‌اند و حاکمیت تکنولوژی  
و زندگی ماشینی و سلطه ماده‌گرایان و  
دنیاپرستان برپخش وسیعی از جهان از  
یکسو، و ناتوانی مکاب و اندیشه‌های  
مختلف در ارانه مسیری روشن و  
تفسیری مطمئن از انسان، بر این سیر  
قهرگایی و از خودبیگانگی افزوده‌اند.  
در این میان تنها منادیان توحید و  
ائمه و پاسداران حريم ارزش‌ها و  
معنویت‌ها بوده‌اند که تربیت انسان را  
وجهة جهاد مستمر خویش قرار داده  
و همنوا با چراغ عقل و ندای فطرت،  
جامعه انسانی را به سوی کمالات و  
ارزش‌های متعالی هدایت کرده‌اند.

امام خمینی رحمة الله عليه



خود فراموشی و نادیده اندگاشتن ابعاد  
لایتناهی روح آدمی و بی توجهی **سبیت**  
به استعدادهای بشر در پیمودن **سبیت**  
کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که  
اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده‌اند  
و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و  
سلطه ماده‌گرایان و دنیاپرستان برپخش  
وسیعی از جهان از یکسو و ناتوانی مکاب  
و اندیشه‌های مختلف در ارائه مسیری  
روشن و تفسیری مطمئن از انسان، بر این  
سبیت قهرگایی و از خودبیگانگی افزوده‌اند.  
در این میان تنها منادیان توحید و انبیا  
و پاسداران حريم ارزش‌ها و معنویت‌ها  
بوده‌اند که تربیت انسان را وجهه **جهاد**  
مسئلیت خوبی قرار داده و همنوا با چراغ  
عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به  
سوی کمالات و ارزش‌های متعالی هدایت  
کرده‌اند.

امام خمینی **قدس‌سرة**

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

<p><b>کُنش های ما</b></p> <p>کُنش ما انسان ها چه ویژگی هایی دارد؟ کُنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟</p>	<p><b>پدیده های اجتماعی</b></p> <p>کُنش اجتماعی چیست? پدیده های اجتماعی کدام اند و چگونه شکل می گیرند؟</p>	<p><b>جهان اجتماعی</b></p> <p>چه تصوری از جهان اجتماعی دارید? گستره جهان اجتماعی کجاست؟</p>	<p><b>تشریح جهان اجتماعی</b></p> <p>جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است? لایه های جهان اجتماعی کدام اند؟</p>	<p><b>جهان های اجتماعی</b></p> <p>جهان اجتماعی یا جهان های اجتماعی؟ آیا جهان های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) پیکسایی دارند؟</p>	<p><b>پیامدهای جهان اجتماعی</b></p> <p>آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است? پیامدهای جهان اجتماعی فرست اند یا محدودیت؟ فرصت ها و محدودیت های جهان متعدد کدام اند؟</p>	<p><b>از زیبایی جهان های اجتماعی</b></p> <p>قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است? قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را زیبایی کنیم؟ آیا حق و باطل، تابع جهان های اجتماعی اند؟</p>
<p><b>فهرست</b></p> <p><b>جهان اجتماعی</b></p> <p><b>فصل اول</b></p>						

<b>فهرست</b>	
<b>فصل اول: زندگی اجتماعی</b>	
<p>۱..... درس اول: کُنش های ما</p> <p>کُنش ما انسان ها چه ویژگی هایی دارد؟ کُنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟</p>	<p>۲..... درس دوم: پدیده های اجتماعی</p> <p>کُنش اجتماعی چیست? پدیده های اجتماعی کدام اند و چگونه شکل می گیرند؟</p>
<p>۳..... درس سوم: جهان اجتماعی</p> <p>چه تصوری از جهان اجتماعی دارید? گستره جهان اجتماعی کجاست؟</p>	<p>۴..... درس چهارم: اجزا و لایه های جهان اجتماعی</p> <p>جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است? لایه های جهان اجتماعی کدام اند؟</p>
<p>۵..... درس پنجم: جهان های اجتماعی</p> <p>جهان اجتماعی یا جهان های اجتماعی؟ آیا جهان های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) پیکسایی دارند؟</p>	<p>۶..... درس ششم: پیامدهای جهان اجتماعی</p> <p>آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است? پیامدهای جهان اجتماعی فرست اند یا محدودیت؟ فرصت ها و محدودیت های جهان متعدد کدام اند؟</p>
<p>۷..... درس هفتم: ارزیابی جهان های اجتماعی</p> <p>قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است? قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا حق و باطل، تابع جهان های اجتماعی اند؟</p>	<p>۸..... آیا حق و باطل، تابع جهان های اجتماعی اند؟</p>

<p>در مورد هویت چه می دانید؟ هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟ خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟</p> <p>جامعه پذیری چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟ کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟</p> <p>تحرک اجتماعی چیست؟ فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی کدام‌اند؟</p> <p>هویت جهان اجتماعی چیست؟ فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟</p> <p>ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می شود؟ از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟</p> <p>هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟ انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟</p> <p>جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟</p>	<p><b>هویت فردی و اجتماعی</b></p> <p><b>باز تولید هویت اجتماعی</b></p> <p><b>تغییرات هویت اجتماعی</b></p> <p><b>تحولات هویتی جهان اجتماعی</b></p> <p><b>تحولات هویتی جهان اجتماعی</b></p> <p><b>هویت ایرانی</b></p> <p><b>هویت ایرانی</b></p>	<p>۸</p> <p>۹</p> <p>۱۰</p> <p>۱۱</p> <p>۱۲</p> <p>۱۳</p> <p>۱۴</p>
<b>فهرست</b>		
<b>فصل دوم: هویت</b>		

<p>۶۱</p> <p>۶۳</p> <p>۶۷</p> <p>۷۲</p> <p>۷۵</p> <p>۷۵</p> <p>۷۷</p> <p>۸۲</p> <p>۸۲</p> <p>۸۴</p> <p>۸۹</p> <p>۸۹</p> <p>۹۱</p> <p>۹۶</p> <p>۹۶</p> <p>۱۰۰</p> <p>۱۰۳</p> <p>۱۰۳</p> <p>۱۰۶</p> <p>۱۱۱</p> <p>۱۱۱</p> <p>۱۱۶</p> <p>۱۱۶</p> <p>۱۲۰</p> <p>۱۲۵</p> <p>۱۲۵</p> <p>۱۳۱</p>	<p>درس هشتم: هویت در مورد هویت چه می دانید؟ هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟ خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟</p> <p>درس نهم: باز تولید هویت اجتماعی جامعه پذیری چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟ کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟</p> <p>درس دهم: تغییرات هویت اجتماعی تحرک اجتماعی چیست؟ فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی کدام‌اند؟</p> <p>درس یازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی هویت جهان اجتماعی چیست؟ فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟</p> <p>درس دوازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می شود؟ از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟</p> <p>درس سیزدهم: هویت ایرانی (۱) هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟ انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟</p> <p>درس چهاردهم: هویت ایرانی (۲) درس پانزدهم: هویت ایرانی (۳) چه رابطه‌ای میان جهان اجتماعی و نظام سیاسی آن وجود دارد؟ نظام‌های سیاسی چه انواعی دارند؟</p> <p>درس شانزدهم: هویت ایرانی (۴) جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟</p>
<b>فهرست</b>	
<b>فصل دوم: هویت</b>	

دانش آموزان عزیز

سلام

از اینکه تصمیم گرفتید رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی را برای ادامه تحصیل  
انتخاب کنید خوشحالیم و این تصمیم و انتخاب را به شما تبریک می‌گوییم؛ انتخابی زیباست که  
سالستی سرتینی به دنبال دارد، علوم انسانی و معارف اسلامی مسیر شناختن و ساختن رویشتن،  
دیگران و حواره انسانی است.

رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی در دوره متوسطه، دروس مختلفی دارد.  
جامعه‌شناسی یکی از آنهاست که امسال و سال‌های آینده کم و بیش با مباحث آن آشنا می‌شوید.  
کتاب: حضیره فضایی، ۱۴۰۰ دس. نظریه و شهادت

فصل اول روابط زندگی اجتماعی انسان هاست. در این فصل می خواهید که انسان ها براساس گاهی و اراده عمل می کنند و در ارتباط با هم، جهان اجتماعی را پدید می آورند. جهان اجتماعی را بایجاد فرست ها و محدودیت هایی روابط انسان ها را با طبیعت، ماورای طبیعت، دیگران و خودشان سامان می بخشد و از این طریق زندگی مشترک آنها را ممکن می سازد. از آنجا که گاهی ها و اراده ها متفاوتاند، جهان های اجتماعی گوناگونی شکل می گیرند که شیوه های زندگی متفاوتی پیدی می آورند. سپس ملک هایی برای نقد و ارزیابی جهان های اجتماعی معرفی می شود.

فصل دوم روایت هویت با «کیستی؟» انسان هاست. در این فصل ابتدا از بعاد فردی و اجتماعی هویت سخن می‌گوییم که ما را به بررسی رابطه فرد و جهان اجتماعی می‌کشاند. هویت اجتماعی فراد، حاصل عضویت آنها در جهان اجتماعی و هویت جهان اجتماعی حاصل فرهنگ آن است. هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند. از این رو تداوم و جوامع هویت جهان اجتماعی، مطلقاً مردم شدید و هویت ابراز، در گذشته بسیار محدود بود.

استفاده مطلوب از کتاب حاضر مستلزم حضور فعال و پرشور شما در کلاس درس و بهره بردن از نشسته ها و تجربه های ارزشمند دیگران می باشد. تلاش کنید با همدلی و همراهی با دوستان و دیگران خود در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بجزئی و خوب بتوانید. در این راستا فعالیت های زیر در کتاب گنجانده شده است:

- هر درس یه دو یا سه بخش تقسیم شده است. در هر بخش، موقعیت یادگیری طراحی شده

که هدف آن برانگیختن علاوه و کنگکاوی شمامست. پرسش‌های مطرح شده در این موقعیت بادگیری را با دقت بخواهید و با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود به آنها پاسخ دهید و پس از آن می‌توانید این سوالات را در مصاحبه ایجاد کنید.

ر مطالعه من درس، پاسخ‌های اویله خود را با پاسخ‌های تاب معایسه نمید.

- در هر درس، فعالیت‌هایی با خواص محتفظ ممتد «نصف و نیم»، معرفه بپورید، «همان تکنیک» و - وجود دارد. این فعالیت‌ها را با نظرات و هدایت دبیران محترم در جریان کلاس انجام دهید.
- «خوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است

سخنی با دانش آموز

دانش آموزان عزیز  
سلام

ز اینکه تصمیم گرفتید رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی را برای ادامه تحصیل انتخاب کنید خوشحالیم و این تصمیم و انتخاب را به شما تبریک می‌گوییم. انتخابی زیباست که رسالتی سنتگین به نیبال دارد. علوم انسانی و معارف اسلامی مسیر شناختن و ساختن خویشتن، دیگران و جوامع انسانی است. رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی در دوره متوسطه، دروس مختلفی دارد. جامعه شناسی یکی از آنهاست که امسال و سال‌های اینده کم و بیش با مباحث آن آشنا می‌شوید.

نها دی، به جای نقد و ارزیابی جهان‌های اجتماعی معرفی می‌شود تا شما بتوانید با استفاده از مسیس ملاک‌هایی برای نقد این جهان‌ها استفاده کنید.

فصل دوم روایت هویت یا «کیستی؟» انسان هاست. در این فصل ابتدا از ابعاد فردی و اجتماعی هویت سخن می‌گوییم که ما را به بررسی رابطه فرد و جهان اجتماعی می‌کشاند. هویت اجتماعی افراد، حاصل پژوهیت آنها در جهان اجتماعی و هویت جهان اجتماعی حاصل فرهنگ آن است. هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند. از این رو تداوم و تحول هویت جهان اجتماعی مطرح می‌شود و هویت ایرانی در گذر زمان بررسی می‌گردد.

ستفاده مطلوب از کتاب حاضر مستلزم حضور فعال و پرشور شما در کلاس درس و بهره بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند دیگران می‌باشد. تلاش کنید با همدلی و همراهی با دوستان و دیگران خود در سیاستگذاری کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بتوانید.

به جای مراجعه به «کتاب‌های کمک درسی» غیرمفید از «کتاب‌های غیردرسی» مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های علم و اندیشمندان شریک شوید.

- تصویرها، جدول‌ها و نمودارها در انتقال محتوای درس‌ها به شما کمک می‌کنند. در آنها تأمل کنید و اگر علاقه‌مند بودید تصویرهایی را که مناسب می‌دانید به ما پیشنهاد دهید.
- صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفهوم کلیدی»، «خلاصه کنید»، «آنچه از این درس آموختیم» است:

۱- **مفهوم کلیدی**: هر درس درباره یک مفهوم کلیدی و چند مفهوم فرعی تألیف شده است. سعی کنید مجموعه مفاهیم اصلی و فرعی آن را بایابید.  
۲- **خلاصه کنید**: ابتدا پرسش‌های مهمی را که هر درس در پی پاسخ دادن به آنهاست، پیدا کنید تا بتوانید مطالب مهم را از مطلبی که اهمیت کمتری دارند تشخیص دهید. می‌توان گفت شما در این بخش با مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا رابطه آنها را در قالب یک گزاره یا جمله می‌نویسید.

۳- **آنچه از این درس آموختیم**: در این بخش، خود را در جایگاه معلمان و مؤلفان کتاب قرار دهید. وقتی با قصد آموختن به دیگران درس را بخوانید آن را بهتر و عمیق‌تر می‌فهمید و وقتی بنویسید، بهتر فکر می‌کنید. نوشته‌های خود را بخوانید و به نوشته‌های دیگران هم خوب گوش کنید، آنها را بیکاری می‌دانید و بهترین نوشته را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در این قسمت بنویسید.

**(الف)** ارزشیابی مستمر که شامل موارد زیر می‌شود:  
✓ حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت‌وگوهای کلاسی  
✓ انجام فعالیت‌های کلاسی  
✓ همکاری در کارهای گروهی

✓ پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی (این پرسش‌ها از تمامی عناصر کتاب از جمله «بخوانیم و بدانیم» صورت می‌گیرند)

✓ انجام فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری  
**(ب)** ارزشیابی پایان هر نیمسال که به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

شورای برنامه‌ریزی علوم اجتماعی، دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

در این راستا فعالیت‌های زیر در کتاب گنجانده شده است:

● هر درس به دو یا سه بخش تقسیم شده است. در هر بخش، موقعیت یادگیری طراحی شده که هدف آن برانگیختن علاقه و کنجکاوی شماست. پرسش‌های مطرح شده در این موقعیت یادگیری را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود به آنها پاسخ دهید و پس از مطالعه متن درس، پاسخ‌های اولیه خود را با پاسخ‌های کتاب مقایسه کنید.

● در مر درس، فعالیت‌هایی با عنوانی مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «تأمل کنید» و ... وجود دارد. این فعالیت‌ها را با نظرات و هدایت دیگران محترم در جریان کلاس انجام دهید.

● «بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعه به «کتاب‌های کمک درسی» غیرمفید از «کتاب‌های غیردرسی» مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های علم و اندیشمندان شریک شوید.

● تصویرها، جدول‌ها و نمودارها در انتقال محتوای درس‌ها به شما کمک می‌کنند. در آنها تأمل کنید و اگر علاقه‌مند بودید تصویرهایی را که مناسب می‌دانید به ما پیشنهاد دهید.

● صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفهوم کلیدی»، «خلاصه کنید»، «آنچه از این درس آموختیم» است:

۱- **مفهوم کلیدی**: هر درس درباره یک مفهوم کلیدی و چند مفهوم فرعی تألیف شده است. سعی کنید مجموعه مفاهیم اصلی و فرعی آن را بایابید.

۲- **خلاصه کنید**: ابتدا پرسش‌های مهمی را که هر درس در پی پاسخ دادن به آنهاست، پیدا کنید تا بتوانید مطالب مهم را از مطلبی که اهمیت کمتری دارند تشخیص دهید. می‌توان گفت شما در این بخش یا مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا رابطه آنها را در قالب یک گزاره یا جمله می‌نویسید.

۳- **آنچه از این درس آموختیم**: در این بخش، خود را در جایگاه معلمان و مؤلفان کتاب قرار دهید. وقتی با قصد آموختن به دیگران، درس را بخوانید آن را بهتر و عمیق‌تر می‌فهمید و وقتی بنویسید، نوشته‌های خود را بخوانید و به نوشته‌های دیگران هم خوب گوش کنید، آنها را بیکاری می‌دانید و بهترین نوشته را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در این قسمت بنویسید.

● **تألف یک درس را به عهده شما گذاشتم تا نمرین بنویسدگی کنید.**

● ارزشیابی این درس، به دو شکل زیر انجام می‌شود:

**(الف)** ارزشیابی مستمر که شامل موارد زیر می‌شود:

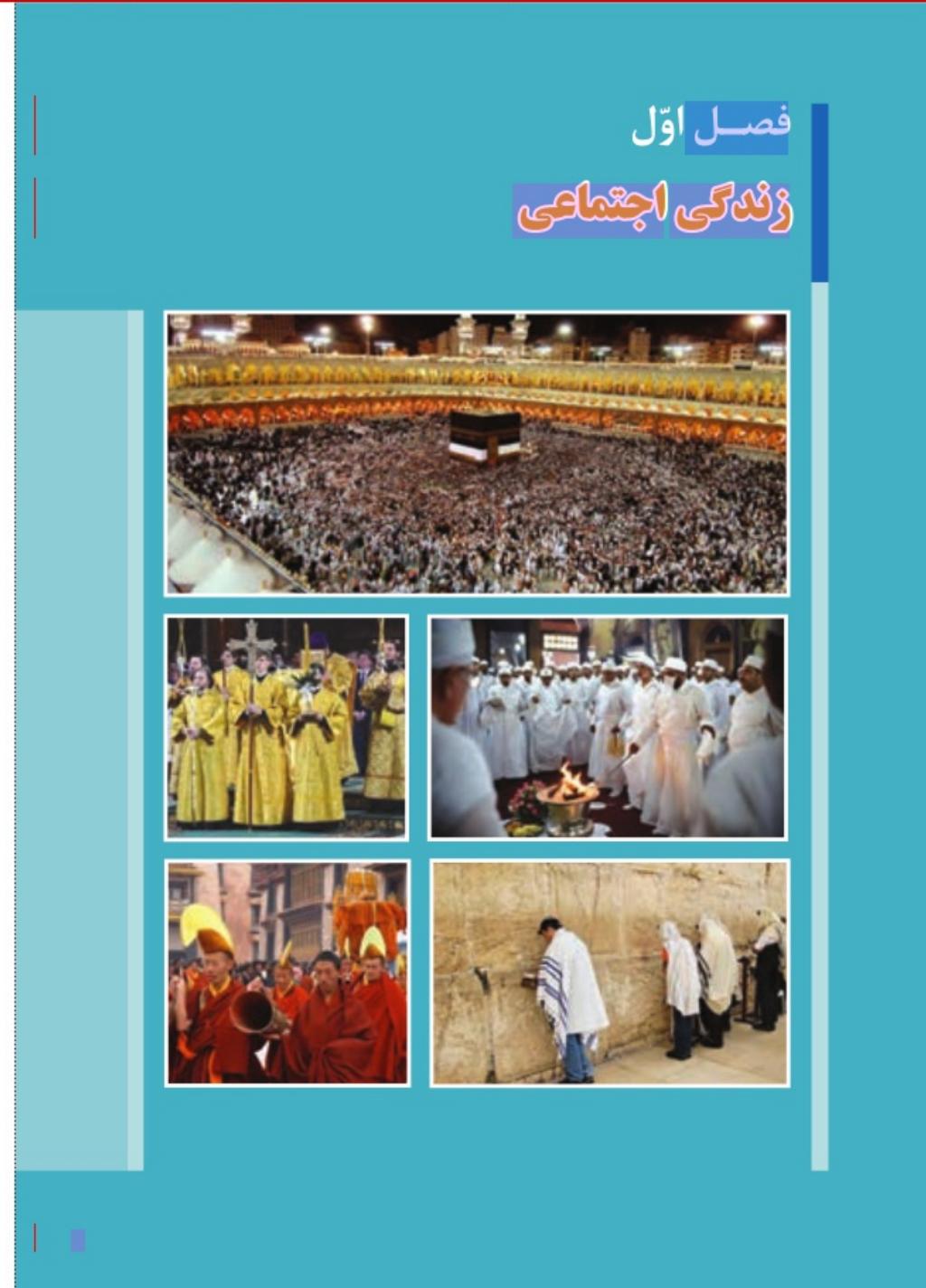
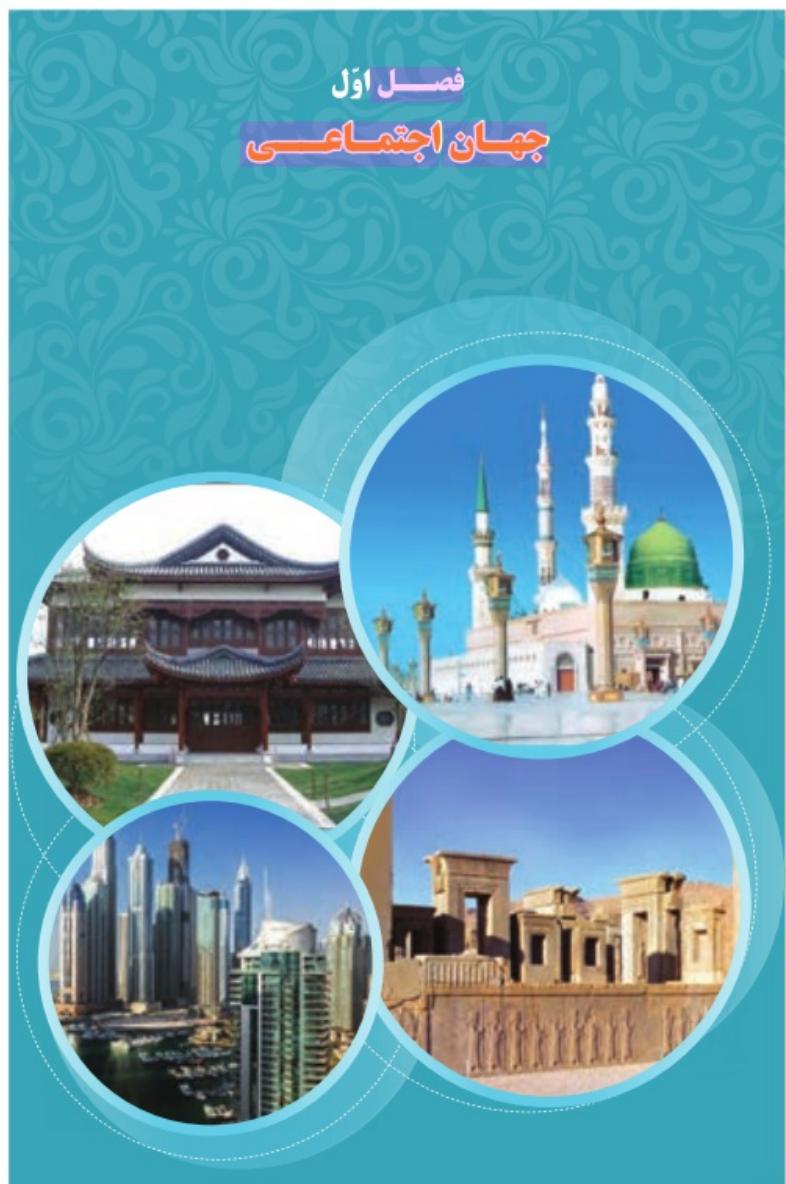
■ حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت‌وگوهای کلاسی  
■ انجام فعالیت‌های کلاسی  
■ همکاری در کارهای گروهی

● پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی (این پرسش‌ها از تمامی عناصر کتاب از جمله «بخوانیم و بدانیم» صورت می‌گیرند)

■ انجام فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری

**(ب)** ارزشیابی پایان هر نیمسال که به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

● شورای برنامه‌ریزی علوم اجتماعی، دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



## ● فصل اول - جهان اجتماعی

### ● اهداف فصل اول

- دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن:
- به معناداری (اگاهانه بودن) کنش ادمی بی بردن و تواند پیامدهای احتمالی یک کنش معین را در یک موقعیت خاص توصیف کند.
- با استفاده از روش مقایسه، معناداری پدیده‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد و نقاط قوت و ضعف این روش را بر شمارد.
- چگونگی گسترش جهان اجتماعی و نقش افراد را در این فرایند توصیف می‌کند و برای مشارکت در آن، احساس مسئولیت می‌کند.
- جایگاه فرهنگ را در جهان اجتماعی باز شناسد و برای پدیده‌های تکوینی و اعتباری جهان اجتماعی مصدق می‌ورد.
- با نظرکیک لایه‌های مختلف جهان اجتماعی، به اهمیت پدیده‌های اجتماعی عمیق تر و کلان تر بین می‌برد و برای آنها نمونه می‌ورد.
- با ارائه دلایل و شواهد، تنوع جهان‌های اجتماعی و آثار آن را تشریح می‌کند.
- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی را تشخیص می‌دهد و جهان‌های اجتماعی را نقد و ارزیابی می‌کند.

### ● اهداف فصل اول

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی - یادگیری این کتاب، شایستگی‌های

- زیر را کسب نماید:
  - به معناداری کنش ادمی بی بردن و تواند پیامدهای احتمالی یک کنش معین را در یک موقعیت خاص توصیف کند.
  - با مقایسه، پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی معناداری پدیده‌های اجتماعی را توضیح دهد و نقاط قوت و ضعف این روش را بر شمارد.
  - چگونگی گسترش جهان اجتماعی و نقش افراد را در این فرایند توصیف کند و برای مشارکت در این فرایند، احساس مسئولیت کند.
  - جایگاه فرهنگ را در جهان اجتماعی باز شناسد و برای پدیده‌های تکوینی و اعتباری جهان اجتماعی مصدق بیاورد.
  - با نظرکیک لایه‌های مختلف جهان اجتماعی، به اهمیت پدیده‌های اجتماعی عمیق تر و کلان تر بی بردن و برای آنها نمونه بیاورد.
  - با ارائه دلایل و شواهد کافی، گوناگونی جهان‌های اجتماعی را تشریح کند و آثار این واقعیت را بر شمارد.
  - فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی را تشخیص دهد و توانایی لازم برای نقد و ارزیابی جهان‌های اجتماعی را به دست آورد.



## کُنْش‌های ما

«آنچه انجام می‌دهیم»

درس ۱

### کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان، کاری را انجام می‌دهند: ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش آموز مطالب درسی را در ذهن مروز می‌کند. به نظر شما فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم: شادی می‌کنیم؛ مسوک می‌زنیم؛ نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی همانند کار، عمل، فعل، رفتار، گردار، کنش و ... وجود دارد و برای انجام دهنده فعالیت، اسمی مختلف کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل و ... به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام دهنده آن، کنشگر می‌گویند. کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت مخلوقات دیگر متمایز می‌کند. به نظر شما این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

وقتی می‌خواهید برای اولین بار از یک کالای پیچیده مانند تلویزیون یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید. ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنمایی گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید، چرا؟ در جلسه امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است. در چه صورتی، از پاسخ به پرسشی باز مانید؟ فرد گرسنه‌ای به جزیره‌ای خالی از سکنه وارد می‌شود. او هیچ شناختی درباره مواد غذایی آنچا ندارد. به نظر شما این فرد برای رفع گرسنگی‌اش چه می‌کند؟



## کُنْش‌های ما (آنچه انجام می‌دهیم)

درس اول

### کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان، کاری انجام می‌دهند:

هر ذره که هست، اگر غباری است

ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش آموز مطالب درسی را در ذهن مروز می‌کند. به نظر شما فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم: شادی می‌کنیم؛ مسوک می‌زنیم؛ نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی همانند کار، عمل، فعل، رفتار، گردار، کنش و ... وجود دارد و برای انجام دهنده فعالیت، اسمی مختلف کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل و ... به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام دهنده آن، کنشگر می‌گویند. کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت مخلوقات دیگر متمایز می‌کند. به نظر شما این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

وقتی می‌خواهید برای اولین بار از یک کالای پیچیده مانند تلویزیون یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید. ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنمایی گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید، چرا؟

در جلسه امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است. در چه صورتی، از پاسخ به پرسشی باز مانید؟

فرد گرسنه‌ای به جزیره‌ای خالی از سکنه وارد می‌شود. او هیچ شناختی درباره مواد غذایی آنچا ندارد. به نظر شما این فرد برای رفع گرسنگی‌اش چه می‌کند؟

کنش، آگاهانه است. یعنی کشن وابسته به آگاهی آدمی است، به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدھیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟

حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری، بر سر دوراهی قرار گرفته باشید. مانند اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتداء استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا بر عکس، قرار گرفتن بر سر دوراهی‌ها، یکی از ویژگی‌های کنش انسانی را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟

کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، انجام نمی‌شود. پس برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن نگیرد. با توجه به ارادی بودن کنش، آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر و ... کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

فردی از میان جمع بر می‌خیزد و در وینچره آناق را باز می‌کند. اگر از او بپرسند چرا چنین کاری کردی، چه می‌گوید؟

کنش، هدف دار است. پرسشی «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ اگرچه ممکن است همیشه به آن نرسد. فردی که کنار رودخانه‌ای می‌رود؛ قصد ماهیگیری دارد یا می‌خواهد از شنیدن صدای آب لذت ببرد، شاید هم می‌خواهد شنا کند یا ... .

آیا انسان‌های مختلف در انجام کنش‌های انسان، هدف‌های یکسانی دارند؟

با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را دریابد.

کنش، آگاهانه است. یعنی کشن وابسته به آگاهی آدمی است، به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدھیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

#### بخوانیم و بدانیم

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌های انسان توجه دارند و از آن باخبرند؟ در حکایت زیر تأمل کنید:

روزی شخص بزرگی که از آشنازیان سقراط بود با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط! می‌دانی در بارهٔ یکی از شاگردان چه شنیده‌ام؟ سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای در نگ کن! آیا کاملاً مطمئنی آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

نه فقط شنیده‌ام، سقراط گفت: پس واقع‌نمی‌دانی خبر درست است یا نادرست!

ایا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟ نه بر عکس! پس می‌خواهی خبر بدی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالاً بگویی بیننم آیا آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سودمند است؟

مود پاسخ داد: نه واقعاً ...!

سقراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه حتی سودمند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری، بر سر دوراهی قرار گرفته باشید. مانند اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتداء استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا بر عکس، قرار گرفتن بر سر دوراهی‌ها، یکی از ویژگی‌های کنش انسانی را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟

کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، انجام نمی‌شود. پس برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن نگیرد. با توجه به ارادی بودن کنش، آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر و ... کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟



■ معناداری کنش

### گفت و گو کنید

بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید.

### کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس درس سپری شده است؛ همه غرق درس‌اند. ناگهان داش آموزی در می‌زند و اجازه ورود می‌خواهد. به نظر شما کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می‌کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می‌توانید آنها را دسته‌بندی کنید؟

از لقمان حکیم، پرسیدند: حکمت از که آموختی؟ گفت: از تابیبايان که تا جای تبینند پای ننهند!  
سعدی در این بیان، چه جمیزی را به ما توصیه می‌کند؟  
به نظر شما شناخت آثار و پیامدهای کنش، چه اهمیتی دارد؟

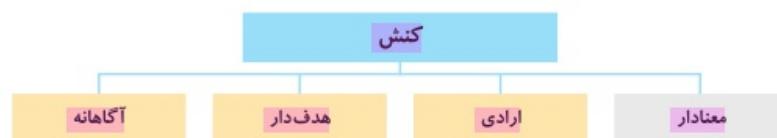


هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، وابسته به آگاهی و اراده انسان‌هاست؟

فردی از میان جمع برمی خیزد و در وینجره اتاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسند چرا چنین کاری کردی، چه می‌گوید؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ اگرچه ممکن است همیشه به آن نرسد. فردی که کنار رودخانه‌ای می‌رود؛ قصد ماهیگیری دارد یا می‌خواهد از شنیدن صدای آب لذت ببرد، شاید هم می‌خواهد شنا کند یا ... .

آیا انسان‌های مختلف در انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟ با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را دریابد.



■ انسان‌ها در انجام کنش، به معنای آن توجه دارند.

برخی از پیامدهای کنش، به اراده افراد انسانی؛ یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است. به همین دلیل به آنها «پیامدهای ارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، خودشان، کنش هستند و باید کنشگری، آنها را انجام دهد. دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و دربی آن؛ اولاً به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد؛ ثانیاً استاد مناسب با تلاش او، نمره می‌دهد. پاسخ به پرسش‌های امتحانی و نمره دادن استاد، پیامد ارادی مطالعه اوست که اولی به اراده خود او، و دومی به اراده استاد، وابسته است.

فردی سلام می‌کند. پاسخ سلام او پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به اراده جواب دهنده سلام، وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده افراد انسانی بستگی ندارند. به همین دلیل به آنها «پیامدهای غیرارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را اراده کند؛ بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند. وقتی شما در و پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس تغییر می‌کند. فردی که وضو می‌کیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام شود یا نشود. اگر افراد آن را اراده کنند، انجام می‌شود و اگر نخواهند، انجام نمی‌گیرد.

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.



■ پیامدهای کنش



۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقریب و نزدیکی به خداوند متعال، امام رضا (ع)

### گفت و گو کنید

- بوق زدن رانده، یک کنش است. درباره معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید.
- یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان بیابید و معانی آن را بیان کنید.

### کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس درس سپری شده است؛ همه غرق درس‌اند. ناگهان دانش‌آموزی در می‌زند و اجاره ورود می‌خواهد. به نظر شما کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می‌کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می‌توانید آنها را دسته‌بندی کنید؟

از لقمان حکیم پرسیدند: حکمت از که آموختی؟ گفت: از تابستان که تا جای نبینند پای ننهند!

سعدی در این بیان، چه چیزی را به ما توصیه می‌کند؟  
به نظر شما شناخت آثار و پیامدهای کنش، چه اهمیتی دارد؟



هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، وابسته به آگاهی و اراده انسان‌هاست؟

### بخوانیم و بدانیم

فردی با اصرار بسیار از رسول اکرم (ص) پند و اندرزی خواست.

پیامبر به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»

- بله یا رسول الله!

پیامبر سه بار همین سوال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید جلب کرد. پس به او فرمود: «هرگاه تصمیم به کاری گرفتی اول در نتیجه و عاقبت آن کار فکر کن و بیندیش؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتیش صحیح است آن را دنبال کن و اگر عاقبتیش گمراهی و تباہی است از تصمیم خود صرف نظر کن!»

### تحلیل کنید

● «آدمی در گرو عمل خوبیش است» (سوره مذکور، آیه ۳۸)

● پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی	کنش
	وابسته به اراده کنشگر	ورژش کردن
		سبک‌گار و قلیان کشیدن
		رعايت حیا
		کنترل خشم

برخی از پیامدهای کنش، به اراده افراد انسانی؛ یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است. به همین دلیل به آنها «پیامدهای ارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، خودشان، کنش هستند و باید کنشگری، آنها را انجام دهد. داشجوبی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در پی آن؛ اولاً به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد؛ ثانیاً استاد متناسب با تلاش او، نمره می‌دهد. پاسخ به پرسش‌های امتحانی و نمره دادن استاد، پیامد ارادی مطالعه است که اولی به اراده خود او، و دومی به اراده استاد، وابسته است.

فردی سلام می‌کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن سلام او پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به اراده جواب‌دهنده سلام، وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده افراد انسانی بستگی ندارند. به همین دلیل به آنها «پیامدهای غیرارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را اراده کند؛ بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند. وقتی شما در و پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس تغییر می‌کند. فردی که وضو می‌گیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا نشود. اگر افراد آن را اراده کنند، انجام می‌شود و اگر نخواهند، انجام نمی‌گیرند. در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند. چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.



■ پیامدهای کنش

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقویت و تزییکی به خداوند معual، امام رضا علیه السلام

### خلاصه کنید

مطلوب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید با ارتباط آنها را دوچندان می دهد.

— کنش، معنادار است.

### مفهوم اساسی

اصنایعات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت مفاهیم قسمت بنویسید:

کنش.

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالعی را که در این درس یاد گرفته اید به زبان و فلم خودتان به دیگران آموزش دهید.

در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دیگر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود برسید این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است.

### بعوقاییم و بداییم

فردی با اصرار بسیار از رسول اکرم ﷺ پند و اندرزی خواست.

پیامبر به او فرمود:

- «اگر بگوییم به کار می بندی؟»
- بلی یا رسول الله!

پیامبر سه بار همین سؤال را از او برسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می خواست بگوید جلب کرد. پس به او فرمود:

«هر گاه تصمیم به کاری گرفتی اول در نتیجه و عاقبت آن کار فکر کن و بیندیش؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است آن را دنبال کن و اگر عاقبتش گمراهی و تباہی است از تصمیم خود صرف نظر کن!»

آب این جوی به سرچشم نمی گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز

### تحلیل کنید

«آدمی در گرو عمل خویش است» (سوره مذکور، آیه ۲۸)

● پیامدهای ارادی و غیر ارادی هر یک از کنش های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیر ارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
ندرستی	مورد تحسین دیگران قرار گرفتن	ورزش حرفه ای و ورزشکار حرفه ای شدن	ورزش کردن
آسیب و بیماری برای خود و دیگران	مورد نکوهش دیگران قرار گرفتن	ترك یا معناشد شدن به آن	سیگار و قلیان کشیدن
			رعایت حیا
			کنترل خشم



## پدیده‌های اجتماعی

«آنچه با هم پدید می‌آوریم»

درس ۲

### کنش اجتماعی چیست؟

به تنها یی مشغول خوردن غذا هستید که دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش شمارخ می‌دهد؟  
لباس پوشیدن شما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است: زیرا شما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر نمی‌گیرید. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی شما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود.  
منظور از کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم، با ورود معلم به کلاس، از جا بر می‌خیزیم. هنگام سوارشدن به اتوبوس، حق تقدیم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم و... ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

کنش‌ها انواعی دارند. برخی مانند تفکر و تخیل، کنش درونی و برخی مانند راه رفتن و نشستن، کنش بیرونی هستند. برخی از آنها، فردی و برخی اجتماعی‌اند.  
کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

### خلاصه کنید

مطلوب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مقاهم اساسی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آنها را دو به دو نشان می‌دهید.  
— کنش، معنادار است.

### مقاهیم اساسی

اصطلاحات و مقاهم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:  
کنش،

### آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌ها و گزاره‌های را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.  
فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌های خود را بخواهید و با راهنمایی دیگر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راندهای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین دلیل کنش او اجتماعی است. حتی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین مخفی، کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتد کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد، ولی بی توجه به اطرافیان، در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟  
هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگرست



■ کنش اجتماعی؟!



■ افطار کنار مزار شهداء. کنش ناظر به دیگران

**نمونه بیاورید**

دانستیت که در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» بیندیشید. کسانی که کنشگران با توجه به آنها، دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غريبه/ آشنا  
دوست/ دشمن  
گذشتگان/ معاصران/ آيندگان  
مؤمن/ كافر/ منافق  
با اين مثالها متوجه می‌شويد: کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گيرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تا کنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گيرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغيير می‌کنند؟  
(برای آشنایي با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می‌توانيد به كتاب مفاتيح الحياة آيت الله جوادی آملی مراجعه کنيد.)



## پدیده‌های اجتماعی (آنچه با هم بددند می‌آورند)

درس دوم

### کنش اجتماعی چیست؟

به تنهایی مشغول خوردن غذا هستیم که دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش ما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن ما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است: ما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گيريم. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی ما به یك کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منتظر از کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس، از جا بر می‌خیزیم. هنگام سوارشدن به اتوبوس، حق تقدّم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم و... ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

### پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دیوار خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

در درس هنر، یکی از سرمشق‌هایی که از روی آن خط می‌نوشتند این جمله بود: «ادب آداب دارد». اگر از شما خواسته می‌شد که درباره این جمله مطلبی بنویسید، چه می‌نوشید؟  
بسیاری از آدایی که مامراعات می‌کنند، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرست‌ها و محدودت‌ها، پیش روی ما قرار می‌گیرند و اگر وجود نداشته باشند، نمی‌توانیم باهم زندگی کنیم. فکر کنید کوچه‌ها، خیابان‌ها و خط‌کشی‌های مسیر خانه‌تا مدرسه چه فرست‌ها و محدودیت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند.



پوشش، پدیده‌ای اجتماعی

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و... نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در سال گذشته با برخی از آنها آشنا شدید. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

کنش‌ها انواعی دارند. برخی مانند تفکر و تخيّل، کنش درونی و برخی مانند راه رفت و نشستن، کنش بیرونی هستند. برخی از آنها، فردی و برخی اجتماعی‌اند. کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین دلیل کنش او اجتماعی است. حتی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین مخفی، کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتد کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد، ولی بی‌توجه به اطرافیان، در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟

### بخوانیم و بدانیم

#### من در میان جمع و دلم جای دیگرست

#### هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

روزی ابوعلی سینا در خانه‌اش نشسته بود و یکی از کتاب‌های افلاطون دانشمند یونان باستان را بالذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرآجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هرجه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و گنجکاوی او برای خواندن مایقی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان اوی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!



کنش اجتماعی



مثلاً فردی به تنها یو و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می کند. حال اگر فرد دیگری وارد شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می شود و پای ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقیق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنچار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه ای احوالپرسی از دیگران، شیوه های معینی دارد.

ارزش های اجتماعی، آن دسته از پدیده های مطلوب و خواستنی اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی گیرد و هیچ یک از ارزش های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی شوند.

ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش های اجتماعی تحقق می یابند و پدیده های «جامعه بذیری» و «کنترل اجتماعی» را صوری می سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش ها و هنجارها، به آنها تداوم می بخشند.

تمامی پدیده های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق شکل می گیرند. پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و از آنجا که افراد انسانی با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پدیده های اجتماعی معنادار هستند.



جامعه بذیری



### نمونه بیاورید

دانستید که در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق تر کنش اجتماعی، لازم است کسی بیشتر به واژه «دیگران» بپندیشید. کسانی که کنشگران با توجه به آنها، دست به کنش می زنند، متفاوت اند. در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

### غريبه / آشنا

### دوست / دشمن

### گذشتگان / معاصران / آيندگان

### مؤمن / كافر / منافق

با این مثال ها متوجه می شوید: کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می گیرد، آداب و قواعد خاصی می خواهد. آیا تاکنون فکر کرده اید که این آداب چگونه شکل می گیرند؟ چگونه دوام می آورند یا تغییر می کنند؟

مي دانيد که کنش های ما تنها در ارتباط با دیگران انجام نمی شوند. کنش های ما در ارتباط با خودمان، خلقت (طبيعت و ماوراء طبيعت) و خداوند متعال نيز صورت می گيرند. انواع کنش ها از يكديگر اثر مي بذيرند و بر يكديگر اثر مي گذارند و متناسب می شوند ولی هویت هیچ کدام از دست نمی رود.

(برای آشنایی با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می توانید به کتاب مقانیح الحياة آیت الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

### پدیده های اجتماعی کدام اند و چگونه شکل می گیرند؟

به پدیده های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده هایی که نوشته اید، اجتماعی اند. آیا می توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده ها را اجتماعی می دانید؟ این پدیده ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

در درس هنر، یکی از سرمهش هایی که از روی آن خط می نوشتند این جمله بود: «ادب آداب دارد». اگر از شما خواسته می شد که درباره این جمله مطلبی بنویسید، چه می نوشتید؟

بسیاری از آدابی که ما مراعات می کنیم، محصول پدیده های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرصت ها و محدودیت ها، پیش روی ما قرار می گیرند و اگر وجود نداشته باشند، نمی توانیم با هم زندگی کنیم، فکر کنید کوچه ها، خیابان ها و خط کشی های مسیر خانه تا مدرسه چه فرصت ها و محدودیت هایی برای شما فراهم می کنند.

### بخوانیم و بدانیم

متکران اجتماعی، به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی از طریق کنش اجتماعی را «برونی‌سازی» و تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر افراد و کنش اجتماعی آنها را «دروني‌سازی» می‌نامند. بر این اساس، می‌توان موارد زیر را تفکیک کرد:

ساختمان‌سازی، در میان گذاردن یک ایده با دیگری، جامعه‌پذیری، ساختن در توسط نجار، کنترل اجتماعی، خلق یک اثر هنری، گفتگو کردن و تحصیل در مدرسه.

پدیده‌های اجتماعی به مرور، از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کشش‌ها و زندگی آنها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش افراد هستند؛ ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.



■ پدیده‌های اجتماعی از انسان‌ها مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند.

### مقایسه کنید

کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده اجتماعی است. با مقایسه آنها، تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

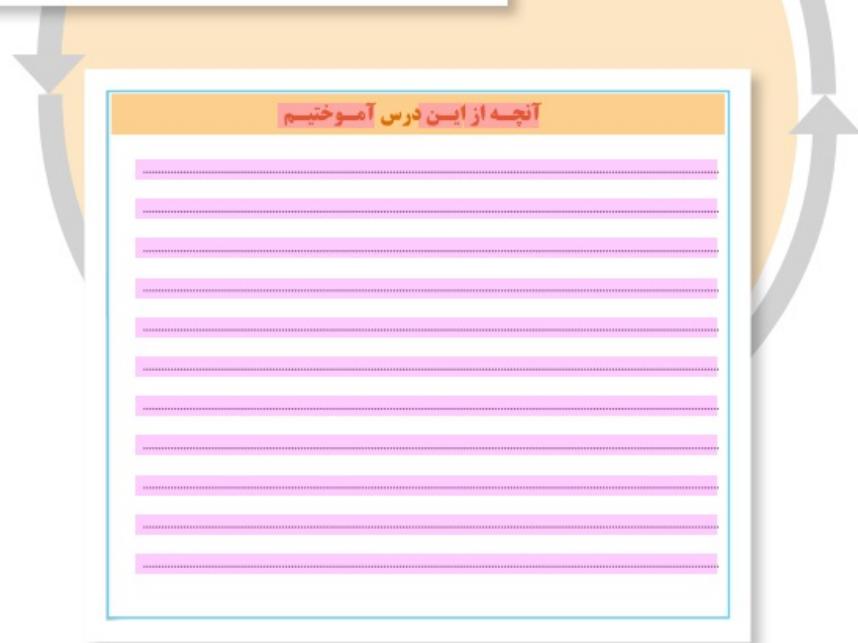
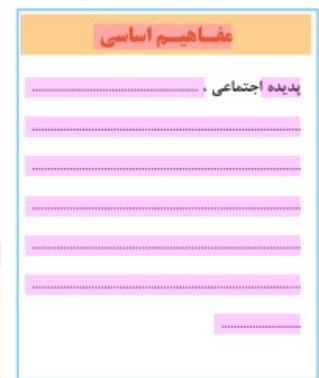
ساختمان اداری	کوه	معیار
نقش انسان‌ها در پیدایش آن		
معنادار بودن		
محسوس بودن		



■ پوشش و زبان: پدیده‌های اجتماعی

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستی، نمادها، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در سال گذشته با برخی از آنها آشنا شدیم. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خُردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، اثار و پیامدهای آن می‌باشد. مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد شود، مطالعة او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق (تحقیق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی، شیوه‌انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند. ارزش‌ها از جنس هدف و مقصد هستند و هنجارها از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند.



ارزش (هدف)	هنچار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمن را در جای مناسب بگذاریم.
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم.
عفت	حجاب داشته باشیم.
حجاب	پوشش شرعی داشته باشیم.
ثروت	.....

ازش ها و هنچارهای اجتماعی از طریق کنش های اجتماعی تحقق می یابند و پدیده های «جامعه پذیری» و «کنترل اجتماعی»<sup>۱</sup> را ضروری می سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش ها و هنچارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش ها و هنچارها، موجب تداوم و استمرار آنها می شوند.

تمامی پدیده های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ) به همین طریق شکل می گیرند. پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و از آنجا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پدیده های اجتماعی معنادار هستند.



پدیده های اجتماعی به مرور، از انسان هایی که آنها را به وجود آورده اند، مستقل می شوند و فرucht ها و محدودیت هایی را برای کنش ها و زندگی انسان ها ایجاد می کنند. این روند تا جایی ادامه می یابد که افراد احساس می کنند «پدیده های اجتماعی» همانند «پدیده های طبیعی» هستند. در حالی که می دانید پدیده های اجتماعی را انسان ها خلق می کنند و نتیجه کنش های افراد هستند؛ ولی پدیده های طبیعی را انسان ها خلق نکرده اند. در مورد همانند پنداشتن پدیده های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن تأمل کنید؛ نادیده گرفتن تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی از این جمله اند.

۱- با این پدیده ها در درس <sup>۱</sup> بیشتر آشنا می شوید.



## جهان اجتماعی

«دنیای گستردۀ ما»

درس ۳

### چه تصویری از جهان اجتماعی دارید؟

جهان، وازه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. مانند جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام و .... مجموعه‌پدیده‌های اجتماعی نیز «جهان اجتماعی» را شکل می‌دهند. بعضی اوقات انسان‌ها برای اینکه پدیده‌های ناشناخته را بشناسند، آنها را با پدیده‌هایی آشنا مقایسه می‌کنند. در مقایسه‌پدیده‌ها با یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود. برای اینکه جهان اجتماعی را بهتر بشناسیم، می‌توانیم آن را با پدیده‌های مختلفی مقایسه کنیم. برخی جهان اجتماعی را با موجودات زنده، مقایسه کرده‌اند؛ مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند». به نظر شما «موجود زنده» و «جهان اجتماعی» چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟

در درس علوم تجربی آموخته‌اید که بدن موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) ویژگی‌های مشترکی دارد.  
- اندام و اعضای متقاضی دارند، مثلاً گیاه، ریشه، ساقه و برگ دارد و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.  
- اعضای آنها به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام نیازهای دیگری را تأمین می‌کنند.

- اعضا برای حفظ حیات موجود زنده، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.  
- اعضا برای تأمین هدف مشترک، از چیزش و نظم مناسبی برخوردارند  
...  
آیا می‌توانید با توجه به تصاویر صفحه بعد، ویژگی‌های بالا برای دوستانتان تشریح کنید؟

### بخواتیم و بدایم

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند؛ ولی چه بسا در مواردی انسان آنها را اصل قرار می‌دهد و رفع نیازها و تأمین سعادت او در حاشیه قرار می‌گیرد؛ به عبارتی به جای اینکه این پدیده‌ها در خدمت سعادت پسر باشند انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است ولی گاهی خود جای هدف می‌نشینند و با اعمال شرافت سخت، هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورد، یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می‌گردد. شما در مورد وضعیت سایر پدیده‌های اجتماعی همچون پول، تکنولوژی و ... تأمل کنید.

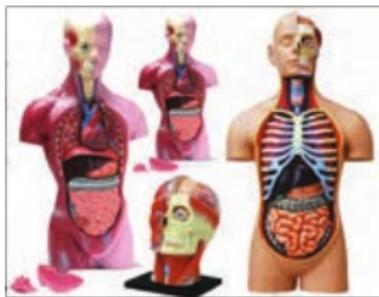


فرصت‌ها و محدودیت‌های پدیده‌های اجتماعی

### مقایسه کنید

کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آنها، تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را تشریح کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری	نقش انسان‌ها در پیدایش آن
محسوس بودن			معنادار بودن



جهان اجتماعی مانند یک موجود زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است. به نظر شما چه تفاوت‌هایی میان بدن موجود زنده و جهان اجتماعی وجود دارد؟ عضویت اعضا در بدن موجودات زنده و نظم آنها تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا بوجود نمی‌آید و بهمین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کند؛ ولی عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن، با اراده و آگاهی انسان‌ها تعریف می‌شود و با قرارداد آنها بوجود می‌آید.



جهان اجتماعی بیشتر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، افراد مختلفی عضوند که عضویت و نقش هر کدام توسط همه اعضا تعریف یا پذیرفته می‌شود. در زمین فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران آگاهی‌های مشترکی دارند. آنها قواعد بازی را می‌دانند؛ از عضویت یکدیگر اطلاع دارند؛ وظایف و انتظارات یکدیگر را می‌شناسند و آنها را می‌پذیرند. آیا بدون این آگاهی‌های مشترک، بازی فوتبال ممکن می‌شود؟

**خلاصه کنید**

— به کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده اجتماعی می‌تویند.

**مفهوم اساسی**

پدیده اجتماعی،

**آنچه از این درس آموختیم**

کارگران، کشاورزان، دانش آموزان، معلمان، ... و نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و ... اعضای جهان اجتماعی هستند. این اعضا، تنها هنگامی که عضویت جهان اجتماعی را پذیرفتند، به آن راه می‌یابند و نقشی را به عهده می‌گیرند و متناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که خود و دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند. بنابراین جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و اراده انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. آیا از کتاب مطالعات اجتماعی سال گذشته به ياد دارد که به این «مجموعه آگاهی‌های مشترک» چه می‌گویند؟ تاکنون یکی از تفاوت‌های مهم جهان اجتماعی و بدن موجود زنده، آشکار شد. آیا می‌توانید تفاوت دیگری را بیان کنید؟

موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آنها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند. ویژگی‌های آنها مانند رنگ، جنس، قد و ... از طریق وراثت، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه می‌تسلاخ تداوم می‌یابد؟



آگاهی‌های مشترک و تداوم آنها

جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. به نظر شما فرهنگ با چه روشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد؟ هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.



### درس سوم جهان اجتماعی (دبیای گسترده‌ها)

#### چه تصویری از جهان اجتماعی دارید؟

جهان، واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. مانند جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام و ... . مجموعه پدیده‌های اجتماعی نیز «جهان اجتماعی» را شکل می‌دهند. بعضی اوقات انسان‌ها برای اینکه پدیده‌های ناشناخته را بشناسند، آنها را پدیده‌هایی آشنا مقایسه می‌کنند. در مقایسه پدیده‌ها با یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود. برای اینکه جهان اجتماعی را بیافرینی‌سازیم، می‌توانیم آن را با پدیده‌های مختلف مقایسه کنیم. برخی جهان اجتماعی را با موجودات زنده، مقایسه کردند: مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضا یک پیکرند». به نظر شما «موجود زنده» و «جهان اجتماعی» چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟

در درس علوم تجربی آموخته‌اید که بدن موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) ویژگی‌های مشترکی دارند.

- اندام و اعضای متفاوتی دارند، مثل آگاهی، ریشه، ساقه و برگ دارد و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.

● اعضای آنها به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام نیازهای دیگری را تأمین می‌کنند.

● اعضا برای حفظ حیات موجود زنده، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.

● اعضا برای تأمین هدف مشترک، از چیزش و نظم مناسبی برخوردارند.

...

آیا می‌توانید با توجه به تصاویر صفحه بعد، ویژگی‌های بالا برای دوستانتان تشریح کنید؟

### گفت و گو کنید

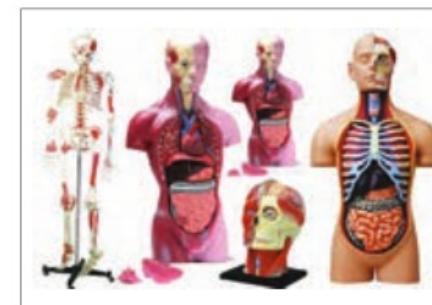
چه بخشی از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش آن توسط مدرسه انتقال می‌یابد؟  
نمونه‌هایی را بیان کنید.

### گستره جهان اجتماعی کجاست؟

به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟  
خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه،  
رودخانه، خیابان، بیباخان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب و آتوبوس.  
برای پاسخ به این پرسش، جدول زیر را تکمیل کنید. پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان  
اجتماعی قرار دارند، در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی هستند،  
در ستون دوم بنویسید. مواردی را که درباره آنها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا  
بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.

	بیرون جهان اجتماعی	درون جهان اجتماعی
زلزله	ستارگان	خانواده

به چینش کتاب‌های یک کتابخانه فکر کنید. کتاب‌ها براساس معیار خاصی دسته‌بندی (طبیقه‌بندی) می‌شوند. انسان‌هایی  
راهی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته‌بندی رو می‌آورند. دسته‌بندی نیز به معیار و قاعده نیاز دارد. برگردان جدول بالا  
نوعی دسته‌بندی بود. قاعده و معیار شما برای این دسته‌بندی چه بود؟  
آیا برای تشخیص پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند، معیار و قاعده خاصی وجود دارد؟



جهان اجتماعی مانند یک موجود زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از  
نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است.

به نظر شما چه تفاوت‌هایی میان بدن موجود زنده و جهان اجتماعی وجود دارد؟  
عضویت اعضا در بدن موجودات زنده و نظم آنها تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا  
به وجود نمی‌آید و بهمین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کند؛ ولی عضویت در جهان اجتماعی و نظم  
میان اعضای آن، با اراده و آگاهی انسان‌ها تعریف می‌شود و با قرارداد آنها به وجود می‌آید.



جهان اجتماعی بیشتر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، افراد مختلفی  
عضویت و نقش هر کدام توسط همه اعضا تعریف یا پذیرفته می‌شود. در زمین فوتبال  
بازیکنان، داوران و تماشاگران آگاهی‌های مشترکی دارند. آنها قواعد بازی را می‌دانند؛ از عضویت  
یکدیگر اطلاع دارند؛ وظایف و انتظارات یکدیگر را می‌شناسند و آنها را می‌پذیرند.

آیا بدون این آگاهی‌های مشترک، بازی فوتبال ممکن می‌شود؟



کستره جهان اجتماعی

با اطمینان کامل می‌توانید بگویید که پدیده‌های اجتماعی به جهان اجتماعی تعلق دارند؛ احترام به قانون یک کنش اجتماعی است. خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

اما پدیده‌های طبیعی نیز می‌توانند به جهان اجتماعی راه یابند. آیا می‌دانید چگونه؟

### جهان طبیعی ← جهان اجتماعی

زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده‌های طبیعی‌اند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند. انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی انجام می‌دهند؛ آنها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، انبارها و سیلوهایی را بنا می‌کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه‌هایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب ابداع می‌کنند و کشاورزی مناسب با همان آب و هوا را بر می‌گزینند. پس زلزله و خشکسالی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان پیدا می‌کنند، وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

آیا می‌دانید شناخت فلزات و ستارگان چگونه می‌تواند بر زندگی انسان تأثیر بگذارد؟ آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب‌زده و نابخردانه انسان‌هاست. آیا همین

کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان، ... و نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و ... اعضای جهان اجتماعی هستند. این اعضاء، تنها هنگامی که عضویت جهان اجتماعی را پذیرفتند، به آن راه می‌یابند و نقشی را به عهده می‌گیرند و مناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که خود و دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند. بنابراین جهان اجتماعی ونظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و اراده انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. از کتاب مطالعات اجتماعی سال گذشته به یاد دارید که به این مجموعه آگاهی‌های مشترک «فرهنگ» می‌گویند.

### بخوانیم و بدانیم

فرهنگ شیوه زندگی گروهی از انسان‌ها است که سالیان متعددی با یکدیگر زندگی می‌کنند. برای مثال نوع خواراکی‌ها، پوشش‌ها، غویش‌ها، آداب و رسوم تولد، عروسی و عزاداری، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی – یادگیری، باورها و ارزش‌های اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و ... از این جمله‌اند. آن بخش از فرهنگ که همه اعضاً یک جهان اجتماعی در آن اشتراک دارند «فرهنگ عمومی» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است «خرده فرهنگ» نامیده می‌شود. خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. به خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی «خرده فرهنگ موافق» می‌گویند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجرهای و مهارت‌های پذیرفته شده در یک خرده فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده فرهنگ را ضد فرهنگ می‌نامند. خرده فرهنگ تبعه‌کاران و سارقان ... ضد فرهنگ است.

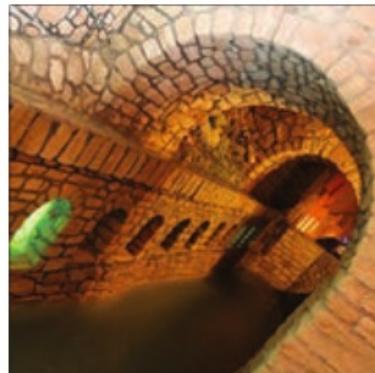
تاکنون یکی از تفاوت‌های مهم جهان اجتماعی و بدن موجود زنده، آشکار شد. آیا می‌توانید تفاوت دیگری را بیان کنید؟

موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آنها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشنند. ویژگی‌های آنها مانند رنگ، جنس، قد ... از طریق وراثت (فرایند به ارت رسیدن خصوصیات از والدین به فرزندان)، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. به نظر سما جهان اجتماعی چگونه طی نسل‌های تداوم می‌یابد؟

آلودگی به نوبه خود، زندگی اجتماعی انسان را متأثر نمی‌سازد؟  
جهان اجتماعی → جهان طبیعی



اقدامات شتابزده انسان در مواجهه با طبیعت



قفات. ابتکار ابرانیان

دانستید ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود؛ ولی جهان اجتماعی می‌تواند از این هم گستردگرتر شود. آیا می‌دانید چگونه؟  
شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماورای طبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

← جهان اجتماعی جهان ماورای طبیعی

سن‌ها و قوانین الهی نیز با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت پیشگان می‌گشاید و ستم پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.  
بنابراین هر یک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند، یعنی موجودات طبیعی و ماورای طبیعی به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.



آگاهی‌های مشترک و تداوم آنها

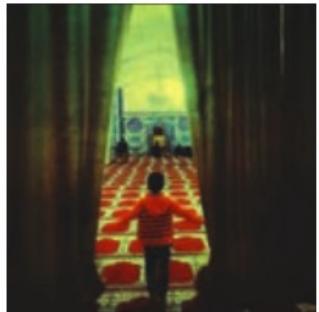
جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. به نظر شما فرهنگ با چه روشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد؟  
هر گاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

#### گفت و گو کنید

چه بخشی از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش آن توسط مدرسه انتقال می‌یابد؟  
نمونه‌هایی را بیان کنید.

#### گستره جهان اجتماعی کجاست؟

به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟  
خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، خیابان، بیان، خوشنویسان، حزب، کارمند، مسجد، آب و اتوبوس.  
برای پاسخ به این پرسش، جدول صفحه بعد را تکمیل کنید. پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی قرار دارند، در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی هستند، در ستون دوم بنویسید. مواردی را که درباره آنها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.



■ ورود پدیده های طبیعی و ماورای طبیعی به جهان اجتماعی

### شناختی کنید

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مثال بیاورید.

#### پدیده های تکوینی

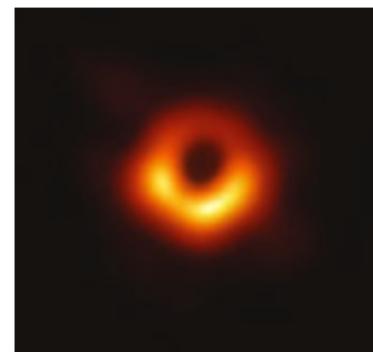
پدیده هایی که انسان آنها را ایجاد نمی کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارد به جهان اجتماعی راه می بینند.

#### پدیده های اعتباری

کنش و پیامدهای آن

؟	بیرون جهان اجتماعی	درون جهان اجتماعی
زلزله	ستارگان	خانواده

به چینش کتاب های یک کتابخانه فکر کنید. کتاب ها براساس معیار خاصی دسته بندی (طبیق بندی) می شوند. انسان ها برای رهایی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته بندی رو می آورند. دسته بندی نیز به معیار و قاعده نیاز دارد. بر گردن جدول بالا نوعی دسته بندی بود. قاعده و معیار شما برای این دسته بندی چه بود؟ آیا برای تشخیص پدیده هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند، معیار و قاعدة خاصی وجود دارد؟



■ اولین تصویر واقعی از سیاه چاله ای واقع در مرکز کهکشان M87 که مقدمه ای برای کشف شگفتی های جدید درباره کیهان خواهد بود.

با اطمینان کامل می توانید بگویید که پدیده های اجتماعی به جهان اجتماعی تعلق دارند؛ احترام به قانون یک کنش اجتماعی است. خانواده، امنیت، صلح و... حاصل کنش های اجتماعی انسان ها هستند.



اما پدیده های طبیعی نیز می توانند به جهر اجتماعی راه بیند. آیا می دانید چگونه؟

← جهر اجتماعی      جهر طبیعی →

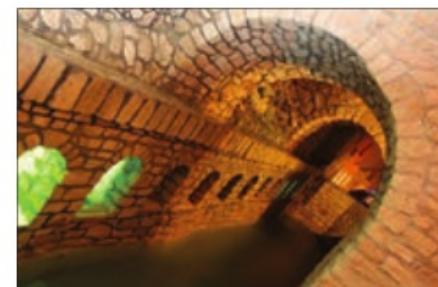
زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده های طبیعی اند، تأثیرات تعیین کننده ای در کنش های اجتماعی انسان ها دارند. انسان ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می کنند و کنش های مناسبی انجام می دهند؛ آنها خانه های خود را به گونه ای می سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، ابارها و سیلوهایی را بنایی کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه هایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب ابداع می کنند و کشاورزی مناسب با همان آب و هوای را بر می گزینند. پس زلزله و خشکسالی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان پیدا می کنند، وارد جهر اجتماعی می شوند.

آیا می دانید شناخت فلزات و ستارگان چگونه می تواند بر زندگی انسان تأثیر بگذارد؟  
آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب زده و ناپخردانه انسان هاست. آیا همین آلودگی به نوبه خود، زندگی اجتماعی انسان را متاثر نمی سازد؟

← جهر اجتماعی      جهر طبیعی →



اقدامات شتاب زده انسان در مواجهه با طبیعت



قنات، ابتکار ایرانیان

دانستید ورود پدیده های طبیعی به جهر اجتماعی باعث گسترش آن می شود؛ ولی جهر اجتماعی می تواند از این هم گستردگر شود. آیا می دانید چگونه؟  
شناخت خداوند، فرشتگان و جهر ماوراء طبیعی، آرمان ها و ارزش های زندگی آدمیان را تغییر می دهد و کنش های اجتماعی آنان را دگرگون می سازد.

← جهر اجتماعی      جهر ماوراء طبیعی →



## تشریح جهان اجتماعی

«جزا و لایه‌های جهان اجتماعی»

درس ۴

جهان اجتماعی از چه اجزاء‌ی تشکیل شده است؟

در درس گذشته با کمک مقایسه، تصویری از جهان اجتماعی به دست آورده‌یم. می‌خواهیم با همین روش و به تدریج، تصویری را که از جهان اجتماعی داریم، کامل تر کنیم.

در پژوهشی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار گرفتن آنها را شناسایی می‌کند. درباره آن، چه می‌دانید؟

به نظر شما اجزاء اجتماعی را چگونه می‌توان شناخت؟

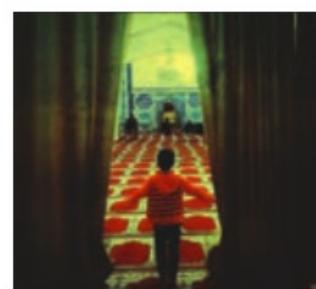
درباره تشریح آورده‌اند: دانشی است که درباره اعضای بدن انسان و چگونگی ترکیب آنها بحث می‌کند و اهدافی جند دارد؛ از جمله معرفت به کمال صفات الهی و دست یافتن به علل امراض و درمان آنها، تشریح اساس پژوهشی است. از این رو گفته‌اند: طبیب بی‌بهره از تشریح، به تداوی انسان علم طب شهره است!

شما فکر می‌کنید تشریح جهان اجتماعی چگونه صورت می‌گیرد؟ اجزای آن کدام‌اند و شناسایی آنها چه فایده‌ای دارد؟

سنت‌ها و قوانین الهی نیز با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت پیشگان می‌گشاید و ستم پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد. بنابراین هریک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند؛ یعنی موجودات طبیعی و ماوراء طبیعی به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.

### بغوائم و بدایم

شنیده‌اید که جهان هر فرد، به اندازه وسعت فکر اوست. گستره جهان اجتماعی نیز به اندازه دانش و آگاهی آن است. مرزهای جهان اجتماعی همان مرزهای دانش آن است. هرچه جهان اجتماعی شناخت صحیح بیشتری از پدیده‌های اجتماعی، طبیعی و ماوراء طبیعی داشته باشد و اعضای آن براساس این شناخت‌های صحیح زندگی کنند، زندگی اجتماعی بشر در مسیر خوشبختی و سعادت بیشتری قرار می‌گیرد. به نظر شما آیا روش شناخت پدیده‌های اعتباری و پدیده‌های تکوینی (طبیعی و ماوراء طبیعی) یکسان است؟ آیا درست است که روش مناسب شناخت یک نوع از پدیده‌ها (مثلًا روش حسی مناسب پدیده‌های طبیعی است) را به انواع دیگر پدیده‌ها تعمیم و تسری دهیم؟



■ ورود پدیده‌های طبیعی و ماوراء طبیعی به جهان اجتماعی

### نمونه بیاورید

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مثال بیاورید.

«پدیده‌های تکوینی»	«پدیده‌های اعتباری»
پدیده‌هایی که انسان آنها را ایجاد نمی‌کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارد به جهان اجتماعی راه می‌یابند.	کنش‌ها و پیامدهای آنها دریا، شیطان، فرشته، ... خانواده، ترافیک، ...



پدیده‌های اجتماعی کوچک‌تری را در یک مراسم عروسی می‌توان شناسایی کرد.

### بخوانیم و بدانیم

در دروس گذشته بارها جهان اجتماعی و موجود زنده را با هم مقایسه کردیم و در درس‌های آینده نیز از این روش برای شناخت بهتر جهان اجتماعی کمک می‌گیریم. در این باره لازم است به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که استفاده نادرست از مقایسه، آسیب‌های جبران ناپذیری دارد. یکی از استفاده‌های نادرست، این است که صرفاً بر **شباهت‌های** پدیده‌های مورد مقایسه تأکید کنیم و **تفاوت‌های** آنها را نادیده بگیریم. حتماً متوجه شده‌اید که ما در مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده، هم به شباهت‌ها و هم به تفاوت‌ها توجه داریم. بنابراین باید از این اشتباه خود کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان پنداشیم؛ در حالی که تفاوت‌های آنها بسیار عمیق‌تر است. مثلاً نباید گمان کنیم همان تشریحی که در پژوهشی انجام می‌گیرد، در جهان اجتماعی نیز ممکن است.

جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلف تشکیل شده است. دانشمندان، جهان اجتماعی را براساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

### اندازه و دامنه

پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی اند و می‌توان آنها را بر اساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب طیفی در جهان اجتماعی ترسیم می‌شود که در یک سوی آن، پدیده‌های اجتماعی خود مانند کنش‌های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان، مانند فرهنگ و جامعه قرار دارند.

به نظر شما پدیده‌هایی مانند گروه‌ها و سازمان‌ها در کجا این طیف جای می‌گیرند؟ چرا؟



### خلاصه کنید

- جهان اجتماعی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با موجود زنده دارد.

### مفاهیم اساسی

جهان اجتماعی،

### آنچه از این درس آموختیم

آیا می توانید پدیده های اجتماعی زیر را روی طیف خرد - کلان قرار دهید؟  
کلاس، مدرسه، نظام آموزشی

به نظر شما تقسیم بندی پدیده های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده های اجتماعی خرد و کلان یا اثربذیری از آنها بیندیشید. مثلاً می توان بیکاری و راه های درمان آن را در سه مورد زیر با یکدیگر مقایسه کرد: بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل اطلاع رسانی مناسبی در شهر آنها وجود ندارد؛ و بیکاری افراد زیادی که به جامعه بیکارند.



■ پدیده های اجتماعی خرد و کلان

#### ابعاد ذهنی و عینی

قبل از دانستید تمامی پدیده های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده های اجتماعی، بعد محسوس و عینی ندارند. پدیده های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن نیز می توان در یک طیف قرار داد.

در یک سوی طیف، پدیده هایی هستند که بعد محسوس و مادی قوی تری دارند؛ مانند ساختمان های مسکونی و اداری یا کنش های بیرونی؛ و در سوی دیگر، پدیده هایی قرار می گیرند که بعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند؛ مثل عقاید، ارزش های اجتماعی و کنش های درونی.



#### درس چهارم اجزا و لایه های جهان اجتماعی (تشریح جهان اجتماعی)

جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است؟

در درس گذشته با کمک مقایسه، تصویری از جهان اجتماعی به دست آوردم. می خواهیم با همین روش و به تدریج، تصویری را که از جهان اجتماعی داریم، کامل تر کنیم.

در پژوهشی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار آنها را شناسایی می کند. درباره آن، چه می دانید؟

آیا می توان همانند یک کالبدشناس، اجزا و لایه های جهان اجتماعی را شناخت؟

درباره تشریح آورده اند؛ دانشی است که درباره اعضای بدن انسان و چگونگی ترکیب آنها بحث می کند و اهدافی چند دارد؛ از جمله معرفت به کمال صنع الهی<sup>۱</sup> و دست یافتن به علل امراض و درمان آنها. تشریح، اساس علم پزشکی است، از این رو گفته اند: طبیب بی بهره از تشریح، به ندانستن علم طب شهره است!

شما فکر می کنید تشریح جهان اجتماعی چگونه صورت می گیرد؟ اجزای آن کدام اند و شناسایی آنها چه فایده ای دارد؟

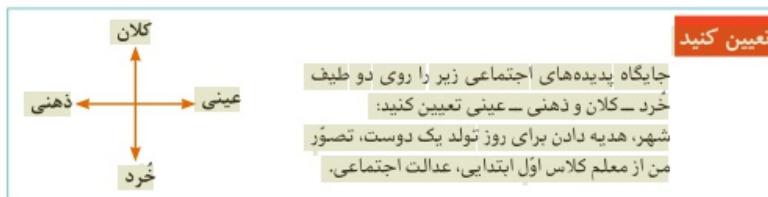
<sup>۱</sup>- به این معنا که در مجموعه افریش و مخلوقات خداوند هماهنگی شگفت آوری وجود دارد و هیچ خلل و ناهمانگی در آن دیده نمی شود.

شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی - عینی قرار می‌دهید؟

نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت‌گیر، در جهان اجتماعی بعد ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت موردنیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بعد ذهنی آن مفقود بود. همانند داشش آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و از این استعداد بهره جندانی نمی‌برد.



■ پدیده‌های اجتماعی عینی و ذهنی



### لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟

آیا همه اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ مثلاً آیا قلب، مغز، چشم و دست از اهمیت

یکسانی برخوردارند؟

نظر شما درباره اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ آیا همه آنها اهمیت یکسانی دارند؟

### بخواهیم و بداییم

در دروس گذشته بازها جهان اجتماعی و موجود زنده را به مقایسه کردیم و در درس‌های آینده نیز از این روش برای شناخت بهتر جهان اجتماعی کمک می‌گیریم. در این بازه لازم است به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که استفاده نادرست از مقایسه، آسیب‌های جبران ناپذیری دارد. یکی از استفاده‌های نادرست، این است که صرفًا بر شباهت‌های پدیده‌های مورد مقایسه تأکید کنیم و تفاوت‌های آنها را نادیده بگیریم. حتی متوجه شده‌اید که ما در مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده، هم به تفاوت‌ها و هم به شباهت‌های آنها توجه داریم، بنابراین باید از این اشتباہ حذر کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان بینداریم؛ در حالی که تفاوت‌های آنها بسیار عمیق‌تر است. مثلاً تباید گمان کنیم همان تشریحی که در پژوهشکی انجام می‌گیرد، در جهان اجتماعی نیز ممکن است.



■ پدیده‌های اجتماعی گوناگونی را در یک مراسم عروسی می‌توان شناسایی کرد.

جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلف تشکیل شده است. دانشمندان، جهان اجتماعی را براساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

### ● اندازه و دامنه

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زنده ماندن موجود زنده از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین کننده ای در جهان اجتماعی دارند؟ خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لیجه های مختلف زبان، آداب جشن تولد، مذهب، جشن فارغ التحصیلی.



بخش هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می کنند و تغییر آنها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی آورد. برخی می توانند حذف شوند، ولی با حذف آنها جهان اجتماعی تداوم می یابد؛ اما بخش های دیگر به آسانی تغییر نمی کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می ریزد. به بخش هایی که امکان تغییر بیشتری دارند و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش هایی که تأثیر تعیین کننده بر جهان اجتماعی دارند، «لایه های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می گویند. لایه های عمیق، تأثیرات همه جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند، اما لایه های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییرند. در سال گذشته با چهار لایه عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادها آشنا شدیم. به نظر شما عمیق ترین و سطحی ترین لایه های جهان اجتماعی کدام اند؟ چرا؟

می دانید که هیچ جامعه ای بی نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه های مختلف قابل تغییرند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی شود. عقاید و ارزش ها عمیق ترین لایه های جهان اجتماعی هستند. عمیق ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش های اجتماعی تأثیر می گذارند. باور و اعتقاد انسان ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق ترین پدیده های اجتماعی به حساب می آیند.

پدیده های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی اند و می توان آنها را بر اساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب، طیفی در جهان اجتماعی ترسیم می شود که در یک سوی آن، پدیده های اجتماعی خرد (کوچک) مانند کنش های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن، پدیده های کلان (بزرگ)، مانند فرهنگ و جامعه قرار دارند.

به نظر شما پدیده هایی مانند گروه ها و سازمان ها در کجا این طیف جای می گیرند؟ چرا؟

کلان ← میانه → خرد

آیا می توانید پدیده های اجتماعی زیر را روی طیف خرد - کلان قرار دهید؟  
کلاس درس، مدرسه، نظام آموزشی

به نظر شما تقسیم بندی پدیده های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده های اجتماعی خرد و کلان یا اثرپذیری از آنها بیندیشید. مثلاً می توان بیکاری و راه های درمان آن را در سه مورد زیر با یکدیگر مقایسه کرد: بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه بیکارند. به نظر شما حل کدام یک از مشکلات سه گانه مذکور آسان تر است؟ چرا؟



کنش اجتماعی خرد



بورس اوراق بهادار (ایران)



بازار ارزهای بین المللی (فارکس)

### ● ابعاد ذهنی و عینی

قبله دانستید تمامی پدیده های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ یک از اجزاء جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده های اجتماعی، بعد محسوس و عینی ندارند. پدیده های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن نیز می توان در یک طیف قرار داد.

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با همان شکل می‌دهد؛ اماً جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با این عقیده سازمان می‌دهد.



■ تناسب ارزش‌ها، هنجارها و نمادها با عقاید کلان



**نهادها**  
تاكون اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را جداگانه تجزیه و تحلیل کردیم. حال می‌خواهیم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم بررسی کنیم. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «نهادهای اجتماعی» آشکار می‌شوند.

افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و ... قادر به ادامه زندگی نیستند. به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راههای متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها، پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

«نهاد اجتماعی» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کثراهه‌های به دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند. خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟

در یک سوی طیف، پدیده‌هایی هستند که بعد محسوس و مادی قوی‌تری دارند؛ مانند ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی؛ و در سوی دیگر، پدیده‌هایی قرار می‌گیرند که بعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند؛ مثل عقاید، ارزش‌های اجتماعی و کنش‌های درونی.



شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی - عینی قرار می‌دهید؟  
نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت گیر.

در جهان اجتماعی بعد معنایی و ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یکی از پحران‌های اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ازان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بعد ذهنی و معنایی آن مفقود بود و صاحبان آن کشورها از اهمیت نفت و وضعیت کشورهای صنعتی و نیاز ضروری آنها به نفت اطلاع کافی نداشتند. همانند دانش آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و این استعداد بهره‌گذاری نمی‌برد!

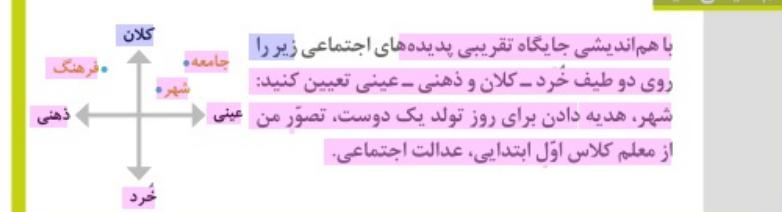


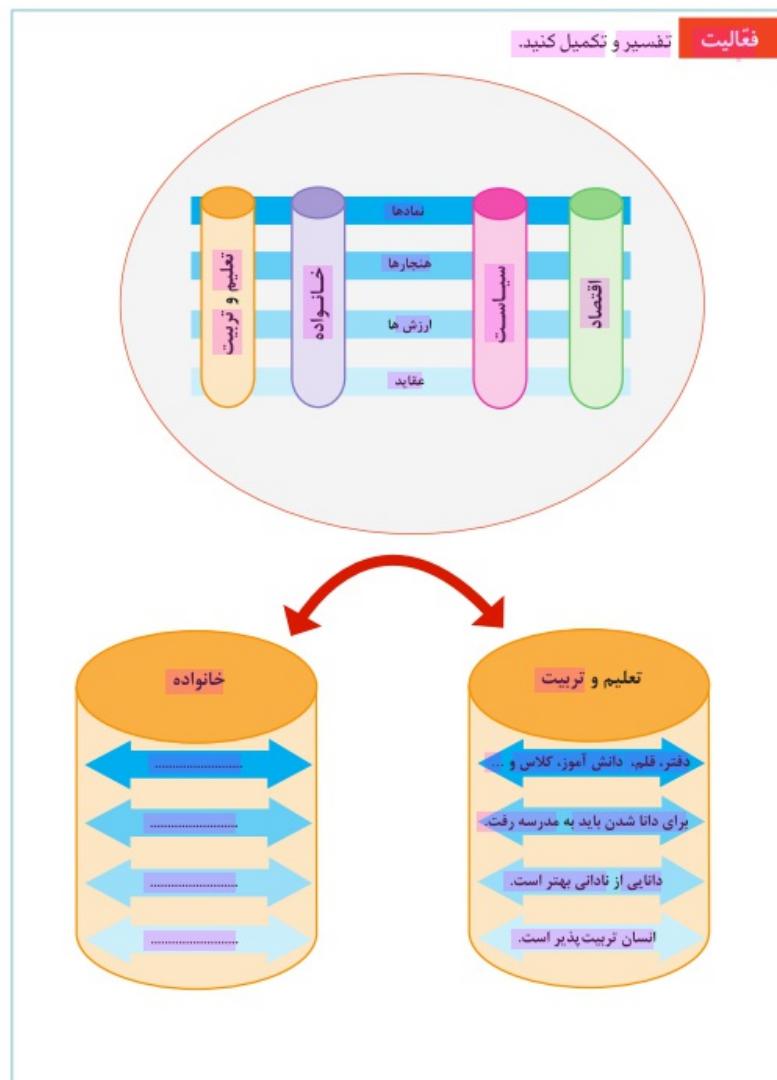
■ مراسم نخل‌گردانی، مراسمی نمادین و سمبولیک که دارای معانی متعالی و ویژه‌ای است.



■ فقر و نرخوت همراهان در شهرهایی مثل ریودوزانیرو به روشنی در مجتمعهای ساخته شده جلوه‌گر می‌شوند.

هم‌اندیشی کنید





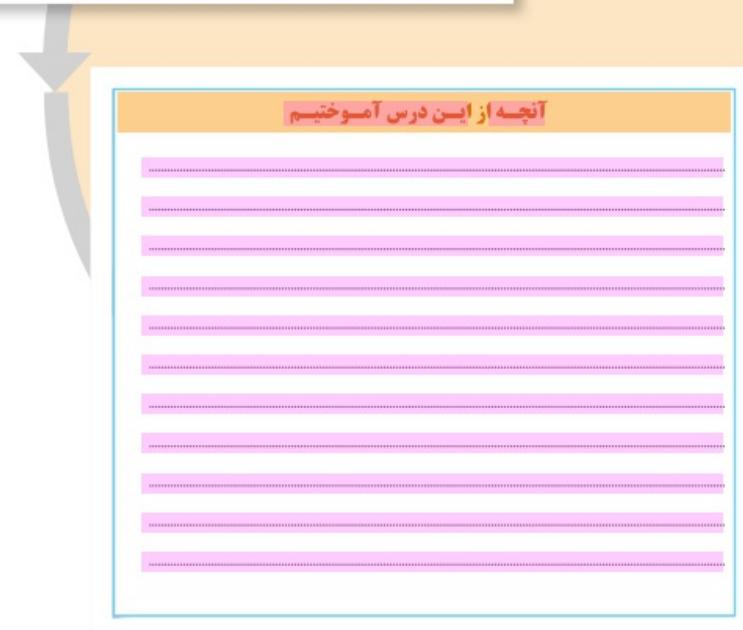
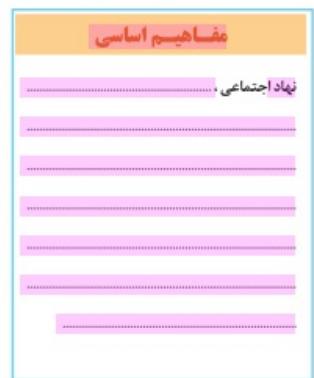
### لایه های جهان اجتماعی کدامند؟

آیا همه اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ مثلاً آیا قلب، مغز، چشم و دست از اهمیت یکسانی برخوردارند؟  
نظر شما درباره اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ آیا همه آنها اهمیت یکسانی دارند؟

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زندگانی موجود زنده، از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین کننده تری در جهان اجتماعی دارند؟ یادتان باشد اهمیت بیشتر برخی از پدیده ها به معنی اهمیت سایر پدیده ها نیست.  
خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لهجه های مختلف زبان، آداب  
جشن تولد، مُد، جشن فارغ التحصیلی.



بخش هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می کنند و تغییر آنها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی آورد. برخی می توانند حذف شوند، ولی با حذف آنها جهان اجتماعی تداوم می یابد؛ اما بخش های دیگر به آسانی تغییر نمی کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می ریزد.  
به بخش هایی که امکان تغییر بیشتری دارند و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش هایی که تأثیر تعیین کننده بر جهان اجتماعی دارند، «لایه های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می گویند.



لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فرآگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییراند.

در سال گذشته با چهار لایه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها آشنا شدید. به نظر شما عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟ چرا؟

می‌دانید که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییراند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق متوجه نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود. عقاید و ارزش‌ها عمیق‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی هستند. عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.



استاد فرشچیان: «هنر نقاشی ایرانی، هنری است که از این فرهنگ و آب و خاک شنید گرفته است هنری است که توان بیان اندیشه‌ها و افکار را به نحو احسن دارد.»

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را مناسب با همان شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را مناسب با این عقیده سازمان می‌دهد.

### ● نهادها

تاکنون اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را جداگانه تجزیه و تحلیل کردیم. حال می‌خواهیم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم بررسی کنیم. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «نهادهای اجتماعی» آشکار می‌شوند.

افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و... قادر به ادامه زندگی نیستند. به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راههای متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها، پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.



## جهان‌های اجتماعی

«انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد»

درس ۵

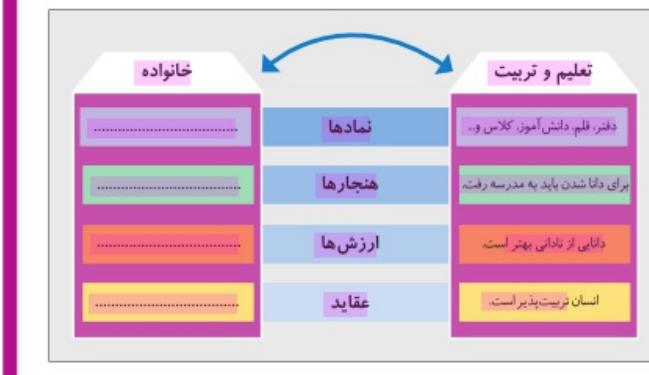
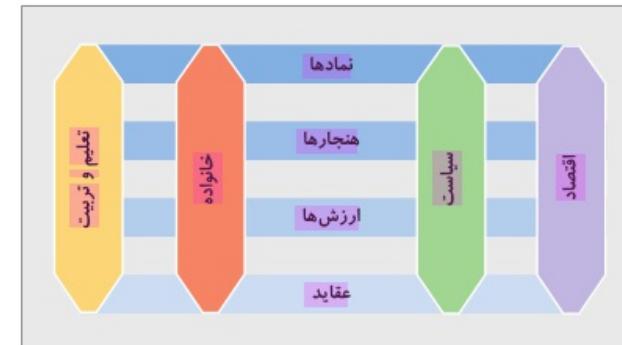
جهان اجتماعی یا جهان‌های اجتماعی؟

نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده، یکسان است. آیا همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه‌جا یکسان نیست؟ همچنین نظم و همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند، طی عصرهای متعددی تغییری نمی‌کند؛ مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظام واحدی زندگی می‌کند. آیا زندگی جمعی زنبورهای عسل سبلان و اجداد آنها در گذشته و تمامی زنبورهای عسل دنیا یکسان نیست؟ به نظر شما جهان اجتماعی انسان‌ها نیز تنها یک شکل دارد؟

شیر و آهو دو حیوان متفاوت‌اند. شیرها نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست. ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست. به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟ در کتاب منطق با مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست. ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های عرضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

«نهاد اجتماعی» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کثراهه‌های به دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند. خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟

تفسیر و تکمیل کنید



## تمرین کنید

متن زیر را به دقت مطالعه کنید و لایه‌های مختلف جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی عرب پیش از اسلام را استخراج کنید.

با ظهور اسلام، ارکان جهان اجتماعی جاهلی، درهم ریخته شد و جهان اجتماعی جدیدی پدید آمد. اسلام زبان مردم را تغییر نداد و بسیاری از مناسبات و روابط اجتماعی را حفظ کرد ولی اموری را تغییر داد که به مرگ جامعه پیشین و تولد جهانی جدید منجر شد. شرک، بت، قبیله، خون، شمشیر، شهوت و بول از معانی و مفاهیم جامعه پیشین بودند. این مفاهیم هم سامان اجتماعی شبه جزیره عربستان را شکل می‌دادند و هم جهان پیش از اسلام را تعیین و مسیر شناخت آغازه را مشخص می‌کردند. بت‌ها که در کانون نگاه مشترکانه جهان اجتماعی جاهلی بودند، هویتی قومی و قبیله‌ای داشتند و هر فرد هویت خود را در ارتباط با قبیله خود می‌شناخت و شأن و جایگاه اجتماعی او به شأن و قدرت قبیله او وابسته بود؛ خدایان متنوع، نمادها و صورت‌های مربوط به قبایل بودند که در خانه خدای گذارد و شده بودند. جامعه عرب، جهان را از افق قدرت قبایل مختلف می‌دید و مناسبات و روابط را در حاشیه این قدرت سازمان می‌داد. قانون و مقرراتی فراسوی بیمان‌های قبایل مختلف وجود نداشت و شأن و مرتبه هر فرد و حقوق او به منزلت قبیله او و موقعیت او در قبیله بازمی‌گشت.

در این جهان، علم از برخورد چهره به چهره و زندگی مشترک درون این جهان پدید می‌آمد و در حفظ و استمرار آن دخیل بود و بر این اساس علم انساب برترین علوم بود. زیرا هویت نظام قبیله‌ای را حفظ می‌کرد.

جهان اسلام با مجموعه معناهایی شکل می‌گیرد که از وحی الهی بر سینه سترگ رسول خاتم، نازل شد و از آنجا در بستر تاریخ جریان یافت. الله، توحید، تقوی، وحی، عقل، علم، حقیقت، فضیلت، عدالت، قسط، ایمان، کفر و نفاق از مفاهیم محوری این نظام معنایی هستند. این معانی با برخی از مفاهیم جاهلی در ستیز آشکار قرار می‌گیرند و جز به حذف و نابودی آنها راضی نمی‌شوند و به بازخوانی و بازسازی برخی دیگر از مفاهیم جامعه جاهلی می‌بردازند. از دسته اول شرک، بت، ظلم و ربا و از دسته دوم قبیله، عشیره، عهد، بیمان، غضب و شهوت، معانی و مفاهیمی هستند که ابتدا ارتباط آنها با دیگر مفاهیم مرکزی جهان شرک قطع می‌گردد و سپس در حاشیه مفاهیم محوری جهان اسلام به صورت صلة رحم، عفت و شجاعت، جهاد و شهادت بازخوانی می‌شوند. قرآن کریم روابط و مناسباتی که بر محور عصیت قبیله‌ای شکل می‌گرفت به روابطی بر محور اعتقاد به خدای یکتا تبدیل می‌کند و روابط دنیوی را در حاشیه معانی الهی و قدسی به خدمت می‌گیرد و کسانی را که مناسبات قومی و قبیله‌ای را مقدم می‌دارند و باورها و اعتقادات دینی را در خدمت این مناسبات قرار می‌دهند، توبیخ کرده و ظالم و فاسق می‌نامند.

## جهان‌های اجتماعی یکسان‌اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را بینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی‌می‌بریم.

## بخوانیم و بدانیم

در جهان غرب، نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیش‌رونه (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیرغربی)، وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفة‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتیاه جامعه‌شناسان غربی پی‌بردن. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین انتقادها به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

## علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

دانستید زندگی اجتماعی انسان‌ها بر خلاف زندگی سایر موجودات زنده، متنوع است و صورت‌های گوناگون دارد.

بچه لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه چیزی را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی باید فرار کند و کدام‌یک از آنها با او کاری ندارند ... . به نظر شما چه نیرویی این جانور کوچک را راهنمایی می‌کند؟



رفتار سایر موجودات زنده، ناگاهانه یا غریزی است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قالب فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل

می شود، صرفاً موجودی منفعت و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. نوع آگاهی و معرفت انسانها و همچنین نوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

گاهی، نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تبعیض نژادی است و گاهی در مقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که نژادها، زبانها و اموری از این دست را عناصر اصلی بهشمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟



■ جوانی به علت اعتراض به آپارتاید (جدانزادی) توسط پلیس بازداشت می‌شود.

#### تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی چه نوع تفاوتی است؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن بوجود می‌آید؛ نسل‌ها در پی هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و ... آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟ هر جهان اجتماعی، تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند. گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری بوجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق

#### خلاصه کنید

- اجزای جهان اجتماعی را می‌توان به صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد.

#### مفاهیم اساسی

نهاد اجتماعی،

#### آنچه از این درس آموختیم



جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنگارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.

### تحلیل کنید

- شرک و بتپرستی و نگاه نزدی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان بود.
- توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است. با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.
- تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌های است؟

### آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

آشکار شد که جهان‌های اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های کلان خود، متنوع‌اند. ولی این پرسش مطرح است که آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه آنها ناتزیر از پیمودن مسیر واحدی هستند؟

از پایی‌ها یک ضربالمثل قدیمی دارند که «همه راهها به رُم ختم می‌شوند»؛ این تنها یک ضربالمثل است ولی عده‌ای باورشان این است که زندگی اجتماعی بشر یک مسیر را طی می‌کند. آیا به راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟



### جهان‌های اجتماعی (انسان، جهان‌های اجتماعی متعددی پدید می‌آورد)

### درس پنجم

#### جهان‌های اجتماعی یا جهان‌های اجتماعی؟

نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده، یکسان است. آیا همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه جایکسان نیست؟ همچنان نظم و همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند، طی عصرهای متعددی تغییری نمی‌کند؛ مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظام واحدی زندگی می‌کند. آیا زندگی جمعی زنبورهای عسل سبلان و اجداد آنها در گذشته و تمامی زنبورهای عسل دنیا یکسان نیست؟ به نظر شما جهان اجتماعی انسان‌ها نیز تنها یک شکل دارد؟

شیر و آهو دو حیوان متفاوت‌اند. شیرهای نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست.

به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟ در کتاب منطق با مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های غرضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

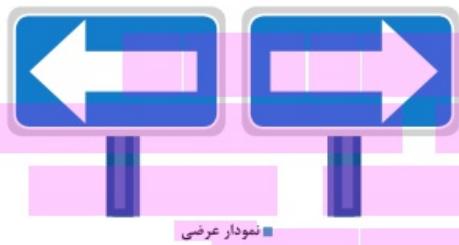


■ از نگاره‌های هندسی عظیم‌الجهة و باستانی تمدن نازکا در پرو که صرفاً از فاصله سیزده هزاریابی قابل شناسایی است. آنان به چه دانشی دست یافته بودند که توانستند آثاری این چنین خلقی کنند؟

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوت‌شان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگ‌سالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه تک خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



در مقابل، عده دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌ورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.



### ● جهان‌های اجتماعی یکسان‌اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی بی‌می‌بریم.

#### بخوانیم و بدانیم

در جهان غرب، نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظيفة جامعه‌شناسی، مطالعة جوامع صنعتی و شهری پیشترفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعة جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیرغربی). وقتی مردم‌شناسان بنا به وظيفة حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباہ جامعه شناسان غربی پی‌برند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین انتقادها به خودمداری فرهنگ‌غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

### ● علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

دانستید زندگی اجتماعی انسان‌ها برخلاف زندگی سایر موجودات زنده، متنوع است و صورت‌های گوناگون دارد.



بچه لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه چیزی را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی باید فرار کند و کدام‌یک از آنها با او کاری ندارند و... به نظر شما چه نیرویی این جانور کوچک را راهنمایی می‌کند؟

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ‌یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط پرقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آنها به وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند.

#### تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمال را به معنی استثمار در می‌پابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمال به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب مانده بود. درباره نظریه استعمال، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه‌های بالا بود؟ نظریه استعمال را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی<sup>۱</sup> است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست. بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. انسان‌ها در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند، ابتدا آن موقعیت را برای خود تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌دهند و سپس در آن موقعیت دست به عمل می‌زنند. تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

گاهی، نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که می‌تنمی بر تبعیض نژادی است و آگاهی در مقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که تراوهها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به شمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟



جوانی به علت اعتراض به آپارتاید (جدانژادی)  
توسط پلیس بازداشت می‌شود.

#### • تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی چه نوع تفاوتی است؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن به وجود می‌آید؛ نسل‌ها در بی‌هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و... آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟ هر جهان اجتماعی، تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند. گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملّی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

۱- غریزه کشنیده درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معنی و می‌دارد. به این معنا که موجود زنده از بدبو تولد معلومات و مهارت‌های غیر اکتسابی دارد که قابلیت دستکاری و تغییر چندانی ندارند.



تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند.



● شرک و بتپرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان بود.

● توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است.

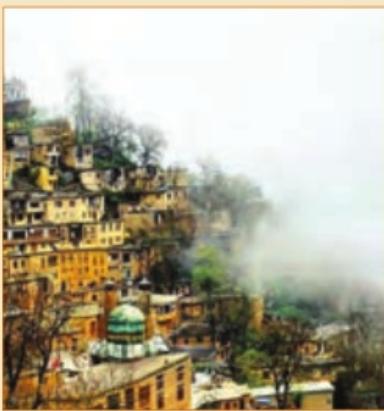
با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام فوار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.

تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌هاست؟

#### تحلیل کنید

آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

آشکار شد که جهان‌های اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های کلان خود، متنوع‌اند. ولی این پرسش مطرح است که آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه آنها ناگزیر از پیمودن مسیر واحدی هستند؟



## پیامدهای جهان اجتماعی

«درهایی که جهان اجتماعی به روی مامی گشاید و درهایی که می‌بندد»

درس ۶

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

در درس‌های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بازسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

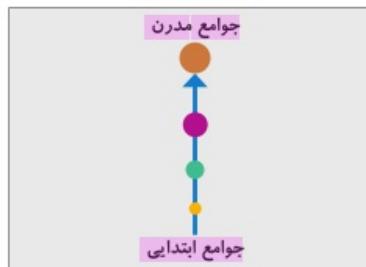
شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار / در سر راه دید مزرعه‌ای / که در آن بود مردم بسیار / اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او ز نواده جوز در زمین می‌کاشت / که به فصل بهار سبز شود / گفت کسری به پیرمرد حریص / که چرا حرص می‌زنی چندین؟ آیا های تو بر لب گور است / اتو گتون جوز می‌کنی به زمین / مرد دهقان به شاه کسری گفت / مردم از کاشتن زیان نمود / دگران کاشتنند و ما خوردیم / اما بکاریم و دیگران بخورند / ملک الشعا بهار  
یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از هاست. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می‌کنید؟  
کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

رویایی‌ها یک ضرب المثل قدیمی دارند که «همه راه‌ها به رُم ختم می‌شوند». این تنها یک ضرب المثل است ولی عده‌ای باورشان این است که زندگی اجتماعی بشر یک مسیر را طی می‌کند. آیا به راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟



از نگاره‌های هندسی عظیم‌الجهة و باستانی تمدن نازکا در پرو که صرفاً از فاصله سبزده هزاری‌بای قابل شناسایی است، آن را به چه داشتی دست یافته بودند که بواسطه آثاری این چنین خلق کنند؟

عده‌ای از جامعه‌شناسان<sup>۱</sup> معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوت‌شان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مرحله بزرگ‌سالی پیدا می‌کند. این عدم، نگاه خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیش‌رفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیش‌رفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیش‌رفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



«جهان‌های اجتماعی در عرض هم»

۱. آگوست کنت، اسپنسر، دورکیم و مارکس از این جمله‌اند. دورکیم حرکت جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. جوامع مقطع نخست را «جوامع مکانیکی» و جوامع مقطع دوم را «جوامع ارگانیکی» می‌نامد. در «جوامع مکانیکی» تقسیم کار اجتماعی شکل ثابت‌فته است یا در حد ساده و لیندایی است مانند تقسیم کار سنجی و جنسی، ولی در «جوامع ارگانیکی» تقسیم کار گسترده وجود دارد.

## بخوانیم و بدانیم

### زندگی اجتماعی به مثابه گفت و گو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شود، دیگران پیش از شما آمدند و در گیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنچه رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین می‌بینیم یک از حاضران واحد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مراحلی گذشته است، مدتی می‌نشینید و گوش می‌دهید بعد به این ترتیبه می‌رسید که رشته بحث را فرا گرفته‌اید؛ آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگریه دفاع از شما بر می‌خیزد و یکی دیگر به صفت طرف مقابل شما می‌پیوندد ... به هر صورت بحث پایان ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت و گو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد. قبل‌از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سریناه نیاز داریم، به لانه و سریناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه‌ایی سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و ... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهمن‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود



فرصت‌ها و محدودیت‌ها

در مقابل، عده‌ای دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ‌یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آنها به وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند.

## تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به ناحیه دیگران و دسترنج آنها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع مقب‌مانده بود. درباره نظریه استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه‌های بالا بود؟

نظریه استعمار را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ نشین، یک جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانه‌ای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پیدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متاثر می‌سازد. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما صرفاً کنیش گری منفعل نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پایرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

### تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزو و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

### پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدود کننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنامی کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌باید. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

### خلاصه کنید

- انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.

### مفهوم اساسی

تنوع جهان‌های اجتماعی،

### آنچه از این درس آموختیم



فرصت‌ها و محدودیت‌های بزرگراه‌ها

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با اینمی ترد دکنند؟ بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد اینم و سریع را نیز به دنبال دارد. به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صدایها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورند. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند. هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.



## پیامدهای جهان اجتماعی (درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد)

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

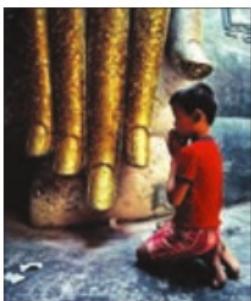
در درس‌های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

شاه‌انوشبروان به موسم دی ارفت بیرون ز شهر پهلو شکار ادر سر راه دید مژر عالمی/ که در آن بود مردم بسیار /اندر آن دشت پیرمردی دید اکه گذشته است عمر او ز نو/ ادانه جوز در زمین می‌کاشت /که به فصل پهار سبز شود/ گفت کسری به پیرمرد حربیص /که جزا حرث می‌زنی چندین؟/ای های تو بر لب گور است/ تو کنون جوزمی کنی به زمین/ مرددههان به شاه کسری گفت امروز از کاشتن زبان نبرند/ دگران کاشتند و ما خوردیم اما بکاریم و دیگران بخورند ملک الشعرا بهار

یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست.

شما چه فکر می‌کنید؟  
کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.<sup>۱</sup>



بی‌برستی



تسلط بر طبیعت

## بخوانیم و بدانیم

خداآنده سبحان در قرآن کریم خانه عنکبوت را سست ترین خانه‌ها توصیف می‌کند (سوره عنکبوت آیه ۴۱) تار عنکبوت محکم ترین ماده زیستی است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌توانست یک هوایپمای جمبوچوت را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحده مرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسیندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا فرق آن را سست ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ خانه عنکبوت و نه تارهای آن سست ترین خانه‌های است؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را هم گشتد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضای با هم در گیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی ترین خانه‌های است که در آن خبری از بیوندهای خویشاوندی و عاطفی نیست.

بدین ترتیب از مرغوب ترین مصالح و اشکال، سست ترین خانه بنا می‌شود. پروردگار، خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند؛ بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خدا زندگی انسان هایی را که غیر خدا را به دوستی و سریرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانه سستی، همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند.

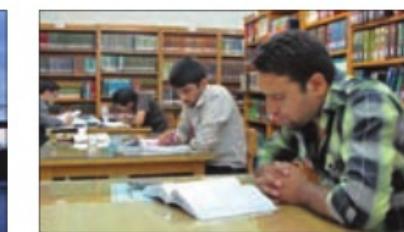
۱- زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاق، حیات می‌باید. پیامبر اکرم (ص)

## بخوانیم و بدانیم

زندگی اجتماعی به منزله گفت و گو نصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شود، دیگران پیش از شما آمدند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. مدتی می‌نشینند و گوش می‌دهند رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واحد شرایط لازم نیست که بتوانند به شما بگویید این بحث از چه مراحلی گذشته است. مدتی می‌نشینند و گوش می‌دهند بعد به این نتیجه مرسید که متوجه موضوع بحث شده‌اید. آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگر به دفاع از شما بر می‌خیزد و یکی دیگر به صفت طرف مقابل شما می‌پیوندد.... به هر صورت بحث پایان نایدیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت و گو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پرده می‌آید. ولی این پرده‌ده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

قبل از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفته‌یم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی اشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرینه نیاز داریم، به لانه و سرینه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ نشین، یک جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.



فرصت‌ها و محدودیت‌ها

### تامل کنید

● فرست ها و محدودیت های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی شوند. برای شناخت عمیق تر فرست ها و محدودیت های جهان اجتماعی، پاره ای از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده نام ببرید.

● سعدی در شعر زیر چه فرست ها و محدودیت هایی را بر می شمارد؟

گرت باز باشد دری آسمانی	هزاران در از خلق بر خود بیندی
گر از چنین از بازش پرانی	سفرهای علوی کند منع جانت
گیاهت نماید کل بوستانی	گر از باغ انسنت گیاهی بسرايد
که نامش برآمد به شیرین زبانی	همه عمر تلخی کشیده است سعدی

سعدی

### فرست ها و محدودیت های جهان متعدد کدام اند؟

منظور از جهان متعدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهار صد سال اخیر است. اندیشمندان مختلف درباره ویژگی های این جهان اجتماعی گفت و گوهای بسیاری گردیده اند و فرست ها و محدودیت هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، بر شمرده اند. به نظر شما ویژگی های این جهان کدام اند؟

جهان های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می کنند:

- جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش های آن، مربوط به همه جهان است. در این فرهنگ، جهان دنیوی همه ظرفیت ها و استعدادهای منافعی که برای خواسته های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می شود. جهان دنیوی همه ظرفیت ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می گیرد و ظرفیت ها و خواسته های معنوی انسان ها را به فراموشی می سپارد.

- جهان معنوی، فرهنگی معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان عبور کرده، چهره ای آسمانی و ملکوتی بیدا می کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ازانه می دهد، فرهنگ جهان توحیدی است، اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندان و قدرت های فوق طبیعی قالیل است و محصول انحراف پسر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می شود.

جهان متعدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرست ها و محدودیت هایی دارد؟

جهان اجتماعی را می توان همچون خانه ای در نظر گرفت که انسان می سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام ها و پیامدهایی برای انسان پدید می آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می سازد. ما انسان ها در جهانی دیده می گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش ها، هنگارها و نمادهای آن شکل آگرفته اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می دهند؛ اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنش گری منفع و مجبور نیستیم بلکه می توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده ای نوین است و ممکن است جهان موجود از سطح آن جلوگیری کند.

هر جهان اجتماعی اتا زمانی که از طریق مشارکت افراد پایه جاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزام هایی، جهان اجتماعی جدیدی شکل می گیرد و الزام های دیگری به دنبال می آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می گذارد.

### تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزو و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است.

فرست ها و محدودیت های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

### پیامدهای جهان اجتماعی فرست اند یا محدودیت؟

برخی گمان می کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدود کننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرست های جدیدی برای انسان پدید می آورد. شما در این باره چه فکر می کنید؟

هر خانه ای نقشه ای دارد که یک معمار آن را در قالب در و دیوار بنا می کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی شود. آیا یک خانه می تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می شود و اگر همهاش در و بینجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی کند. اگر درها و دیوارها را فرست ها و محدودیت های خانه فرض کنیم، هیچ خانه ای بدون این فرست ها و محدودیت های ممکن نمی شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرست ها و محدودیت های ای همان باید ها و نباید ها تحقق می باید. منظور از فرست ها و محدودیت های جهان اجتماعی چیست؟

یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متعدد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرست‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد: جهان متعدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.

در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تحریبی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... را به انسان می‌دهد.<sup>۱</sup>

از همین آتش، چرا غش روشن است  
اقبال لاهوری

قوت افرنگ از علم و فن است



■ به کارگیری علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

در جهان متعدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه متعطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، افراد خواهان تسلط بر این جهان را به تدریج، اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل فس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را حافظه می‌کند و فرصت رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متعدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند و جهان، از هیچ گونه قداستی برخوردار نیست. جهان صرف‌آر مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشوند؛ به وسیله‌ای او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و هیچ گونه قداستی ندارند.

کاروان زندگی بی‌منزل است  
اقبال لاهوری

در نگاهش آدمی آب و گل است

<sup>۱</sup>- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.



فرصت‌ها و محدودیت‌های بزرگراه‌ها

قوانين و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با اینمی تردد کنند؟ بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صدایها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر واپس‌هایند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

جهان متجدد فقط علومی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علومی را که از روش‌های فراتجربی (عقلاتی و حیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فرا تجربی اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و داوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.<sup>۱</sup> آیا راهی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های یک جهان اجتماعی وجود دارد؟



تصویری از فیلم عصر جدید: انسان در بند تکنولوژی



**تفسیر کنید**

فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارانه می‌کند، تفسیر کنید.

۱- این روند، به زوال معنا و «عقلاتی ذاتی» یاد می‌شود.



پت پرستی



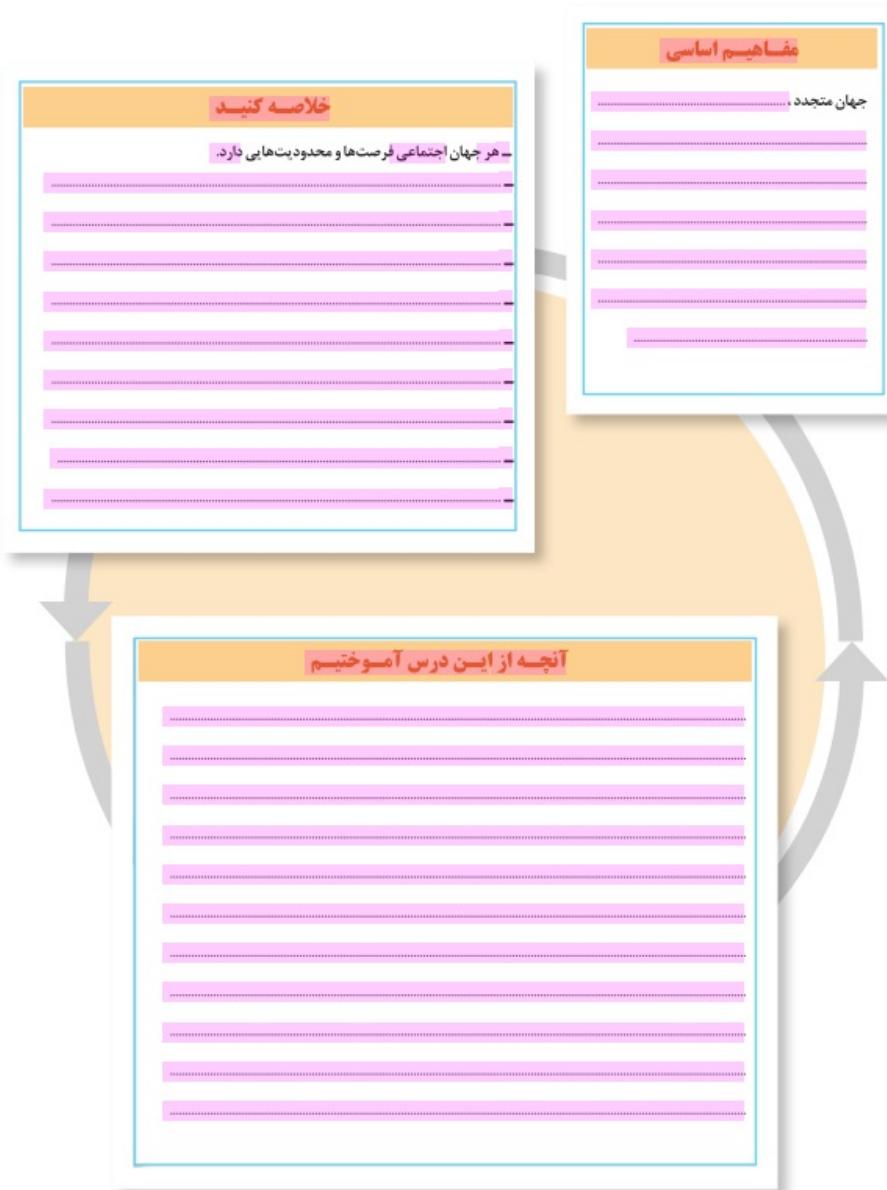
سلط بر طبیعت

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرست شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان ای توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.<sup>۱</sup> در فعالیت آخر درس اول از شما خواسته شده است آیه ۳۸ سوره مدثر را تحلیل کنید. اکنون دوباره تلاش کنید و این آیه را دقیق‌تر تحلیل کنید.

#### گفت و گو کنید

بدون تردید همه ما، حتی محروم‌ترین افراد - اگرچه به صورت نابرابر - از جهان اجتماعی و نظام اجتماعی حاصل از آن فوایدی بددست می‌آوریم؛ مثلاً قبیرترین فرد، در حد معقولی می‌تواند مطمئن باشد که در خیابان‌های شهر، اتومبیل‌ها در جهت معین شده حرکت خواهند کرد و یا اینکه هر غذایی که توان خریدش را از هر فروشگاهی داشته باشد در حد معقولی سالم و حلال خواهد بود. اما هر کدام از این فواید هزینه‌ای در بردارد؛ برای مثال حرکت منظم اتومبیل‌ها، به این معنی است که ما نمی‌توانیم هر طور که بخواهیم رانندگی کنیم بدون اینکه جریمه شویم. امنیتی که ما از آن برخورداریم و در خیابان مورده هجوم قرار نمی‌گیریم هزینه‌اش این است که ما نمی‌توانیم هر از چند گاهی که هوس کردیم به دیگران حمله کنیم. البته اینها به این معنی نیست که بگوییم نظام اجتماعی مارا از آزادی محروم می‌کند. اتفاقاً آزادی ما تنها با وجود نظام اجتماعی امکان پذیر می‌شود. رابطه دوسویه نظام و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است. در طول تاریخ عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های اصل انسانی بوده است. به نظر شما رابطه دوسویه نظام و آزادی در جامعه عادل چگونه است؟

۱- زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌یابد. بیامبر اکرم ﷺ



تار عنکبوت محکم ترین ماده زیستی است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هوایپیمای جمیوجوت را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متعدد مرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام اندختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سیست ترین خانه‌هاست؛ زیرا کرده است؟ (سوره عنکبوت، آية ۴۱) خانه عنکبوت و نه تارهای آن، سیست ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تنداش و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه به‌جهه‌های خود را می‌خورد. وقتی به‌جهه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضای باهم در گیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشنند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانه سیستی، همچون خانه عنکبوت بناده بردند.

**تأمل کنید**

فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، چند نمونه از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده، مدرسه و کشور جمهوری اسلامی ایران نام ببرید.

**فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متعدد کدام‌اند؟**

منظور از جهان متعدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف درباره ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟



• شهید پیروز مرادی (ملحق هنرمند از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و همزمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

## ارزیابی جهان‌های اجتماعی

«واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم»

درس ۷

### قلمر واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و ... ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟

هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی هدف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دنیوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها، وابسته به کنش‌های شماست.

در یک خانواده برای تهیة صبحانه، نظافت خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروس و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و ... هر عضو خانواده مستولیتی به عهده دارد. اعفای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مستولیتی را بر عهده دارند. آیا تمامی افراد یک جهان اجتماعی برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها، به مستولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند:

- جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافقی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

• جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهارهای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیاء الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است، اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف پیش از فرهنگ توحیدی است.

این سه جهان چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟ در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ گونه معنا، هدف و غایبی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. بیرونی‌های بی‌نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

جهان اساطیری طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آنها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بیرونی انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. منع انسان از تناول گیاهان و حیوانات، نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست.

در جهان توحیدی، طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم و به خواست او مسخر انسان است و انسان خلیفه الهی و مستول عمران و آبادانی طبیعت است. تصرفات انسان در طبیعت محدود به اراده حکیمانه الهی است.

جهان متعدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متعدد اندیشه‌یده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی

است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد:

جهان متعدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام بر می‌دارد.

به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می‌گویند. آرمان اجتماعی تصور اعضاً جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و ... است.

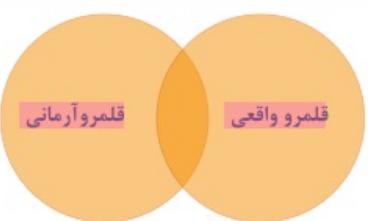


■ بافت آب که در رودها، نهرها، جوی ها و ... جاری است، آرمان جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور است.

آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه‌ای، آزادی را آرمان خود می‌بیند و جامعه‌ای دیگر عدالت را و ... عموماً انسان‌ها خدمت به همنوعان خود را خوب و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌شمارند. دروغ‌گویی، رشوه، دزدی رانرا و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند. بسیاری از ارزش‌های یادشده را الغل افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می‌کنند و رعایت آنها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد و ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا ز طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقیق پیشر ارمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم را روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... و مسلط شدن بر آنها را به انسان می‌دهد.

قوت افرنگ از علم و فن است

اقبال لاهوری



■ به کارگیری علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

در جهان متعدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند (مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی یا استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده و ...) به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متعدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفًا از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرنده؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و هیچ گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است

اقبال لاهوری

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلاییت ابزاری» می‌گویند.

### بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند. این افراد ممکن است از آرمانها و ارزشها سخن بگویند ولی در عمل به آنها باینند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می کند: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنی می گویید که به آن عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است، سخنی بگویید که بدان عمل نمی کنید. خداوند کسانی را دوست می دارد که در صدقی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می کنند» (سوره صف، آیات ۳ و ۴).



■ تمامی افراد همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل نمی کنند.



### نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمایش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
ذرون قلمرو واقعی	بیرون از قلمرو واقعی
استکبارستیزی	ناپسند بودن اسراف و تبذیر
احترام به پدر و مادر	.....
.....	.....

جهان متعدد نقطه علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌دانند و علمی این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فرا تجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و داوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفقق سپرده می‌شود. آیا راهی عقلانی و علمی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی وجود دارد؟



### تفسیر کنید

فیلم سینمایی «عصر جدید» را بینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ازانه می‌کند، تفسیر کنید.

۱- از این روند، به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.

### قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و اغلب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌شود. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟



■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و ... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. طلب، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک،

دنیاپرستی و ... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

تجربی توان داوری درباره فنون و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه

### خلاصه کنید

- هر جهان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد.

### مفاهیم اساسی

جهان متعدد،

### آنچه از این درس آموختیم

مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.

حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند. از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری درباره درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم.

علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

**نمونه بیاورید**

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ‌ها حضور دارد، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	.....	.....	راست‌گویی	وفای به عهد

### آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً آمنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعه بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌بoshد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جایه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از، پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟



شهید بهروز مرادی (علم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و هم‌زمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

### ارزیابی جهان‌های اجتماعی (جهان‌های اجتماعی را جکونه ارزیابی و داوری کنیم)

درس هفتم

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و...

ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟

هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی هدف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دنیوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها، به کنش‌های شما وابسته است.

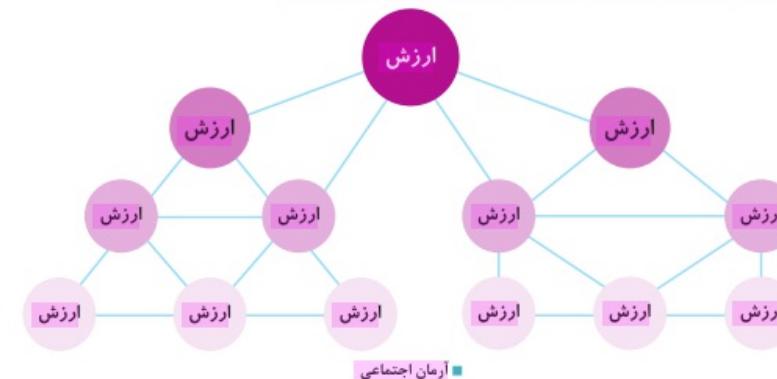
در یک خانواده برای تهیه صبحانه، نظافت خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروس و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و... هر عضو خانواده مسئولیتی به عهده دارد. اعضای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مسئولیتی را بر عهده دارند. آیا تسامی افراد و گروه‌ها برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان بوارانی پیش آوردند. خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعامی است خوش». ندیمی در مدد آن فصلی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادمجان سخت مفسر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مردگانه این زمان مدهش می گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. عرا چیزی می باید گفت که تو را خوش آید نه بادمجان را». چاپلوسی همیشه و همه جا عملی ناپیشتد بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می افتد؟ برخی جهان های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت ها، زمان ها و مکان های متفاوت، وابسته می دانند و هیچ محققیتی را ورای خواست و اراده افراد به رسument نمی شناسند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده ها، به تمایلات افراد وابسته است؟



حق و باطل بودن عقاید، ارزش ها، هنجارها و کنش ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی توجهی مردم جهان های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود. نزد گرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول پرستی و شرک؛ از عقاید و ارزش های باطل اند. باطل بودن این عقاید و ارزش ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی شود. آزادی انسان ها از همه بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان ها، توحید و روپیت خداوند سیحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزش های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی یابد. جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده اند.

به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می گویند. آرمان اجتماعی تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و... است.



آرمان های جهان اجتماعی در ارزش ها مبتلور می شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه ای، آزادی را آرمان خود می بیند و جامعه ای دیگر عدالت را و... عموماً انسان ها خدمت به همنوعان خود را خوب و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می شمارند. دروغ گویی، رشوه، دزدی را ناروا و رعایت مقررات را پسندیده می دانند. بسیاری از ارزش های پادشاهه را اغلب افراد جامعه رعایت می کنند و برخی از آنها را بعضی گروه ها یا افراد در عمل رعایت نمی کنند. ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند و رعایت آنها را لازم می دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی<sup>۱</sup> جهان اجتماعی را شکل می دهد و ارزش هایی که مردم به آن عمل می کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می سازد. قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده اند و مز آنها براساس عمل مردم تغییر می کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می شوند. اما اگر مردم به ارزش هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان ها فاصله می گیرد.

برنامه ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

۱- آرمان ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می کنند و برخی هم آن را مراجعت نمی کنند.

اگر جوامع حقایق را نشناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدنهند، از حق گسیته و به سوی باطل گام برمی دارند. بنابراین، حقایق هر چند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی واقعی، تغییریدیرند. یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی‌شود.

### بخوانیم و بدانیم

با ظهور اسلام، تمامی آرزوها و منافعی که از نظر عقلی قابل دفاع نبود، با چالش مواجه شد. یکی از این منافع، تبعیض نژادی بود. در دوران جاهلیت، افراد غیر عرب و سیمه چرده از میջ امتیازی برخوردار نبودند. این گونه افراد، تنها به عنوان بردۀ جهت رفاه حال و منافع اشراف عرب به کار گرفته می‌شدند. پیامبر اکرم(ص) اممور شدند تا نژادگرانی را طرد کنند. ایشان در طول رسالت خود، در فرست‌های و موقعيت‌های مختلف، اعراب را از تفاخرات نسیبی و قبیله‌ای برحدز مری داشتند و می‌فرمودند: «تسپ‌های خود را نزد من نیاورید بلکه عمل‌های خود را بیاورید».

### شناسایی کنید

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

باطل	
قلمرو واقعی	قلمرو آرمانی
نکاثر(مال اندوزی)	نکاثر(مال اندوزی)
قبیله‌گرایی	قبیله‌گرایی
.....	.....
.....	.....

### بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی‌آورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. فرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی نایسنده است، سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفحی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (سوره صف، آیات ۳ و ۴).



تمامی افراد همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل نمی‌کنند.

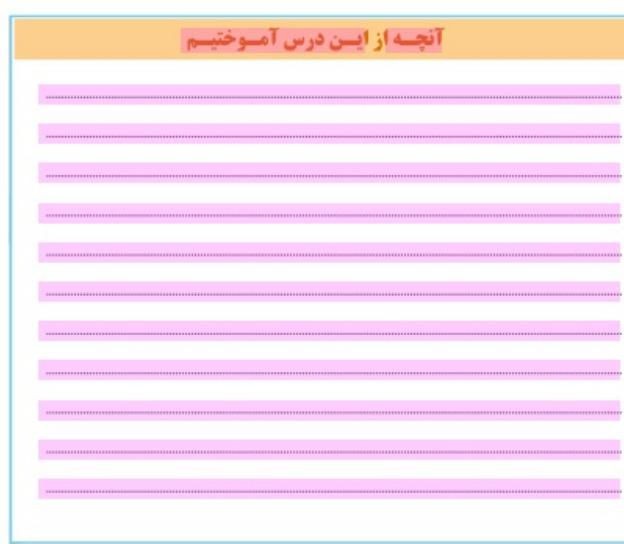
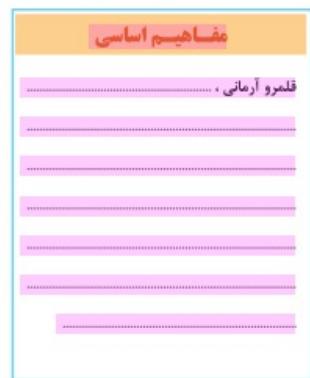
### نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بتویسید که گمایش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
استکبارستیزی	ناپسند بودن اسراف و تبذیر
احترام به پدر و مادر	ساده‌زیستی
.....	.....

### قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در برخواهی از آرمان‌های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟



در سوسایر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و غالب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌شود. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است. عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک، دنیاپرستی و... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم مناسب با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.

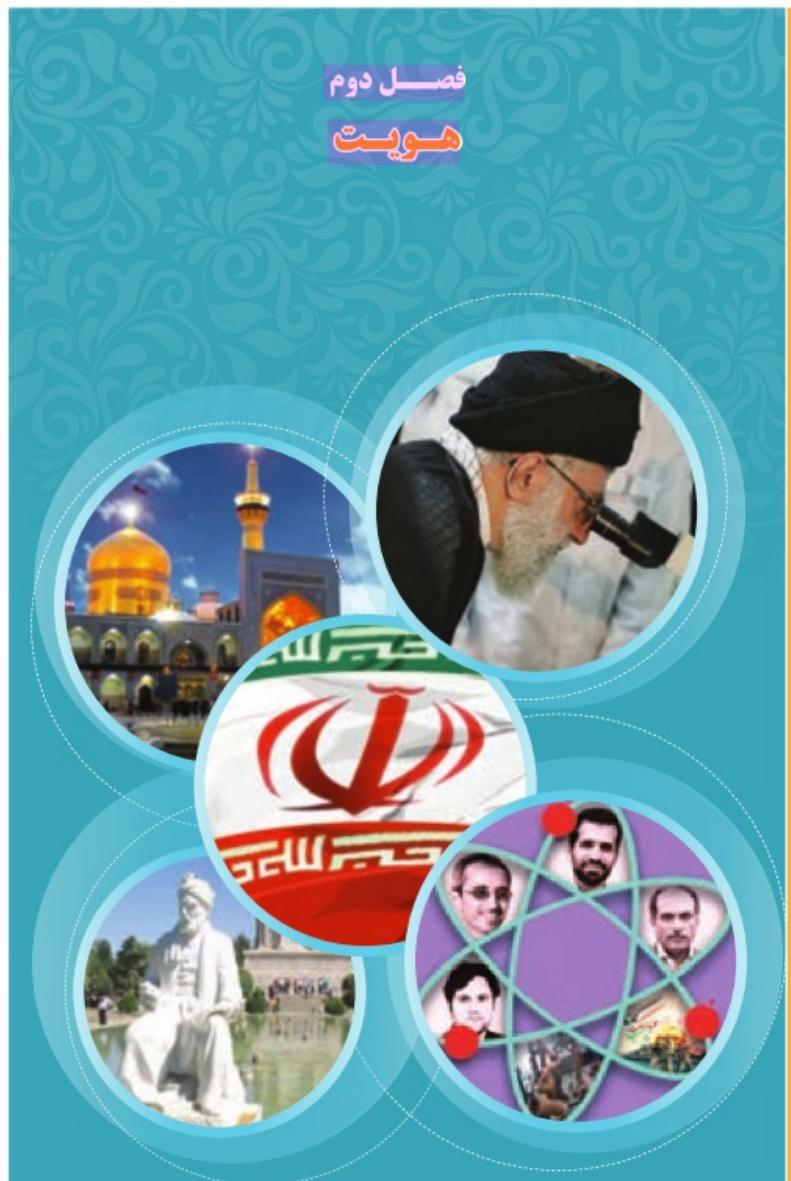
حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.



■ تقدیس حیوانات در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد هر سال همزمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.





از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری درباره درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم.  
علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

#### نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	.....	.....	راست‌گویی	وفای به عهد

#### آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعه بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جایه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از، پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟

## ● فصل دوم - هویت ●

### ● اهداف فصل دوم ●

- دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن:
- تمایز، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را با مثال توصیف می‌کند.
- به عوامل مؤثر در شکل گیری هویت خود، آگاه می‌شود و برای هویت‌یابی مطلوب، تلاش می‌کند.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازنگری هویت اجتماعی توضیح می‌دهد و به انجام امر به معروف و نیز از متکر رغبت نشان می‌دهد.
- فرضت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان‌های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیداکردن هویت‌های جدید فراهم می‌کنند نقد و ارزیابی می‌کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز می‌دهد و رابطه آنها را شرح می‌کند.
- غلظ درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان می‌کند و با تشخیص تحولات هویتی مشیت و منفی، خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی مسئول می‌داند.
- هویت ایرانی، اسلامی و اقلایی را افخارآمیز می‌داند و برای تقویت آن تلاش می‌کند.
- به اهمیت بیعاد جمیعتی و اقتصادی هویت ایرانی بی می‌برد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌کند.

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان پیش آوردند. خوش آمد و گفت:

«بادمجان طعامی است خوش». ندیمه در مدد آن فصلی پرداخت. چون سیر شد، گفت:

«بادمجان سخت مضر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مرد کاره این زمان مدهش می گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. ما را چیزی می باید گفت که تو را خوش آید، نه بادمجان را.»

چاپلوسی همیشه و همه جا عملی قایستند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟

برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و اراده افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟

حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنگارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادگرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، بول پرستی و شرک؛ از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود.



■ جوانان سیاه پوست به طور متوسط بیش از همسالان سفید پوست طرفداران تبعیض نژادی با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند. خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس و جو قرار گرفتند.



■ آزادی انسان‌ها از همه بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان‌ها، توحید و ربویت خداوند سبحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزش‌های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت آمیان تغییر نمی‌یابد.

خدا یا لین افخار مرا بس که بنده تو ام و لین عزت مرا بس که تو خدای منی.  
خدا یا تو همانی که من می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهم. امین

## هویت

«من کیستم؟»

درس ۸

### در مورد هویت چه می دانید؟

در سال گذشته خواندید، آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می شود و شخص با آن از اشیا و افراد دیگر تمایز می گردد، هویت فرد را تشکیل می دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است. افراد در موقعیت های گوناگون، با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند، یا از خودشان می پرسند: به راستی «من کیستم؟» آیا می توانید برخی از این موقعیت ها را نام ببرید؟

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» خودشان را معرفی می کنند و ممکن است در معرفی خود، به ویژگی های از این قبیل اشاره کنند: جوان، متولد دوم استند، ۲۹ با هوش، مؤمن، گندمگون، وقت شناس، خجالتی، صبور، راست گو، ایرانی، کشاورز، رستایی و... در جدول زیر، چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

متغیر	ثابت	اجتماعی	فردي	انتسابي	اکتسابي	ویژگی های من
						...
						...
						...



توحید از جمله عقاید حق و سرک از جمله عقاید باطل است.

جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش های حقیقی، آنها را به قلمرو ارمانی خود وارد می کنند و اگر هنجرها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده اند.

اگر جوامع حقایق را نشناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدند، از حق گیسته و به سوی باطل گام بر می دارند.

بنابراین، حقایق هر چند خود ثابت اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو ارمانی و واقعی، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جهان های اجتماعی، امکان انحراف از حق و یذیرش باطل وجود دارد؛ همان گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان های اجتماعی می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخدند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی شود.

### بخوانیم و بدانیم

غربی ها در مراسم تшибیع جنازه نزدیکانشان اشک نمی رینند؛ اندوه خود را پنهان می کنند، اگر گریه شان بگیرد دور از جسم دیگران گریه می کنند و مراسم را باشکوه برگزار می کنند. مرده ها را در تابوتی گران بها می گذارند، لباس های رسمی به او می پوشانند و دفنش می کنند. بر عکس، ایرانی ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی کنند. اما مراسم تшибیع جنازه شان چندان منظم نیست و مرده را بدون لباس های فاخر به خاک می سپارند. غربی ها خیلی سرد و بی احساس اند یا ایرانی های بسی از حد ضعیف و احساساتی اند؟ گاهی ما سایر فرهنگ ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می کنیم، جامعه شناسان این کار را اشتباه می دانند، زیرا هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود معنا و کارکردی دارد. بنابراین درست نیست که ما فرهنگ دیگران را براساس فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم، اما باید توجه داشته باشیم که این امر بدان معنا نیست که مقایسه و ارزیابی فرهنگ و داوری عقلاتی و علمی آنها ناممکن است. ما می توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ های دیگر را براساس معیار های حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به معیار های حق و یادوری از آن را مشخص کنیم؛ برای مثال اگر پر خوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما در مقام یک فرد بیرونی می توانیم ضرر های آن را گوشزد کنیم. اگر جامعه ای عدالت را از باد برد و به بی عدالتی خو کرده باشد، می توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم و نقد کنیم و خطرات آن را متدکر شویم.

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم؛ ولی بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم. بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردن آنها نقشی نداریم، اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود، آنها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و... است، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد و... هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از لبی سوادی، کم‌سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زرنگی یا تنبیلی، صبوری یا زودرنجی و... ویژگی‌های فردی ما هستند.



هویت اجتماعی



هویت فردی

### شناسایی کنید

پدیده‌های باطنی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد.  
آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

### ارزش‌ها و هنجره‌های باطن

قلمر واقعی	قلمر و آرمانی
تکاثر(مال اندوزی)	تکاثر(مال اندوزی)
قبيله گرایي	قبيله گرایي
.....	.....
.....	.....

### بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حُسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حُسن سیرت (علم و معرفت).  
خداآنند، تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.  
رشیدالدین میبدی

### تمرین کنید

اگر بخواهید در یک وبنوشت، خود را معرفی کنید، چه می نویسید؟

«من بچه شاه عبدالعظیم هستم و در خانه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که در هر سوراخش که سر می‌کردی، به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب اکنون چهل و شش سال تمام نارم.

درست سی و چهار سال پیش یعنی، در سال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدایی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال، انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شناختند و به مصر حمله کردند. بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۲–۱۳ ساله، تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روز روی

تحنه سیاه نوشتم: «خلیج عقبه از آن ملت عرب است». وقتی زنگ کلاس را زدند و همه مادر جایمان نشستیم اتفاقاً اقای مدیرمان آمد تا سری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشته؟» صدا از کسی در نیامد. من هم ساخت اما باحالتی پریشان سر جایم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟ ای جمله را فلانی نوشته؟» آقای مدیر هم کلی سرو صدا کرد و خلاصه اینکه: «جرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پروندهات را بزنم زیر بغلت و بفرستم خانه». البته وساطت یکی از معلمان، کار را درست کرد و من فهمیدم که باید وارد معقولات شد. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام رودباریستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با «تحصیل فلسفه» به دست نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متناعی است که هرگز به راستی طالیش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خوبیش نیز خواهد یافت.

دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم، باید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام، از خارج دانشگاه است.

بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی درسایه تهدید اسلامی به دست می‌آید و لاغری، قبل از انقلاب، فیلم نمی‌ساخته‌ام، اگر چه با سینما آشنایی داشتم، اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در

ادبیات بوده است. اگر چه چیزی به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، نتویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاوردم «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». سعی کردم که خودم را از میان برداشتم تا هرچه هست خدا باشد و خدا بر شکر بر

این تصمیم وفادار مانده‌ام، البته آنچه انسان می‌نویسد، همیشه تراوشتات درونی خود او است. همه هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوشتات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، انتگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، اما

سعی ام بر این بوده است.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روساتها رفتیم که برای خدا بیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدیم و در

گروه جهاد سازندگی سازمان، مشغول به کار شدیم. حقیر همچ کاری را مستقلان انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده‌است، سهم کوچکی نیز – اگر خدا قبول

کند – به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ، به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشتم، معمار (آرشینگت) هستم. از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یکصد فیلم ساخته‌ام. یک تزم نیز در دانشکده سینما

تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کردم!».

(سید مرتضی ایوبی)

### خلاصه کنید

– برای ارزیابی جهان‌های اجتماعی معیارهای وجود دارد.

### مفاهیم اساسی

قلصر آرمانی،

### آنچه از این درس آموختیم

### هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته، هویت فردی را با دو بخش جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بعد متمایز هویت انسان

به شرح زیر سخن گفتیم:

-**بعد جسمانی** (بدن)

-**بعد نفسانی** (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

-**بعد اجتماعی** (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید، برای هر کدام از این ابعاد نمونه بیاورید.

می‌دانید که سه بعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدین ما مجرای ارتباط ما با جهان طبیعی و پخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و پخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای صفحه بعد خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟



باتوی هنرمند با یک دست – بندر ترکمن

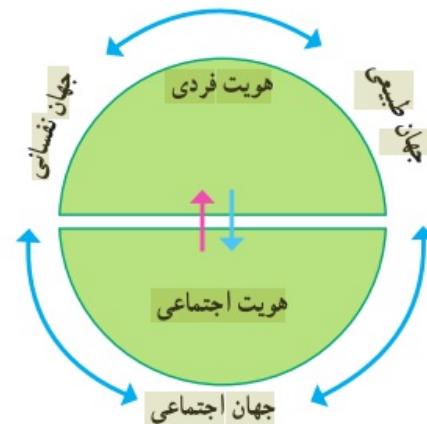
با توجه به تصویر رو به رو عکس،  
نقاشی یا کاریکاتوری مناسب با این  
قسمت تهییه نمایید.

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می‌شود.
- برخی از بیماری‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شوند.<sup>۱</sup>
- در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.
- زندگی اجتماعی انسان‌ها، طبیعت را تهدید می‌کند.
- «یک انسان با تقوی، جهانی را تغییر می‌دهد».<sup>۲</sup>
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود.

۱- برای هر کاری که نیت و اراده ادبی در انجام آن قوی باشد، بدین دلار ضعف و تاثرانی نمی‌شود. امام صادق (ع)  
۲- این جمله از امام خمینی(ره) است. ایشان خود از افرادی بودند که با تقوی خود توائیستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازند.



هر شش رابطه بالا را می‌توان در شکل زیر به صورت یکجا نشان داد.



تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها با یکدیگر سخن گفته‌یم، ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

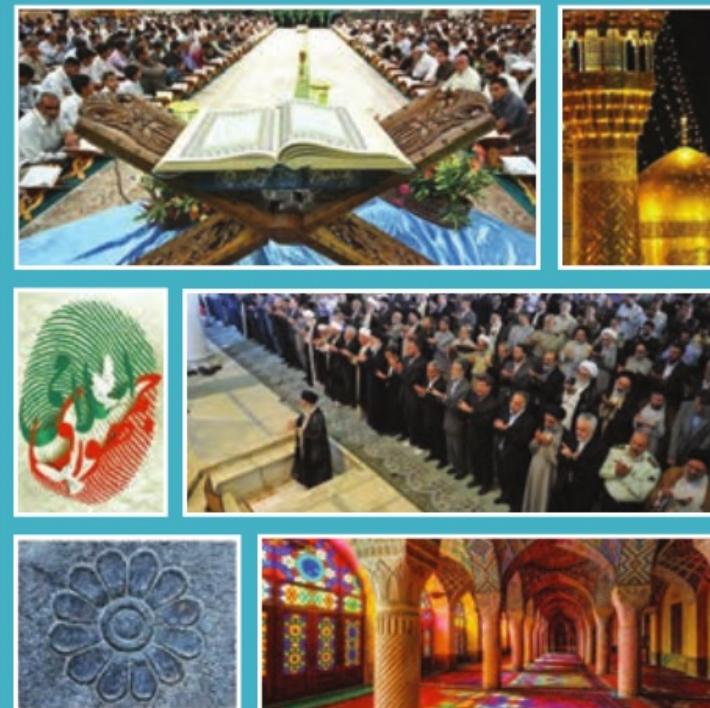
براساس آنچه در فصل اول خوانید، هویت هر جهان اجتماعی، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و قواعد، هنجرها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌باشد.

**بنابراین:**

هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوی، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

## فصل دوم

# هویت



خدا یا این اختر ما بس که بندۀ تو ام و این مرزت مرا بس که تو خدای من.  
خدا یا تو خالنی کمن می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهم. حضرت علی علیه السلام



■ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متعدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می‌شود. انسان در طبیعت، خلیفه خداوند است و خلیفه خداوند براساس خواست الهی وظيفة عمران و آبادانی آن را بر عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.



■ طبیعت آیت و نشانه خداست و نباید به آن آسیب رساند.

هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند. به عنوان مثال؛ جهان متعدد به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از

## ● اهداف فصل دوم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این کتاب،  
شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

- تمایز، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را با مثال توصیف کند.
- به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود، آگاه شود و برای هویت یابی مطلوب، تلاش کند.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتوانید هویت اجتماعی توضیح دهد و به انجام امر به معروف و نبی از منکر رغبت نشان دهد.
- فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان‌های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید فراهم می‌کنند تقدیر و ارزیابی کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز دهد و رابطه آنها را شرح دهد.
- علل درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان کند و با تشخیص تحولات هویتی مشتب و منفی، خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی مسئول بداند.
- هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تقویت آن تلاش کند.
- به اهمیت ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی پی ببرد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد کند.

ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمن‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند، مانند فردگرایی، دم غنیمت‌شماری، انضباط، تبرّج، تحمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی و... و با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند؛ مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوّا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توّکل و... سازگار نیست. همان‌گونه که هویت فرهنگی جهان متعدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت دنیوی جهان متعدد سازگاری داشته باشد.

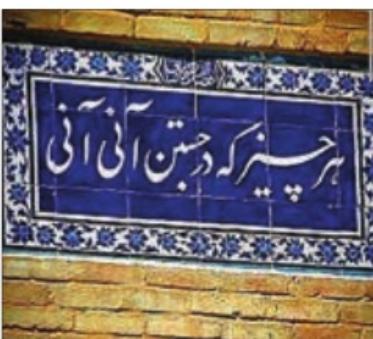


پهن کردن سجاده بپروی شش کشتنی و بد جا آوردن نماز  
شیده سعید طوقانی که در عملیات  
شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آینینی کشتنی قهرمانی  
در موفق به کسب مدال جاویدان  
شهادت می‌شود.

پرون کردن سجاده بپروی شش کشتنی و بد جا آوردن نماز  
شیده سعید طوقانی که در عملیات  
شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آینینی کشتنی قهرمانی  
در موفق به کسب مدال جاویدان  
شهادت می‌شود.

برورش اندام

**مقایسه کنید**  
با کمک دیگر خود، اخلاق ورزش کاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید و تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزش‌های کلان اجتماعی بیان کنید.



**خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟**  
گفت چون سقراط در نزع اوفتاد  
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد  
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم  
در کدامین جای در خاکت کنیم  
گفت گر تو باز یابیم ای غلام  
دفن کن هر جا که خواهی والسلام  
من چو خود را زنده در عمری دراز  
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز

خطاب

۱- در حال جان گندن و مردن بود.



### هویت (من کیسم؟)

### درس هشتم

در مورد هویت چه می‌دانید؟

می‌گویند ملانصرالدین می‌خواست به شهر غربی سفر کند. همسر ملا پیش از سفر، آویزی به گردنش آویخت که ناشی بر آن نوشته شده بود تا میادا هویتش را فراموش کند. ملانصرالدین پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود شوخي، آویز را از گردنش درآورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملانصرالدین پس از دیدن آن شوخ، فریاد زد: چنین می‌نماید که تو من هستی ولی اگر تو من هستی پس من کیسمن.

در سال گذشته خواندید، آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می‌شود و شخص با آن از آشیا و افراد دیگر متمایز می‌گردد، هویت فرد را تشکیل می‌دهد. هویت با نوعی احساس مشتمل یا منفی همراه است. افراد در موقعیت‌های گوناگون، با پرسش «کیستی؟» «مواجه می‌شوند، یا از خودشان می‌پرسند: به راستی «من کیستم؟» آیا می‌توانید برخی از این موقعیت‌ها را نام ببرید؟

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» خودشان را معرفی می‌کنند و ممکن است در معرفی خود، به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره کنند: جوان، متولد دوم اسفند ۷۹، باهوش، مؤمن، گندمگون، وقت‌شناش، خجالتی، صبور، راست‌گو، ایرانی، کشاورز، روستایی و... در جدول صفحه بعد، چند ویژگی هویتی خود را بتوسیله و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

تحقیقات نشان می‌دهد کوکان خطاهای خود را موجه تر از خطاهای دیگران را عمدی و تایاسته مجازات و خطاهای خود را غیرعمدی و بیشتر ناشی از سوابط و تحریک کننده‌های محبیتی می‌دانند. محققان بیندا این را ناشی از خودخواهی کوکان می‌دانستند، ولی تحقیقات نشان داد که کوکان در برآورده عموم مؤثر بر رفتار خود، نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند. از این رو احتمال بیشتری و خود دارد که در توضیح عمل رفتار خود، بیشتر بر روابط بحیطی تأکید کنند و خود را بی تقدیر بدانند. از آنجا که شناختشان از موقعیت دیگران کمتر است، در توضیح رفتار دیگران بر سهیم خود آنها تأکید می‌کنند و آنها را مقصراً می‌دانند. کوکان وقتی شناخت بیشتر رباره دیگران بدست می‌آورند. خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمدی بدانند ناشی از سوء برداشت یا احتیاطی می‌دانستند. بنابراین هرچه شناخت کوکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می‌شود، قضاوت آنها تغییر می‌کند. پرسش ساسی این است که افراد قادر خود و موقعیت‌شان را به درستی می‌شناسند؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم با دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند. بخش دیگر، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. گاهی ما درباره ویرگی هایی از خود که به آن واقع نیستیم، تأمل می‌کنیم و درباره آنها می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت خود، از دیگران کمک می‌گیریم و از والدین و دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سوال می‌کنیم. نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاران می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحثه‌گسترده‌ای درباره هویت دارند. ما تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویرگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.



سروگشتنگی، انسان



ایجاد الیم، و قطبی هویت انسان در قرآن

آیا هویتمان را خودمان می سازیم؟ ما در شکل گیری بعضی ویژگی های هویتی مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم؛ ولی بسیاری از ویژگی های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می دهیم با در شکل گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم. بعضی ویژگی ها هستند که در به دست آوردن آنها نقشی نداریم، اما می توانیم با تلاش و کوشش خود، آنرا تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده مان به دست می اوریم و با کنش هایمان آن را تغییر می دهیم.

آیا هوبیتمان تغییر می کند؟ برخی از ویژگی های هویتی تغییر می کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی... است، ولی برخی ویژگی ها تغییر نمی کنند؛ مانند زمان و مکان تولد... هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی سوادی، کم سوادی، داشمندی و فرهیختگی می گذرد؛ ولی خود می داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سیری کرده است.

آیا هويت ما صرفاً اجتماعي است؟ فرد بدون ارتباط با ديگران يا عضويت در گروههای اجتماعي نمی تواند بخري و يزكي ها را داشته باشد؛ مثلاً ما تنها با عضويت در جامعه ايران، ايراني محسوب می شويم؛ در حالی که زرنگي يا تنلي، صبوری يا زورنچي و... ويزكي های فردی ما هستند.

### گفت و گو کنید

ذین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و چامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود، نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دییر خود درباره این نظریات گفت و گو کنید.



هویت اجتماعی



هویت فردی

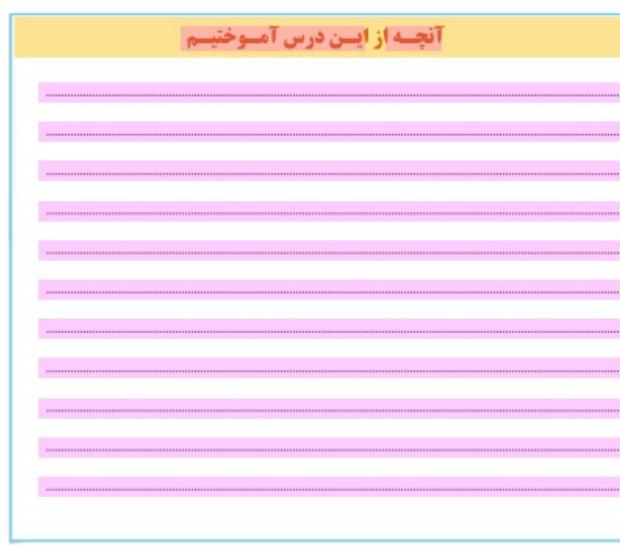
### بخواهیم و بدانیم

گفته‌اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).  
خداآوند، تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند  
که علم نیکو به از صورت نیکو.

رشیدالدین مبیدی

### تمرین کنید

اگر بخواهید در یک وب‌نوشت، خود را معرفی کنید، چه می‌نویسید؟  
«من بجه شاه عبدالعظیم هستم و در خانه‌ای به دنیا آمد و بزرگ شده‌ام که در هر سوراخش که سر می‌کردم، به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب اکنون چهل و شش سال تمام دارم. در سال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدایی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال، انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شناختند و به مصر حمله کردند. بنده هم به عنوان یک پسر بجه ۱۲–۱۳ ساله، تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روز روی تخته سیاه نوشتتم: «خلیج مقبه از آن ملت عرب است». وقتی زنگ کلاس را زندن و همه سر جایمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سری به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشتی؟» صدای از کسی در نیامد. من هم ساکت اما با حالتی پریشان سر جایم نشستم بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟



این جمله را فلاحت نوشته.» آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: «چرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پروندهات را بزنم زیر بغلت و بفرستمت خانه.» البته وساطت یکی از معلمان، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچارشدهام رودربایستی را تاختت با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بیدزیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با «تحصیل فلسفه» به دست نمی‌آید. باید در جستجوی حقیقت بود و این متابعی است که هر کس به راستی طالبیش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خویش نیز خواهد یافت. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم، نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام، از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گوییم که تخصص حقیقی در رسایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لایه‌بر. قبیل از انقلاب، فیلم نمی‌ساخته‌ام، اگر چه با سینما آشنایی داشتم، اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه پیزی به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، نتویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاوردم «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هرجه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد، همیشه تراوשות درونی خود اوست. همه هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوשות درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، اما سعی ام بر این بوده است.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به رستاه رفتیم که برای خدا بیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته‌رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدیم و در گروه جهاد سازندگی سازمان، مشغول به کار شدیم. حقیر هیچ کاری را مستقلانجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است، سهم کوچکی نیز – اگر خدا قبول کند – به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشته‌ام. معمار (آرشیتکت) هستم. از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یکصد فیلم ساخته‌ام. یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کردم.»

(سید مرتضی آونی)



## بازتولید هویت اجتماعی

«چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی»

درس ۹

جامعه پذیری چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

در یک کندوی زنیبور عسل چندین گروه وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند که موقعیتی در جهان اجتماعی دارد و در این موقعیت په وظایفی بر عهده است. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را باید بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد. بنظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی‌می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

در انگلستان سالانه تعداد زیادی جوهره‌تیغی در بزرگراه‌ها و جاده‌های خارج از شهر، در اثر برخورد با اتومبیل‌ها کشته می‌شوند. این جوهره‌تیغی‌ها که در جاده‌ها رفت و آمد می‌کنند، مطابق غریزه، هنگام ترس، در خود جمع می‌شوند و به صورت یک گلوله‌تیغی در می‌آیند. این عمل در طبیعت مانع از آن می‌شود که جانوران خطرناک به جوهره‌تیغی‌ها صدمه بزنند؛ ولی اتومبیل‌ها بدون توجه، آنها را زیر چرخ‌های خود له می‌کنند و رد می‌شوند. جوهره‌تیغی‌ها می‌بینند که همنوعانشان به این شکل از بین می‌روند؛ ولی قادر نیستند خود و دیگران را از خطر له شدن زیر چرخ‌های اتومبیل‌ها آگاه سازند. چرا؟

به نظر شما چه عاملی در زندگی انسان‌ها، این خلا را بر می‌کند؟

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته، هویت فردی را دو بخش جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بعد متماز

هویت انسان به شرح زیر سخن گفته‌یم:

■ بُعد جسمانی (بدن)

■ بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

■ بُعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید، برای هر کدام از این ابعاد نمونه بیاورید.

می‌دانید که سه بعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل با ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدین معنای ارتباط ما با جهان طبیعی و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای صفحه بعد خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های صفحه بعد نشانگر کدام یک از این رابطه‌هایست؟



با توجه به متن، تصویری مناسب با این قسمت نهیمه نمایید.

■ زهرا نعمتی، دارنده مدال طلا در مسابقات جهانی پارالمپیک و نخستین زن وزشکار ایرانی که موفق شد در کنار وزشکاران سالی، جواز رقابت در المپیک را نیز کسب کند.

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد. آیا در مورد فرایند صدور شناسنامه برای نوزادان و نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن چیزی می‌دانید؟

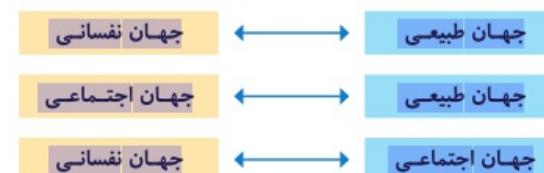
جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، گروه‌های هم‌بازی، مجالس علمی و مذهبی و رسانه‌های جمعی، از دیگر عوامل آشنایی افراد با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.<sup>۱</sup>

### بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی می‌بوده‌اند. اعضاً هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضاً آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتون نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتون نامه عبارت بود از دستورالعمل هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضاً حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جمله آنها «فتون نامه بنیان» بود که برخی از عبارت‌های آن به این شرح است: اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، با سخاوت و خیر باشد، در کار خود استناد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید. با همه کس به خلق نیکو بیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و ... برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.

۱- در این درس «جامعه‌پذیری» مترادف «فرهنگ‌پذیری» به کار رفته است. «جامعه‌پذیری» همان انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. البته از منظری می‌توان میان آنها فرق گذاشت، که در این درس بدان پرداخته نشده است.

- ترشح بیش از اندازه نده تیرونید موجب عصبانی شدن انسان می‌شود.
- برخی از بیماری‌های جسمانی با کم قوای روانی درمان می‌شوند.<sup>۲</sup>
- در شرایط اقیمه‌ی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.
- زندگی اجتماعی انسان‌ها، طبیعت را تهدید می‌کند.
- «یک انسان با تقوی، جهانی را تغییر می‌دهد»<sup>۳</sup>.
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود.



هر شش رابطه بالا را می‌توان در شکل زیر به صورت یک جا نشان داد.



تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها با یکدیگر سخن گفته‌یم، ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟ براساس آنچه در فصل اول خوانید، هویت هر جهان اجتماعی، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و قواعد، هنگارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند.

۱- برای هر کاری که نیت و اراده‌ای در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. امام صادق <sup>علیه السلام</sup>  
۲- این جمله از امام خمینی <sup>رهبر انقلاب</sup> است. ایشان خود از افرادی بودند که با تقوی خود توائیستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دیگر گون سازند.



جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی



### پاسخ دهد

آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف، شیوه واحد و ثابتی دارد؟ توضیح دهید.



کنترل اجتماعی

### کنترل اجتماعی چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

آیا فرایند جامعه‌پذیری همیشه به‌طور کامل انجام می‌گیرد و با موفقیت همراه است؟ آیا افراد می‌توانند از پذیرش عقاید، ارزش‌ها و هنگارهای اجتماعی سر باز زنند؟ برخی افراد به‌طور کامل جامعه‌پذیر نمی‌شوند؛ در آن صورت، جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟

به نظر شما یدر و مادر صرفًا راه و بیراهه زندگی را به فرزندان خود می‌آموزند یا مراقبت می‌کنند تا فرزندانشان راه را بیمامايند و به بیراهه نروند؟ آیا اولیای مدرسه به یادآوری قواعد و مقررات مدرسه به داش آموزان بسندۀ می‌کنند یا نظارت می‌کنند تا مقررات اجرا شود؟ در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی، همواره با نظارت و کنترل اجتماعی همراه است و صرفاً به این توصیه بسته نمی‌شود که:

تو خواه از سخنم، پندگیر خواه ملال

من آنچه شرط بالغ است با تو می‌گویم

منظور از نظارت و کنترل اجتماعی چیست؟ کنترل اجتماعی چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟

بنابراین: هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی هویت اجتماعی افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، باطیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متعدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می‌شود. انسان در طبیعت، خلیفة خداوند است و خلیفة خداوند براساس خواست الهی وظیفه عمران و آبادانی آن را بر عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.

خدایا این انجصار مرا بس که بنده تو ام و این عزت مرا بس که تو خدای منی .  
خدایا تو همانی کمن می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهی .

■ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.



■ هر جهان اجتماعی با نوع خاصی از هویت اخلاقی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد. عنوان فیلم «رنگ خدا» رنگ و بوی دینی دارد و از آیه ۱۳۸ سوره بقره «سبیله الله و من احسن من الله سبیله و نحن له عابدون» گرفته شده است. رنگ خدا و کیست نیکوترا خدا در رنگ و مایمی برای او پرسنلشگران.

هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تعییف می‌کند؛ به عنوان مثال جهان متعدد به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند، مانند فردگرایی، دم غنیمت‌شماری، انضباط، تبرج، تجمل گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی و... و با سیاری

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جهان اجتماعی برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. این افراد به حقوق و تکاليف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند.

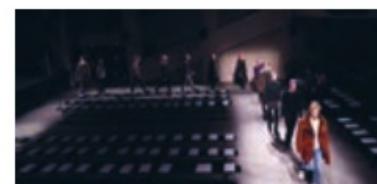
به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجرهای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کژروی اجتماعی را نام ببرید؟



مسابقات کورانش – اینج逐ون کره جنوبی – ۲۰۱۳

- هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کژروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد.
- تبلیغ و اقناع: هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آنها قانع شوند.
- تشویق و پاداش: هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد.
- تنبیه و مجازات: هر جهان اجتماعی، کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، تنبیه و مجازات می‌کند.
- اقناع روشنی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال مناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند.
- تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود. شیوه غیررسمی آن بیشتر در

از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند؛ مانند: قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل و... سازگار نیست. همان‌گونه که هویت فرهنگی جهان متعدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت دنیوی جهان متعدد سازگاری داشته باشد.



برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد. از توجه



مسابقات سالانه «مستر میمیبا» یکی از مهم‌ترین مسابقات نمایشی است که با فیگور گرفتن روی استینچ (صحنه نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکرد اساطیری شکل گرفت که زیبایی، تناسب و بروز پاکی و بدین عالمی برای ستایش و تمجید قدرداد می‌شد.

#### مباحثه کنید

- با توجه به مباحثه گفته شده درباره تعامل و تناسب ابعاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده‌ها و رخدادهای زیر را تشرییح کنید:
- وقوع جنبش‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه در دفاع از محیط‌زیست در این کشورها، پدید آوردن تکنولوژی‌های سبز و صدور کارخانجات و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع
- رواج شدید عمل‌های زیبایی در ایران: آیا تمامی عمل‌های زیبایی برخلاف ارزش‌ها و هنجرهای دینی جامعه ایران است؟ آیا برخی از این عمل‌های زیبایی در راستای ارزش‌ها و هنجرهای جهان دنیوی متعدد انجام نمی‌شوند؟
- وجود افراد متخلف به اخلاق الهی همانند تقوا، توکل، رضای الهی و... در کشورهای غربی
- رواج ارزش‌های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل‌گرایی، مال‌اندوزی و... در کشورهای اسلامی
- آسیب‌ها و مسائل زیست‌محیطی تولید شده به وسیله مردم و سازمان‌های عمومی و دولتی در ایران
- خروج آمریکا از پیمان پاریس (کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای)
- حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان
- حمایت همه جانبه دولت‌های غربی و برخی از دولت‌های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس

خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد. شیوه رسمی پاداش و مجازات، بیشتر توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

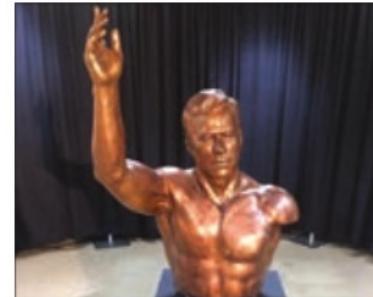
### بخوانیم و بدانیم

شاید این برسش برای شما مطرح شود که کدام یک از روش‌های کنترل اجتماعی مناسب‌ترند؟ بدoun شک، ھر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند و ممکن است در عمل با موفقیت یا شکست مواجه شوند. تحقیقات مختلف درباره چگونگی استفاده از این روش‌ها در خانواده‌ها نشان می‌دهد، والدینی موفق‌ترند که متناسب با رفتار خوب و بد فرزندان خود، به درستی از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.



در جهان اسلام، امریبه معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دینیوی بسیاری است. امریبه معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیه‌ی است. امریبه معروف و نهی از منکر سطوح متفاوتی نیز دارد. در مواردی، همگانی و به عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظيفة سازمان‌های رسمی و حکومتی است. به نظر شما امریبه معروف و نهی از منکر در چه موقعی مسئولیتی همگانی و در چه موقعی وظيفة نهادها و سازمان‌های رسمی است؟



■ پهن کردن سجاده بر روی تشک کشتنی و به جا آوردن نماز شکر  
■ ندیم بروزی نیم‌تنه غلام‌رضا تختی در موزه «اساما» امریکا:  
در این ندیم تختی با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزه  
جوامرانه او با میوید باشد. وقتی تختی متوجه شد بای میوید  
کشتنی گیر شوروی، آسیب‌ددده، هرگز به سمت بای مصدوم حریف  
نرفت.

مقایسه کنید

با گمک دبیر خود، اخلاقی ورزشکاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق  
ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید و تناسب این دو نوع اخلاق را  
با ارزش‌های کلان اجتماعی بیان کنید.  
در ایران امروز ما، این دو نوع نظام اخلاقی چه جلوه‌هایی دارند؟

### ببینیم و بدانیم



■ شهید سعید طوقانی که در عملیات بدر  
موفق به کسب مدال جاویدان شهادت  
می‌شود.

مجموعه مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی،  
قسمتی از این مجموعه با عنوان «پهلوان کوچولو» را که در  
آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

## بخوانیم و بدانیم

در صدر اسلام مسلمانان هنگام احوالپرسی و خداهافظی، سوره عصر را تلاوت می کردند. ابتدا یکی از افراد، بخشی از سوره را می خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می رساند.

به نام خداوند بخشنده مهریان

قسم به عصر، که آدمی به راستی در زیان است. مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیابی سفارش کنند.

## گفت و گو کنید

- جامعه برای حفظ سلامت عمومی به پزشکان نیازمند است. تحصیل در رشته پزشکی، کاری دشوار است. به نظر شماره جامعه برای جذب افراد به رشته پزشکی چه کارهایی انجام می شود؟
- برخی پزشکان ممکن است برخلاف هنچارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی کژروی های پزشکی را نام ببرید و راهها و شیوه های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید.

## خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟

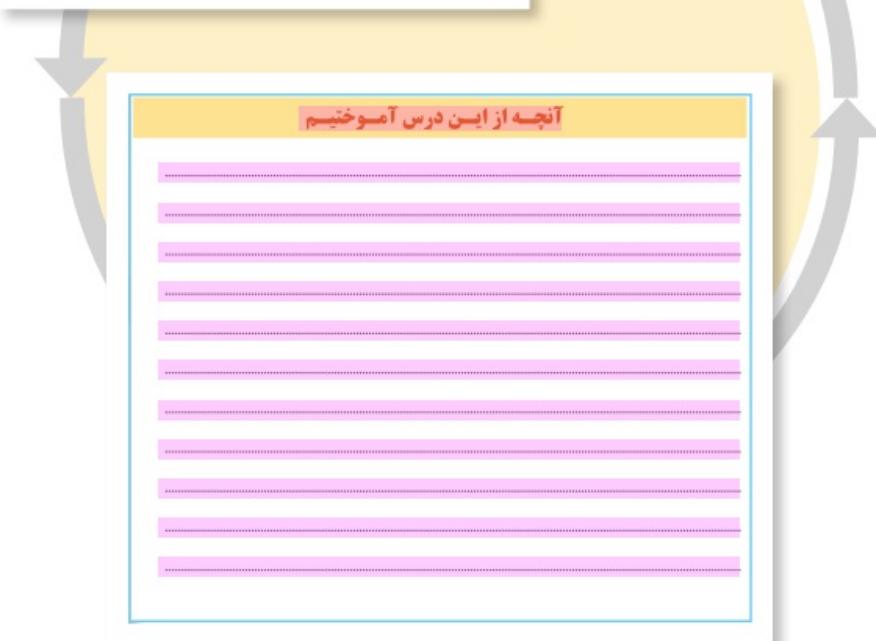


گفت چون سقراط در نزع اوفتاد  
بود شاگردش، گفت ای اوستاد  
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم  
در کدامین جای در خاکت کنیم  
گفت اگر تو باز یابیم ای غلام  
دفن کن هر جا که خواهی والسلام  
من چو خود را زنده در عمری دراز  
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز  
عطای

به نظر شما افراد و گروه ها چقدر خود را می شناسند؟ شما چقدر خود را می شناسید؟ برای شناخت بیشتر و بهتر خود چه راه هایی وجود دارد؟

تحقیقات نشان می دهد کودکان خطاهای خود را موجده تر از خطاهای دیگران می دانند. خطاهای دیگران را عمده و شایسته مجازات و خطاهای خود را غیرعمده و بیشتر ناشی از شوابط و تحریک کننده های محیطی می دانند. محققان این امر را ناشی از خودخواهی کودکان می دانستند، ولی تحقیقات نشان داد که کودکان درباره عوامل مؤثر بر رفتار خود، نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند. از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که در توضیح علل رفتار خود؛ بیشتر بر شوابط محیطی تأکید کنند و خود را بی تقصیر بدانند. از آنجا که شناختشان از موقعیت دیگران کمتر است، در توضیح رفتار دیگران بر سهم خود آنها تأکید می کنند و آنها را مقصرا می دانند. کودکان وقتی شناخت بیشتری درباره دیگران به دست می آورند، خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمده بدانند ناشی از سوء برداشت یا بی اختیاطی می دانستند. بنابراین هرچه شناخت کودکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می شود، قضاوت آنها تغییر می کند. پرسش اساسی این است که افراد چقدر خود و موقعیتشان را به درستی می شناسند؟

۱- در حال جان کنند و مردن بود.



بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند. بخش دیگر، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. گاهی ما درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقع نیستیم، تأمل می‌کنیم و درباره آنها می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت خود، از دیگران کمک می‌گیریم و از والدین و دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سوال می‌کنیم. نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاران می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند. ما تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن، سخن گفته‌اند.



■ سرگشتشکی انسان



■ ابعاد الهی و فطری هویت انسان در قرآن

### گفت و گو کنید

دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود، نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود درباره این نظریات گفت و گو کنید.



## تغییرات هویت اجتماعی

درس ۱۰

«فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی»

### تحرک اجتماعی جیست؟

منظور از موقعیت اجتماعی، چایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد. ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، درباره او اطلاعاتی به دست می‌آوریم؛ مانند اینکه با چه کسانی در ارتباط است؛ چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم؛ چگونه باید با او رفتار کنیم و... کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی چه انواعی می‌توانند داشته باشد؟

دانش آموزی درباره این موضوع که «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» نوشته بود: «داشتم فکر می‌کردم، دوست دارم یک مامان خوب و مهربون بشم، شاید بخواهم یک خانم دکتر یا یک خانم معلم بششم، شاید هم یک خانه دار، راستی دندانپزشک هم خوبه، مددکار هم همین طور... پیش خودم فکر کردم هر کاره‌ای که بشم، مهم اینه که فردی مفید برای خودم و جامعه‌ام باشم تا بدرا و مادرم به وجودم افتخار کنند. به قول مادرم بچه‌ها باقیات الصالحات بدرا و مادر و ملماشون! چه سیاست من هم باقیات الصالحات آبها شدم. خدا را چه دیدی!»

موضوع «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» چه اهمیتی دارد که برخی معلمان نگارش، اصرار دارند دانش آموزان درباره آن مطلب بنویسند؟ آیا منظور، صرفاً پرسش از شغل آینده آنهاست؟ شما چه برداشتی از این پرسش دارید و چگونه به آن پاسخ می‌دهید؟

### خلاصه کنید

- هویت اجتماعی هر فرد درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

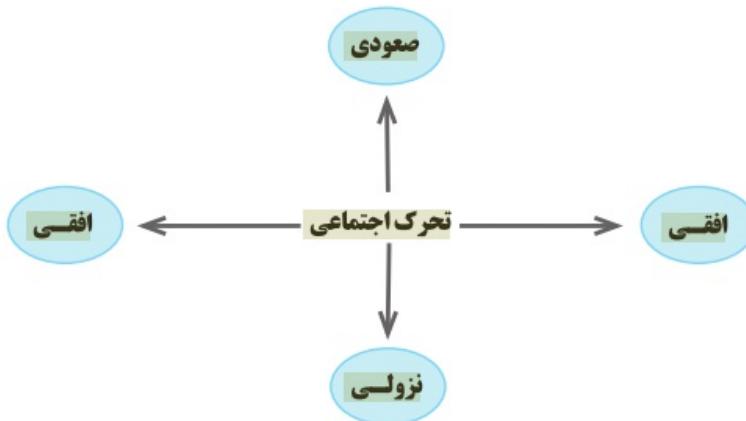
### مفاهیم اساسی

خودآگاهی،

### آنچه از این درس آموختیم

افراد در بدو تولید، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت افعالی در محیط خانواده و می پذیرند. با گذر زمان، آنها به گونه‌ای فعال، با محیط اجتماعی خود برخورد می کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند.

جایه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می گویند. تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره، هنگامی که مدیر بخشی از اداره می شود یا مدیر یک بخش، هنگامی که مدیر کل می شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی شغل خود را تغییر می دهد، در صورتی که شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می شود. آیا می توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی نمونه های دیگری مثال بزنید؟ در همه کشورها رده بندی مشاغل وجود دارد ولی رده بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به باد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و... نیز بستگی دارد. آیا می توانید به ملاک های دیگری اشاره کنید؟



### بازتولید هویت اجتماعی<sup>۱</sup> (جنونی شکل گیری و تداوم هویت اجتماعی)

درس نهم

جامعه پذیری چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی وظایف خود را انجام می دهد. آیا انسان ها نیز به صورت غریزی فعالیت های گروهی و جمعی خود را انجام می دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی داند چه موقعیتی در جهان اجتماعی دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده است. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد. به نظر شما، انسان ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود بپرسند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می گیرد؟

در انگلستان سالانه تعداد زیادی جووجه تیغی در بزرگراه ها و جاده های خارج از شهر، در اثر برخورد با اتومبیل ها کشته می شوند. این جووجه تیغی ها که در جاده ها رفت و آمد می کنند، مطابق غریزه هنگام ترس، در خود جمع می شوند و به صورت یک گلوله تیغی در می آیند. این عمل در طبیعت مانع از آن می شود که جانواران خطربناک به جووجه تیغی ها صدمه بزنند؛ ولی اتومبیل های بدون توجه، آنها را زیر چرخ های خود له می کنند و رد می شوند. جووجه تیغی های می بینند که همنوعانشان به این شکل از بین می روند؛ ولی قادر نیستند خود و دیگران را از خطر له شدن زیر چرخ های اتومبیل ها آگاه سازند. چرا؟ به نظر شما چه عاملی در زندگی انسان ها، این خلا را پر می کند؟

۱- به معنای انتقال آن از سلیمانی به نسل دیگر است به گونه ای که علی رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی های اساسی آن پایدار می ماند و دوام می اورد.

## بخوانیم و بدانیم

مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد برا ساس ویژگی‌های انسانی مانند وراثت، نژاد و ... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند، نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان جامعه سنته می‌شود. مثلاً در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

### نمونه بیاورید

تحرک اجتماعی‌گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در نسل (یک فرد نسبت به والدینش)، اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.

### فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی کدام‌اند؟

دانسته‌ی اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انسانی خود آشنا می‌شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند. آیا اعضای جهان اجتماعی می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟

در جوامع فنودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آنها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بودند و نه رعیت. به همین دلیل از آنها به طبقه سوم باد می‌شد که شامل صراف، بنا، کفash و ... بود. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد. یکی از نویسندهای کان می‌پرسد که «طبقه سوم چیست» و پاسخ می‌دهد چیزی نیست؛ اما می‌خواهد چیزی بشود. این طبقه همان طبقه متوسط بود که جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آنها پرداخت و با ارزیابی اشراف با معیار فایده‌مندی آنها را بی‌اعتبار ساخت؛ زیرا خود را تولید‌کننده و مفید، و اشراف را مصرف‌کننده و سریار جامعه معرفی می‌کرد. یزدیرش این عبارت توسعه عموم مردم، به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی منجر شد که همه انسان‌ها را صرفاً براساس همین ملاک ارزیابی می‌کرد. این روند به شکل گیری جوامعی انجامید که در آنها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آنها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

هر جامعه‌ای، برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی را منع می‌کند. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد. آیا در مورد فرایند صدور شناسنامه برای نوزادان و نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن چیزی می‌دانید؟

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیت‌ش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، گروه‌های هم‌بازی، مجالس علمی و مذهبی و رسانه‌های جمیعی، از دیگر عوامل آشنایی افراد با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی انتقال می‌کند و مسیری که برای شکل گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.

## بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی با حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوات نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط بین اعضای حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جمله آنها «فتوات نامه بنایان» بود که برخی از عبارت‌های آن به این شرح است:

اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، باسخاوت و خیر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و .... برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پژوهشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



تصویر مربوط به ۱۴۰ سال پیش هم زمان با حضور انگلیس در ایران - بندر عباس

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرست‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. در باره جامعه آپارتاید (جدانزادی) چه می‌دانید؟ جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که متابع ثروت را در اختیار دارند. جهانی که حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد. در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی اشاره کرد. در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت که مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند. از گفته رئیس جمهور آمریکا چه می‌فهمید؟



■ خاتون‌هاد، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنازی افراد با جامعه هستند.



■ جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی



#### پاسخ دهید

آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف، شیوه واحد و ثابتی دارد؟ توضیح دهید.



■ کنترل اجتماعی

**کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟**

آیا فرایند جامعه‌پذیری همیشه به طور کامل انجام می‌گیرد و با موفقیت همراه است؟ آیا افراد می‌توانند از پذیرش عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سر باز زنند؟ برخی افراد به طور کامل جامعه‌پذیر نمی‌شوند؛ در آن صورت، جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟



تصویر نمایش سیاهان افریقایی در باغ وحش نیوپورک



اعتراضات مردمی در الجزایر

در یک جهان دینی و معنوی نیز، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

### بخوانیم و بدانیم

در جهان اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نهیزند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلایلی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفة‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند: مانند زراعت. انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفة‌ها، آثار مخرب یا سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند: زیروا انسان سازند و برخی حرفه‌ها را مذقت می‌کند؛ زیروا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

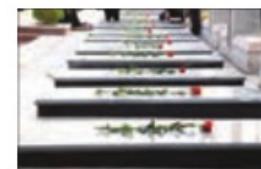
اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نباشد و فراتر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.

به نظر شما پدر و مادر صرفاً راه و بیراهه زندگی را به فرزندان خود می‌آموزند یا مراقبت می‌کنند تا فرزندانشان راه را بیمایند و به بیراهه نزوند؟ آیا اولیای مدرسه به یادآوری قواعد و مقررات مدرسه به داشن آموزان بسنده می‌کنند یا نظارت می‌کنند تا مقررات اجرا شود؟ در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوگارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی، همواره با نظارت و کنترل اجتماعی همراه است و صرفاً به این توصیه بسنده نمی‌شود که:

من آنچه شرط بلاع است با تو می‌گویم تو خواه از سخنم، پندگیر خواه ملال

منظور از نظارت و کنترل اجتماعی چیست؟ کنترل اجتماعی چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جهان اجتماعی برای آنها درنظر گرفته است، نپذیرند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. این افراد به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجره‌ای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کژروی اجتماعی را نام ببرید؟



غیاره‌گویی، عطرافشانی و گلباران مزار شهداء



روز بزرگداشت یاد سربازان و کشته شدگان

جنگ در فرانسه



برگزاری مراسم جشن تکلیف در مدارس



استفاده از دوربین‌های نظارتی در چین برای

جلوگیری از تقلب، در این کشور، تقلب مجازات

زنдан به دنبال دارد



ایران در زمینه ده کشور برتر دنیا در عرصه نانو



تحقیقات در پژوهشگاه روبان

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی باز می‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

#### استدلال کنید

آیا هر نوع ابداع و نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود؟ برای هر مورد نمونه‌هایی ذکر کنید.

هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کژروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد.

- **تبليغ و اقناع:** هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آنها قانع شوند.

- **تشویق و پاداش:** هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد.

- **تنبیه و مجازات:** هر جهان اجتماعی، کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، تنبیه و مجازات می‌کند.

نمونه‌هایی از روش‌های مذکور را در مدرسه خود بیابید.  
اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقناع بک فرهنگ پیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که طرفیت منطقی و عقلانی<sup>۱</sup> بیشتری دارند و با فطرت آدمیان<sup>۲</sup> سازگارند، از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند.

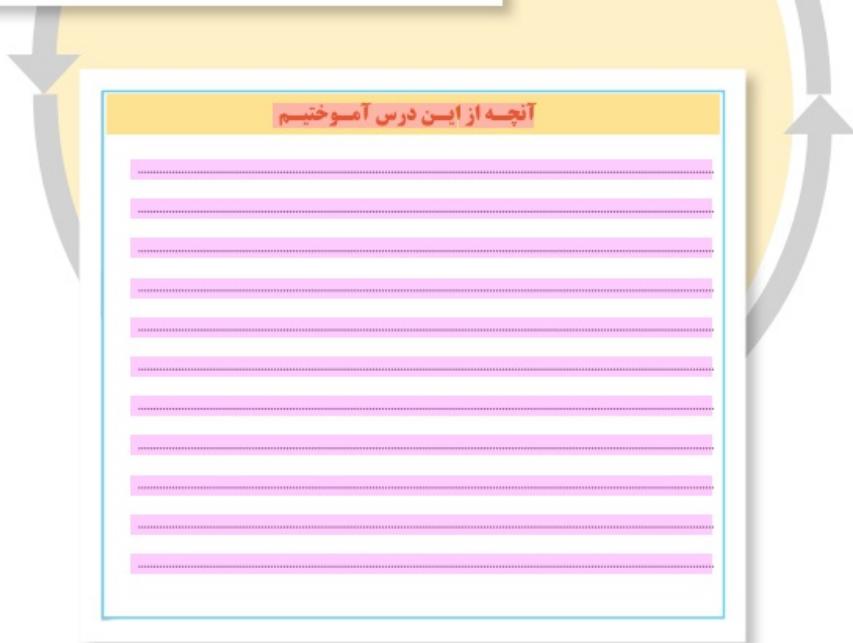
تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود. شیوه غیررسمی آن بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و اثار و نتایج عمیق‌تری دارد. شیوه رسمی پاداش و مجازات، بیشتر توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه<sup>۳</sup> انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

#### بخوانیم و بدانیم

شاید این پرسش برای شما مطرح شود که کدام یک از روش‌های کنترل اجتماعی مناسب‌ترند؟  
بدون شک، هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند و ممکن است در عمل با موفقتیت یا شکست مواجه شوند. تحقیقات مختلف درباره چگونگی استفاده از این روش‌ها در خانواده‌ها نشان می‌دهد، ولی‌نه موفق‌ترند که متناسب با رفتار خوب و بد فرزندان خود، به درستی از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

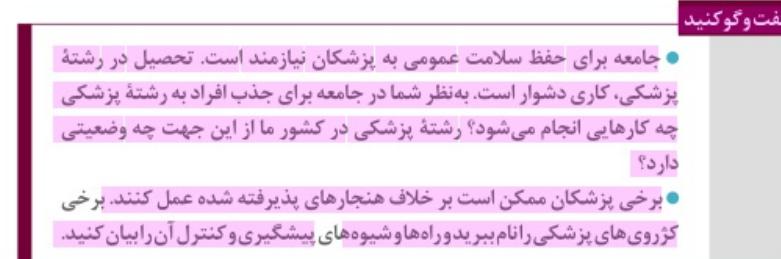
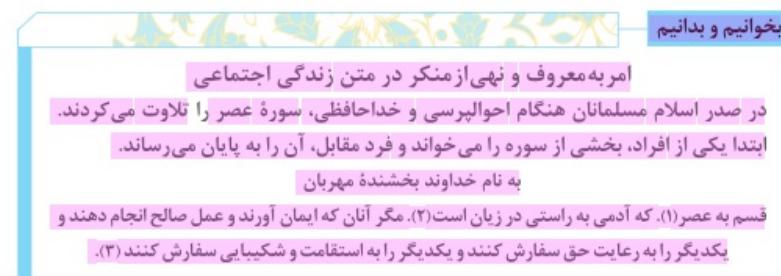
- ۱- عقاید و ارزش‌های آن منطقی و عقلانی باشند.
- ۲- فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرایش‌های جون حقیقت جویی، فضیلت خواهی، زیبایی‌دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که لو را از سایر موجودات ممتاز می‌کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفرید. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد ولی به طور کامل سرکوب و تابود نمی‌گردد. بنابراین هم امکان بیدایش شیوه‌های مختلف زندگی وجود دارد و هم امکان داوری و ارزیابی آنها فطرت یکی از ملک‌های ارزیابی شیوه‌های زندگی است و برخی از شیوه‌های زندگی حاصل انحراف از فطرت انسانی است و با آن ناسازگارند.
- ۳- انتظارات جامعه از طریق الگوهای عمل با همان هنجارها در حقوق و تکالیف مربوط به نقش‌های اجتماعی نمودار می‌شوند و افرادی که این نقش‌ها را به همده می‌گیرند باید با رعایت آنها انتظارات جامعه را برآورده سازند.

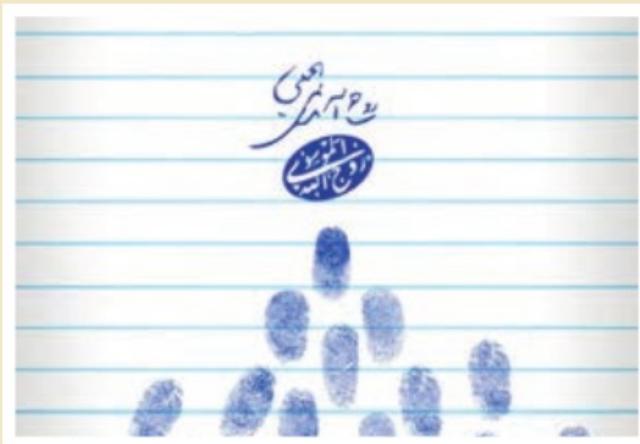


هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.



در جهان اسلام، امری به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است. امری به معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیه‌ی است. امری به معروف و نهی از منکر سطوح متفاوتی نیز دارد. در مواردی، همگانی و به عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظيفة سازمان‌های رسمی و حکومتی است. به نظر شما امری به معروف و نهی از منکر در چه موقعی مسئولیتی همگانی و در چه موقعی وظيفة نهادها و سازمان‌های رسمی است؟





## تحولات هویتی جهان اجتماعی

درس ۱۱

«علل درونی»

### هویت جهان اجتماعی چیست؟

دانستید هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست؛ مانند اینکه شهری، روستایی و عشایری بودن شما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. جهان اجتماعی نیز هویت خاصی دارد. منظور از هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

«دانش آموز بودن»، یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی شناس است. دانش آموز بودن محصول عضویت شما در یک مدرسه است، ولی خود مدرسه نیز دارای هویت خاصی است. مدرسه با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت، به رسمیت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت نیز یکی از نهادهای جهان اجتماعی است و هویت خود را از جهان اجتماعی کسب می‌کند. جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به «هویت فرهنگی جهان اجتماعی» یاد می‌شود. هویت فرهنگی جهان اجتماعی چیست؟

هویت فرهنگی جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد. این هویت هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

### خلاصه کنید

- بازتولید هویت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی انجام می‌شود.

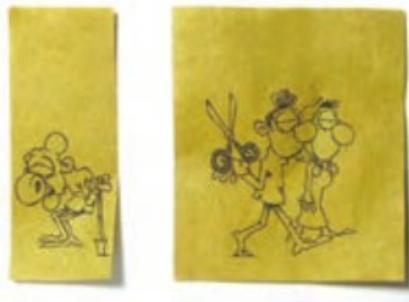
### مشاهده اساسی

تدابع هویت اجتماعی

### آنچه از این درس آموختیم

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... مناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی تازمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها هم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدھند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

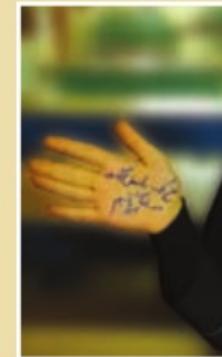


### تأمل کنید

هویت فرهنگی جهان اجتماعی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی افراد دارد؟ آیا این دو می‌توانند مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند؟ برای پاسخ از نمونه زیر کمک بگیرید.  
هر خانواده، یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی ما، بخشی از هویت اجتماعی ما و نتیجه عضویت در یک خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از زندگی خانواده نمی‌گویند، بلکه تنها شکلی از زندگی که براساس عقاید، ارزش‌ها و هنگارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده نیز تا زمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنگارها و نهادهای آن را پذیرفته و براساس آن عمل کنند. اکنون هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

### فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

در فصل اول با دو نوع تغییر در جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا آنها را به یاد می‌آورید؟ برخی تغییرات از نوع تغییراتی است که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد ولی برخی تغییرات، یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. به این گونه تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می‌کند، تحول فرهنگی می‌گویند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می‌شود؟



### تغییرات هویت اجتماعی (فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی)

درس دهم

تحرک اجتماعی چیست؟

منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد. ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، درباره او اطلاعاتی به دست می‌آوریم؛ مانند اینکه با چه کسانی در ارتباط است؛ چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم؛ چگونه باید با او رفتار کنیم و...  
کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟

دانش آموزی درباره این موضوع که «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» نوشته بود:  
«دانشمن فکر می‌کردم دوست دارم یک مامان خوب و مهربون بشم، شاید بخواهم یک خانم دکتر یا یک خانم معلم بشم، شاید هم یک خانم خانه‌دار، راستی دندانپزشک هم خوبه، مددکار هم همین طور... . بیش خودم فکر کردم هر کاره‌ای که بشم، مهیه اینه که فردی مفید برای خودم و جامعه‌ام باشم تا در و مادرم به وجودم افتخار کنند. به قول مادرم بچه‌ها باقیات اصلاحات پدر و مادر و معلم‌اشون! چه بسا من هم باقیات اصلاحات آنها شدم. خدا را چه دیدی!»

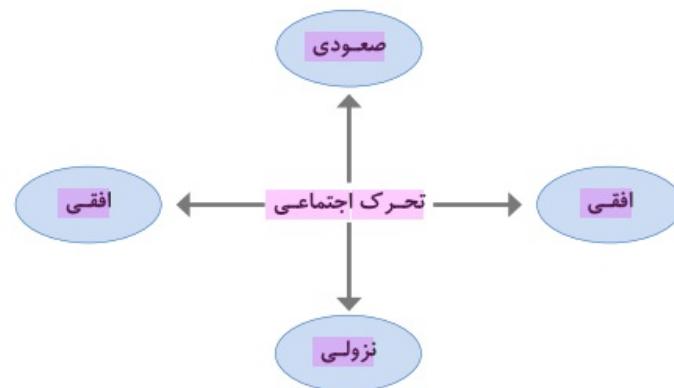
موضوع «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» چه اهمیتی دارد که برخی معلمان نگارش، اصرار دارند دانش آموزان درباره آن مطلب پرسی‌سند؟ آیا ممنظور، صرف پرسش از شغل آینده آنهاست؟ شما چه برداشتی از این پرسش دارید و چگونه به آن پاسخ می‌دهید؟

آثار منفی و مثبت بیماری (آثار جسمی، روحی و اجتماعی) بر انسان را در نظر بگیرید. آیا هر بیماری یا عامل بیماری زا در بدن انسان به مرگ او می‌انجامد؟ آیا آن دسته از بیماری‌ها که به مرگ می‌انجامند به صورت ناگهانی پیش می‌آیند یا معمولاً در طول زمان اتفاق می‌افتد و مسیری نسبتاً طولانی را می‌پیمایند؟ آیا این مسیر قطعی است یا در مواردی برگشت بذیر یا حداقل قابل کنترل است؟ آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟ در جهان اجتماعی، وضعیت چگونه است؟ آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟



گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «تزلزل فرهنگی» منجر شود. تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدھند. به عبارت دیگر، ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد. تزلزل فرهنگی می‌تواند به «بحران هویت» منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی بوجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انسانی خود را به صورت انفعालی - خودشان در به دست آوردن نقشی ندارند - در محیط خانواده و... می‌پذیرند. با گذر زمان، آنها به گونه‌ای فعال، با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند. جایه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.

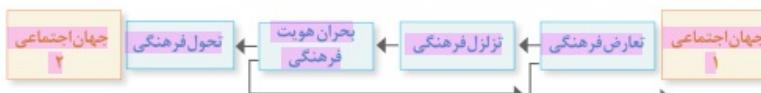


کارمند یک اداره، هنگامی که مدیر بخشی از اداره می‌شود یا مدیر یک بخش یا هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود آمده می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی نمونه‌های دیگری مثال بزنید؟ در همه کشورهای بدبندی مشاغل وجود دارد ولی رده‌بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به پاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوی، هنر، احترام و... نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

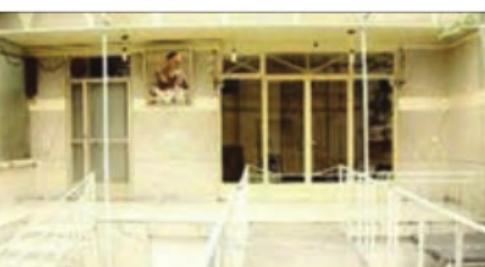
اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در آن صورت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند و به صورت تحولات فرهنگی در می‌آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیا راهی برای تشخیص و ارزیابی این گونه تحولات وجود دارد؟

اگر فرهنگی که گرفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است؛ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.



کاخ شاه – سعدآباد



منزل امام خمینی (ره) – چماران

با فرایند تحولات فرهنگی آشنا شدید. آیا می‌دانید که چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل آن کدام‌اند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دستهٔ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در این درس، از علل درونی تحولات فرهنگی سخن می‌گوییم.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود که در درسن قبل از آن سخن گفتیم، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد. اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی

### بغوانیم و بدایم

مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی سعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های انتسابی مانند درائت، نژاد و... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند، نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محروم‌ان جامعه بسته می‌شود. مثلاً در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محروم‌ان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

### نمونه بیاورید

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.

### فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی کدام‌اند؟

دانستید اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می‌شوند و به تدریج با فعالیت‌شان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند. آیا اعضای جهان اجتماعی می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟

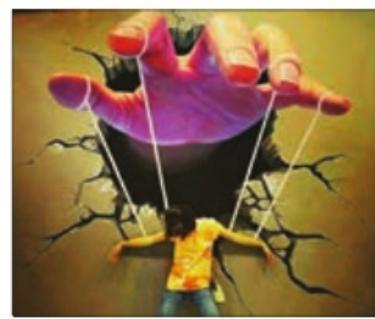
در جوامع فتووالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به ابطال آنها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بودند و نه رعیت. به همین دلیل از آنها به طبقه سوم باد می‌شد که شامل صراف، بتا، کفash و... بود. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد. یکی از تویسندگان می‌برسد که «طبقه سوم چیست؟» و پاسخ می‌دهد «چیزی نیست؛ اما می‌خواهد چیزی بشود».

این طبقه همان طبقه متوسط بود که جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آنها پرداخت و با ارزیابی اشراف با معیار فایده‌مندی آنها را بی‌اعتبار ساخت؛ زیرا خود را تولید‌کننده و مفید و اشراف را مصرف‌کننده و سریار جامعه معرفی می‌کرد. پذیریش این عیار توسط عموم مردم، به پذیرش فرهنگ فایده‌گرایی منجر شد که همه انسان‌ها را صرفاً براساس همین ملاک ارزیابی می‌کرد. این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آنها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آنها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

هر جامعه‌ای، برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی را منع می‌کند. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟

واجهه شود، گرفتار کهولت و مرگ می‌شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به کارگیری تمامی طرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فضایی و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. درباره جهان‌های اجتماعی که فرهنگ دنیاگریز دارد، چه می‌دانید؟

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها



خلا معنوی

درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوج انجاری برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، نامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

کاستی و خلا معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازندهشی درباره بنيان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

### بخوانیم و بدانیم

قبل‌اً درباره جهان اجتماعی متعدد یا جهان مدنون و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این جهان برای انسان ایجاد می‌کند، سخن گفتیم. طی قرن بیستم، متفکران جهان غرب آثار متعددی درباره بحران‌های هویتی این جهان نوشتند و از شکل‌گیری دوران بعد از تجدّد یا پسامدron سخن گفته‌اند. بسیاری از متفکران، شکل‌گیری دوران پسامدron را تحول هویت جهان متعدد می‌دانند و برخی آن را تغییری می‌دانند که درون این جهان اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.

### تحلیل کنید

با هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا هر نوع بحربان هویت اجتماعی، به بحران هویت فرهنگی منجر می‌شود؟ در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می‌انجامد؟

مثلاً ممکن است در ایران برخی افراد یا خانواده‌ها دچار بحران هویت باشند؛ ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد. در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده‌ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می‌شود؟

آن تحلیل را می‌توان درباره گروههای دیگر اجتماعی مانند گروههای تحصیلی، شغلی، ورزشی و... نیز به کار گرفت.



■ این کارگران کارخانه آجرپزی در ایالت بیهار هند در کاست نجس‌ها به دنیا آمدند. توسط جامعه، وظایف معین و مشخصی بر دوش آنها گذاشته می‌شود بی‌آنکه از فرصت‌های تحرکی که نظام‌های طبقاتی به افراد می‌دهند، بخوردار شوند.

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب

هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی

تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند.

مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان

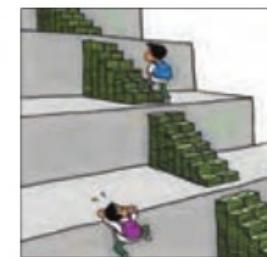
تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. درباره جامعه آپارتاید (جدانژادی) چه می‌دانید؟

جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.

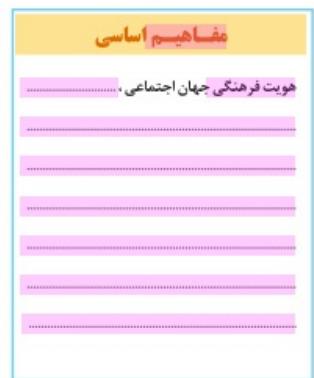
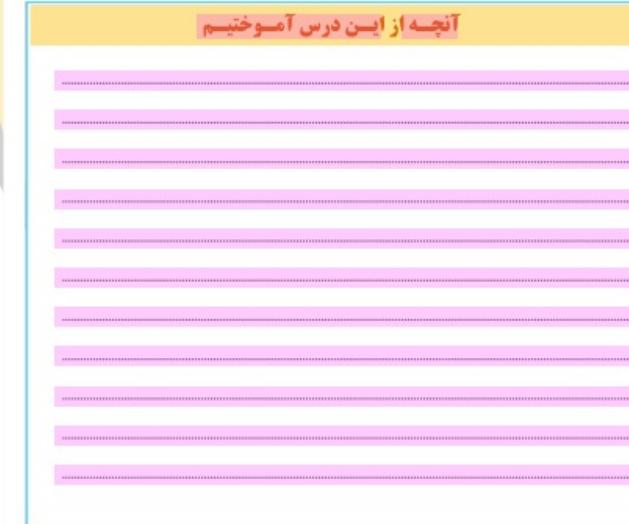
جهانی که حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.



■ قانون ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس فرانسه، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان با حجاب سلب می‌کند و مغایر شمار معروف انقلاب فرانسه «ازادی، برابری و برادری» است.



■ جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.



در یک جهان سکولار، هويت ديني و معنوی افراد نمی تواند بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد.  
در این جهان فعالیت هایی که هويت ديني افراد را آشکار کند، منع می شوند. برای نمونه،  
می توان به جلوگیری از تحصیل دختران محجوبه در برخی جوامع غربی اشاره کرد.  
در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. اکثریت مردم الجزایر  
در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج  
انتخابات شد. رئیس جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت که مردم الجزایر نیاز به  
دموکراسی کنترل شده دارند. از گفته رئیس جمهور آمریکا چه می فهمید؟  
در یک جهان دینی و معنوی نیز، هويت هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان رانفی کنند، به رسمیت  
شناخته نمی شوند.



در جامعه سرمایه داری، مالکیت ثروت هر راه با شغل از پایه های اساسی هويت یابی هستند. به  
همین دلیل امروزه شغل اهمیت فزاینده ای پیدا کرده است.  
در جهان اسلام برخی مشاغل مانند ربا خواری و... حرام اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک  
شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نباید نزدیک  
این مشاغل مکروه اند مانند دلالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفة ها را تشویق  
و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می کند. این دسته مشاغل مستحب اند: مانند زراعت.  
انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هويت یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل  
تأثیرگذار است. اساس منع و ترجیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفة های اسلامی مخرب یا سازنده  
این حرفة ها بر تربیت و هويت انسان هاست. اسلام، برخی شغل ها را تحسین می کند: زیرا  
انسان سازند و برخی حرفة ها را مذمت می کند: زیرا مخرب انسان اند.  
اسلام، تربیت انسان های متعالی را هدف آفرینش می داند و برای تحقق آن، مراقبت های  
ویژه ای را اعمال می کند.



## تحولات هویتی جهان اجتماعی

درس ۱۲

«علل بیرونی»

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متدالو ا است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

صرفه جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است. این جمله را همه ما بارها شنیده‌ایم. خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به بول و میهم بودن بول برای آنهاست. بول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن بول را با خرج کردن زیاد آن شنان می‌دهد و خسیس با خرج نکردن و اپاشتن آن، شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباہ مصرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف کردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است. ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل‌های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان‌های اجتماعی کدام‌اند؟



■ ایران در زمراه ده کشور برتر دنیا در عرصه نانو



■ پژوهشگاه روپان و تحقیق در مورد سلول‌های بنیادی

تعییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تعییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابیل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تضارع فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بازمی‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

استدلال کنید

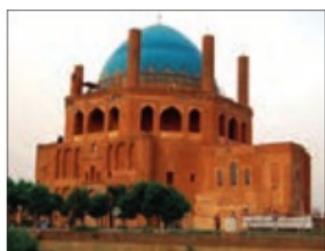
آیا هر نوع ابداع و نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود؟ برای هر مورد نمونه‌هایی ذکر کنید.

**روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر** می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می‌آورد. این روابط گاهی در محدوده هنجارها و نمادها یا در شیوه‌های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پیدا آورد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

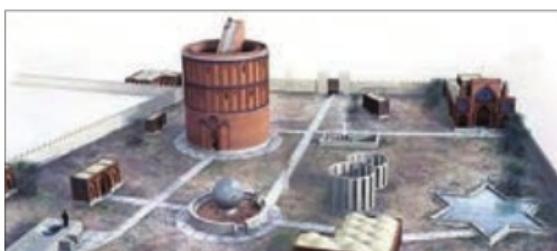
جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ راأخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آنها را نپذیرفت.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، داد و ستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آنها را پیدا آورد. پسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و ... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.



گنبد سلطانیه



رصدخانه خواجه نصیر الدین طوسی - عراقه - دوره ایلخانی

**خلاصه کنید**

- جهان‌های اجتماعی برخی تغییرات هویتی را تشویق و برخی رامنع می‌گنند.

**مفهوم اساسی**

تعارض فرهنگی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

**آنچه از این درس آموختیم**

.....

.....

.....

.....

.....

.....

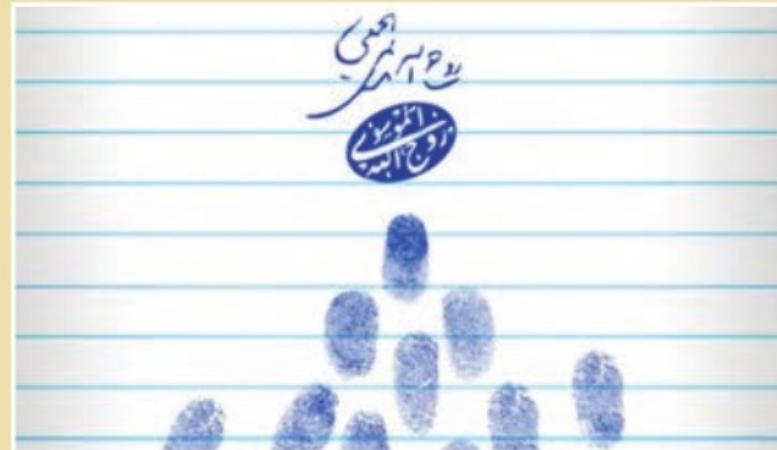
**ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هويت جدیدی به دست آورد و بدون اينکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اينکه به جهان اسلام پیووندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می‌دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش‌هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش‌هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش‌های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه‌های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.**



■ نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر شده این عربی در غرب  
■ دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطی - محاکمه غالیله

**ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان‌های دیگر به «خودباختگی فرهنگی» گرفتار شود.**

جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضاً آن مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر از دست بدنهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شود. در آن گزینش عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقليدي فرا می‌گيرد. جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقليدي عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!



## درس یازدهم تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)

**هویت جهان اجتماعی چیست؟**

دانستید هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست؛ مانند اینکه شهری، روستایی و عشاپری بودن شما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. جهان اجتماعی نیز هویت خاصی دارد. منظور از هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

«دانش آموز بودن»، یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی شمامست. دانش آموز بودن محصول عضویت شما در یک مدرسه است. ولی خود مدرسه نیز دارای هویت خاصی است. مدرسه با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت، به رسیدت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت نیز یکی از نهادهای جهان اجتماعی است و هویت خود را از جهان اجتماعی کسب می‌کند. جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به «هویت فرهنگی جهان اجتماعی» یاد می‌شود. هویت فرهنگی جهان اجتماعی چیست؟

۱- اگر تغییرات اجتماعی را به دو دسته تغییرات سطحی و عمیق با خود و کلان تقسیم کنیم تغییرات عمیق و کلان را تحول اجتماعی می‌گویند. در تحول اجتماعی یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.

بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب‌زدگی» می‌نامند.



کلبه‌ای کوچک از جنس نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی (کاخ فلسطین)



رواج غذایی آماده و نوشیدنی‌های گازدار ناسالم

### تبیین کنید

غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را پیمایند؟

### از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زمین دیگران خانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود؛ اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

علمی برای اینکه داشت آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گنم نشود، جغرافی بخواهید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان مند نیست که مکان را گنم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گنم کند. برای اینکه زمان را گنم نکند، باید تاریخ را بنساند. انسان بعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بنشاند تا آنها را گنم نکند یا در آنها گم نشود. مهم تر آنکه انسان ممکن است خودش را گنم کند. راستی، ما خود را چگونه بیاییم؟ به تعبیر امام علی(ع): «خدا رحتم کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود». همه این حالت‌های گم شدنگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است. جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود؟

هویت فرهنگی جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد. این هویت هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی تازمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهمن باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدنهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.



### تأمل کنید

هویت فرهنگی جهان اجتماعی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی افراد دارد؟ آیا این دو می‌توانند مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند؟ برای پاسخ، از نمونه زیر کمک بگیرید

هر خانواده، مانند خانواده ما و شما یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی هر کدام از ما، بخشی از هویت اجتماعی ما و نتیجه عضویت در یک خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از زندگی، خانواده نمی‌گویند، بلکه تنها شکلی از زندگی که براساس عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده نیز تازمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن را پیذیرند و براساس آن عمل کنند. اکنون شما درباره رابطه میان جهان اجتماعی و نهادهای آن فکر کنید.

هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده‌ها ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی



■ **چشم هنر شیراز، مرامی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتدای رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در حکایات خود آورده است که به شاه گفتند که اگر چنین نمایشی در شهر منجس‌تر اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان جان سالم به در نمی‌بردند. شاه عذری خنده داد و چیزی نگفت. (حکایات دو سفیر، بیلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)**

### از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

- اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

- اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطري) می‌شود.

جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و ادم برسند.

در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرایی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض بر می‌دارد. از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگردد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند و می‌فرماید: «**وَلَا تكُونوا كَالذِّين نَسْوَالُهُ فَانسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ**». همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردن، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد. (سورة حشر، آية ۱۹)

براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد،

۱- با توجه به مطلب درس ۷ می‌توان گفت در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های خود را فراموش نکنند، آن جهان اجتماعی داری هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطلب حق باشند، دارای «هویت حقیقی» است.

### فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

در فصل اول با دو نوع تغییر در جهان اجتماعی آشنا شدیم. آیا آنها را به یاد می‌آورید؟ برخی تغییرات از نوع تغییراتی است که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد ولی تغییرات، یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. به این گونه تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می‌کند، تحول فرهنگی می‌گویند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می‌شود؟

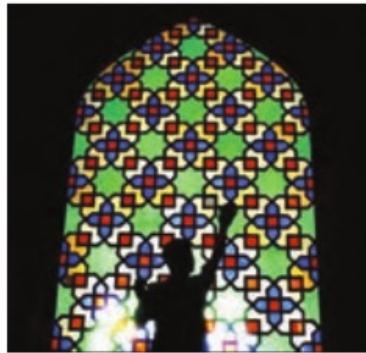
آثار منفی و مثبت بیماری (آثار جسمی، روحی و اجتماعی) بر انسان را در نظر بگیرید. آیا هر بیماری یا عامل بیماری زا در بدن انسان به مرگ او می‌انجامد؟ آیا آن دسته از بیماری‌ها که به مرگ می‌انجامند، به صورت ناگهانی پیش می‌آیند یا معمولاً در طول زمان اتفاق می‌افتد و مسیری نسبتاً طولانی را می‌پیمایند؟ آیا این مسیر قطعی است یا در مواردی برگشت پذیر یا حداقل قابل کنترل است؟ در جهان اجتماعی، وضعیت چگونه است؟ آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟



گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «**زلزل فرهنگی**» منجر شود.

زلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدeneند. به عبارت دیگر، ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.

خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره ائمی و همنشین خداوند است.  
جهان اجتماعی مشرکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی رانه تنها از حقیقت  
جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



حقیقت جویی

### تحلیل کنید

از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی  
از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است  
جامعه‌ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خود بیگانه باشد؟

ترزل فرهنگی می‌تواند به «بحران هویت» منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

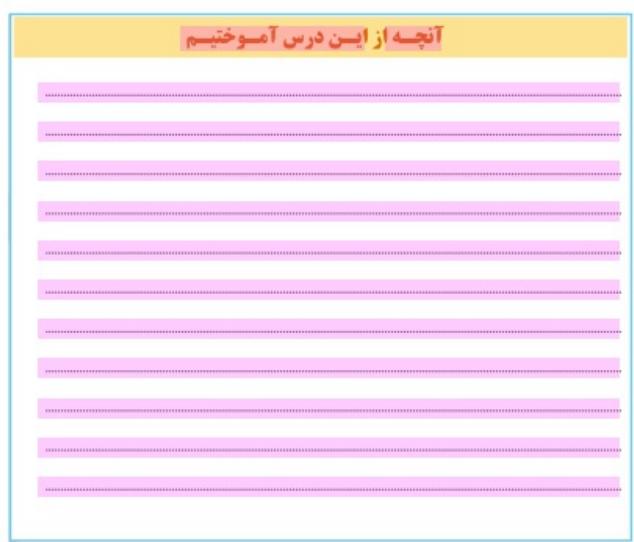
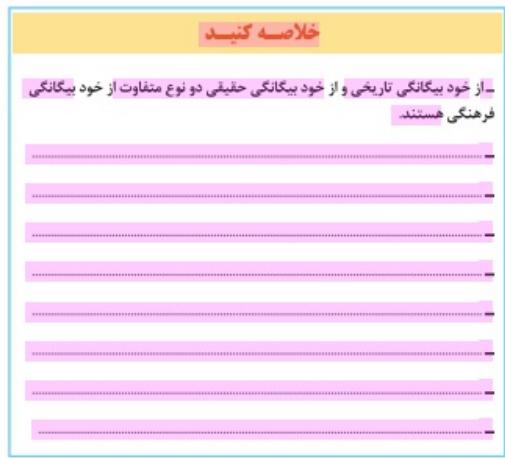
تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق نوعی تعارض فرهنگی است. اگر این روند تا جایی پیش برود که اعضای جامعه برای تشکیل خانواده یا حفظ آن انگیزه لازم و کافی نداشته باشند و در عمل بسیاری زندگی مجردی را بر زندگی خانوادگی ترجیح دهند، نوعی ترزل فرهنگی بروز می‌کند. اگر در ادامه، نهاد خانواده و عقاید و ارزش‌های آن به گونه‌ای سست شوند که رقبه‌ها و بدیل‌های زندگی خانوادگی همانند زندگی با حیوانات، ازدواج با هم جنس، زندگی مشترک بدون ازدواج... هم عرض خانواده شیوه پیدا کنند: به گونه‌ای که جهان اجتماعی نتواند در برابر این اشکال از کیان خانواده و ارزش‌ها و هنجارهای آن دفاع کند نهاد خانواده دچار بحران هویت می‌شود. در ایران امروز نهاد خانواده با تعارض‌های فرهنگی مواجه است.

اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در آن صورت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند و به صورت تحولات فرهنگی در می‌آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیا راهی برای تشخیص و ارزیابی این گونه تحولات وجود دارد؟

اگر فرهنگی که گرفتار ترزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است؛ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.





با فرایند تحولات فرهنگی آشنا شدید. آیا می‌دانید که چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل آن کدام‌اند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دستهٔ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در این درس، از علل درونی تحولات فرهنگی سخن می‌گوییم.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود که در درس قبل از آن سخن گفتیم، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هیئت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد.

اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ می‌شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. دربارهٔ جهان‌های اجتماعی که فرهنگ دنیاگیریز دارند، چه می‌دانید؟



■ راهبه‌ها یا خواهر روحانی به کسانی گفته می‌شود که داوطلبانه جامعه را ترک کرده و زندگی را به عبادت و تفکر در صومعه یا دیر می‌گذرانند. آنها از اجتماع فاصله می‌گیرند و به شدت بر ریاست و ساختی خود تصریح کردند. آنها لباس‌هایی به نیک زعفران می‌پوشند که نمادی است از چشم‌پوشی از دنیا.



جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها دربارهٔ معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچانکاری<sup>۱</sup> برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، نالیدی و خودکشی افراد رویه‌رو می‌شود.

کاستی و خلاً معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازندهشی دربارهٔ بنيان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

۱- انکار معنا برای زندگی انسان یا ناتوان داشتن انسان در یافتن معنای زندگی است.



## هویت ایرانی

«هویت فرهنگی ایران»

درس ۱۳

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خودشان را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی،  
مهارت، علاقه، هنر، دانش، خلق، ایمان، اعتقاد و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.  
گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها، امت‌ها و... نیز خودشان را با ویژگی‌هایی چون سرزمین، تاریخ، جمعیت،  
اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی  
شناخته می‌شود؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سر به سر زیر دست منست  
ندادند شیر زیان را به کس  
به نیکی ندارند از بد هراس  
کنام پلگان و شیران شود  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
جهان بر بدانیش تنگ آوریم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم  
چه نیکوتراز مرگ در کارزار

دنای جو ایوان نست منست  
هر فرد ایرانیان است و پس  
همه پکدلانند بزدان شناس  
دربیغ است ایران که ویران شود  
چو ایران نیاشد تن من مسیاد  
همه روی، یکسر به جنگ آوریم  
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم  
اگر گشت خواهد تو را روزگار

فردوسی در این ایات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟

### بغوانیم و بدانیم

قبل‌اً درباره جهان اجتماعی متجدد یا جهان مدرن و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این جهان برای انسان ایجاد می‌کند، سخن گفتیم. طی قرن بیستم، متفکران جهان غرب آثار متعددی درباره بحران‌های هویتی این جهان نوشتند و از شکل‌گیری دوران بعد از تجدّد یا پسامدرن سخن گفته‌اند. بسیاری از متفکران، شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدد می‌دانند و برخی آن را تغییری می‌دانند که درون این جهان اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.

### تحلیل کنید

با هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا هر نوع بحران هویت اجتماعی، به بحران هویت فرهنگی منجر می‌شود؟ در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می‌انجامد؟ مثلاً ممکن است در ایران برخی افراد یا خانواده‌ها دچار بحران هویت باشند؛ ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد. در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده‌ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می‌شود؟ این تحلیل را می‌توان درباره گروه‌های دیگر اجتماعی مانند گروه‌های تحصیلی، شغلی، ورزشی و... نیز به کار گرفت.

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های اجتماعی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری درآمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

ایرانیان پس از آشنازی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند. عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد. فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و شمنانی را در نور دید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و... خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که سایر مسلمانان برای دستیابی به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.



مسجد جامع گوهرشاد



نقشه کشورهای فارسی زبان

بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام چگونه با این هجمانه‌ها مقابله می‌کرد؟ جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. اما برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

خلاصه کنید

مفاہیم اساسی

آنچه از این درس آموختیم

قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها، بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هويت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کرد.

در دیدگاه مستشرقان، هويت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و چهارگایی آن محدود می‌شود. اين هويت در قالب عنوانين قوم گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقليدي به فرهنگ غرب و هويت‌های کاذبي که از اين طريق ساخته می‌شد، آثاری با عنوانين نظير غرب‌زدگی و بازگشت به خويشن، پدید آوردن و برخی از آنديشمندان مسلمان كتاب‌های را درباره خدمات مقابل اسلام و ايران و همچنین فطرت و خويشن الهی انسان تدوين کردند.

### بخوانيم و بدانيم

دانستيد هويت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گيرد. هرگاه افراد جامعه، نوعی از ارزش‌ها را پيروزند و به رسميت بشناسند، هويت فرهنگی پدید می‌آيد و تا زمانی که اين عقاید و ارزش‌ها مورد پذيرش باشند، دوام می‌آورد. البته برقراری روابط پايدار میان افراد جامعه، پيازمند مکان و سرزمين است. مکان، زمینه ارتباط افرادي را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد و ادامه حیاتشان را ممکن می‌سازد. به همین دليل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمين يا وطن، ارزشی مقاوت از سایر مکان‌ها پيدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد به گونه‌ای که دفاع از آن را تا پایي جان وظيفة خود می‌دانند. سرزمين بعده چهارگایي هويت جامعه را می‌سازد. افرادي که مدت زیادي با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره‌جمعی و مشترک درمی‌آيد و از نسل دیگر انتقال می‌باشد. اين خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بعد تاریخي هويت جامعه را می‌سازد.

با برخی دیگر از ابعاد هويت جامعه در درس بعد و با برخی در سال آينده آشنا می‌شويد.



نقش روپردازی‌های تقليدي به غرب



### درس دوازدهم تحولات هويتی جهان اجتماعی (علی بیرونی)

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متدالو است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پيشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

«صرفه جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است.» این جمله را همه ما بارها شنیده‌ایم.

خسیس و ولخرج در ظاهر متصاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاوه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست. پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان می‌دهد و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن، شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه صرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف نکردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است.

ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر نیز پذيرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل‌های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان‌های اجتماعی کدام‌اند؟

**تحقیق کنید** آیا نویسنده‌گان کتاب‌های «غرب‌زدگی»، «بازگشت به خویشتن»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «فطرت» را می‌شناسند؟ درباره این آثار و نویسنده‌گان آنها تحقیق کنید.

### انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایران و ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها درباره انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن می‌باشد. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه آثار هویتی‌ای در ایران و جهان به دنبال آورد؟



■ تبلور تحولات هویتی در شعارهای انقلابی

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی(ره) و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مزهای جامعه ایمانی خود، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه یافته است.

روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می‌آورد. این روابط گاهی در محدوده هنجارها و نمادها یا در شیوه‌های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پذید آورد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در داشت‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آنها را نپذیرفت. مسلمانان آثار فلسفی، پژوهشکری، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آنها را رها کردند.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آنها را پذید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.



■ مصر در تعامل با جهان اسلام و پذیرش عقاید و ارزش‌های توحیدی آن. دچار تحولات هویتی شد.



■ ایران اسلامی با هویتی مستقل، فعال و اثربار

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثربار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جهان اسلام اینکه با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را ببرون از تصاویری که جهان غرب القامی کرد، جست و جو می کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می گردد. حیات معنوی اسلام، افق های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.



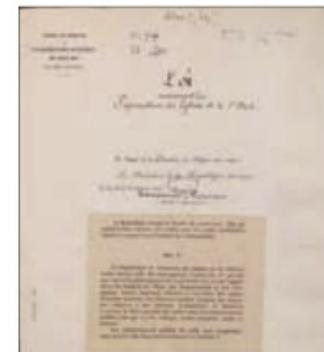
■ مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی



ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه های آن، بدون اینکه به جهان اسلام پیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.



■ نمونه ای از کتاب های منتشر شده این عربی در غرب



■ جمهوری خواهان لایک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تمویب مجلس علی فرانسه رساندند که براساس آن دنی از آخرین عرصه های حضور اجتماعی خود حذف شد.

ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان های دیگر به «خودباختگی فرهنگی» گرفتار شود. جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای آن مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و درنتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدنهند، دچار خودباختگی فرهنگی می شونند؛ بر آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می گیرند.

جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد، بنابراین نه می تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

بخوانیم و بدانیم	
لطف حقت یار و دشمن خوار، خواری عار باد	ای وطن ای مختر من لطف حقت یار باد
توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد	ای وطن ای خاک پاکت توتیای چشم ما
کر نشانش تا ابد صدامیان را عار باد	ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را
مژده فتح شما با مژده‌ای یار باد	ای جوانان غیور ای پاسداران وطن
آنکه فتح قدستان پایان این مضمیر باد	مژده‌گانی چیست این فتح الفتوح قرن را
فخر تاریخ است و این تاریخ را تکرار باد	این جنبین فتح نمایان، لشکر اسلام را
درسی از دین خدا در خاطر کفار باد	آن کرامات‌ها که در حق اسیران گردید
عالمسی را این کرامات شیوه رفتار باد	بالله این رفتار تان در باد عالیم نیز نیست
اسومه ایمان و ایشار این چنین کردار باد	عالمسی در حیرت از ایمان و ایشار شماست
زندگی را خجلت از مرگی چنین هموار باد	مرگتان را تسلیت با تهنیت آمیخته است
رنگ هر گل یادگار از هر گل رخسار باد	هر بهاران کز نسمیم گل برآید بوبستان
نقش روی خوبیان، سنبل نشان مویان	گل نشان بوبستان، گل نشان مویان

امیری فیروز کوهی

تحلیل کنید
حجاب و پوشش به عنوان نماد هویت جهان اسلام در صد سال اخیر، فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت جهان اسلام تحلیل کنید.

بسیاری از جوامع غیرعربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتد، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرعربی در برابر جهان غرب را «غرب‌زدگی» می‌نامند.



کلیه‌ای کوچک به سبک نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی (کاخ گلستان)



رواج غذاهای آماده و نوشیدنی‌های گازدار ناسالم

### تبیین کنید

غرب‌زدگی جوامع غیرعربی مهم‌ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را پیمایند؟

### پیشنهاد دهید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، از سویی تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است؛ و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنگارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. این وضعیت باعث می‌شود تا مقاید و ارزش‌های جهان‌های اجتماعی توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی در عرض هم و البته با کیفیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه افراد قرار گیرند؛ بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهم‌ترین منازعه هویتی می‌گردد. فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگناهایی برای ساماندهی معقول این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌هایی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلي، ملي، منطقه‌ای و جهانی) چه نکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهاداتی دارید؟

**خلاصه کنید**

- زبان فارسی دومین زبان فرهنگی جهان اسلام است

[...]

**مفهوم اساسی**

هویت ایرانی اسلامی انقلابی،

[...]

**آنچه از این درس آموختیم**

[...]

### از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود؛ اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است چنان از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

ملمعی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشود، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان ضرفاً موجودی مکان مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی (ع): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود.»

همه این حالت‌های گم شدنی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است.

جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود؟



■ چشم هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های اینصال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتند که اگر مینهن تماشی در شهر منجستر اجرا می‌شد، کارت‌دانان و هنرپیشگان جان سالم به در نمی‌بردند. شاه مدتی شنید و چیزی نکفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)



■ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنای کاهشماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این تصویب مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج گذاری کوروش تغییر یافت.



## هویت ایرانی

### «ابعاد جمعیتی و اقتصادی»

درس ۱۴

#### جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند. چرا که جمعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می‌شود. چه رابطه‌ای میان جمعیت و هویت جوامع وجود دارد؟

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. وضعیتی را تصویر کنید که جمعیت یک جامعه منقرض شود. در آن صورت، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود اعضای جامعه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا صرف اندازه جمعیت، کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمستنوث و بی تقاضا می‌تواند نیازهای جامعه را بر طرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود، چه می‌کنند؟ جامعه ما از این نظر چه وضعیتی دارد؟

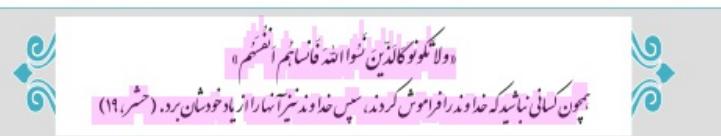
۱- شما در درس‌های گذشته با بعد ذهنی و عینی جهان اجتماعی آشنا شدید. در این درس به بعد عینی هویت ایرانی می‌پردازیم. جمعیت و اقتصاد از عینی ترین ابعاد هویت جامعه محسوب می‌شوند.

از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

- اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از باد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

- اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطري) می‌شود.

جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و ادم برسند. در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرایی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد. از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.



براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌باید و همواره انسیس و همنشین خداوند است. جهان اجتماعی مشرکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.

#### تحلیل کنید

از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خودبیگانه باشد؟

۱- با توجه به مطالب درس ۷ می‌توان گفت در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و ارمنان‌های آن را فراموش نکنند و به آنها تعقل خاطر داشته باشند آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و ارمنان‌های آن مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی» است.

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، لازم است برخی از مطالب اساسی کتاب را با هم مرور کنیم. در یکی از درس‌ها درباره تفاوت جهان طبیعی و جهان اجتماعی بیان شد که جهان اجتماعی پدیده‌ای معنادار است. همچنین گفته شد که به آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند. آیا این درس را به یاد می‌آورید؟ در درس دیگری گفته شد که هویت هر جهان اجتماعی براساس فرهنگ (عقاید و ارزش‌های کلان) آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل از آن به «هویت فرهنگی» تعبیر می‌شود. آیا به یاد دارید این نکات را در چه درسی آموختید؟

یک بار دیگر رابطه آگاهی (معنا)، فرهنگ و هویت جهان اجتماعی را در کلاس بازگو کنید. تشریح این رابطه، به شما کمک می‌کند تا به رابطه جمعیت و هویت جهان اجتماعی بپردازید. شما با گستره جهان اجتماعی و چگونگی گسترش آن آشنایید. گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد. هر عاملی که در گسترش فرهنگ و معانی مؤثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناختن و عمل کردن صرفاً از عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی بر می‌آید. اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ، بسط بیشتری می‌یابد.

این روند را به خوبی می‌توان در گسترش معانی و ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. با ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می‌شود<sup>۱</sup>. با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می‌شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه فرزند و والدین نیز تسری می‌یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ‌تر شدن خانواده، این معانی و ارزش‌ها گستردہ‌تر می‌شود. با گسترش خانواده‌ها و ایجاد نسبت‌هایی

<sup>۱</sup>- و از نشانه‌های اوین است که برای شما از جنس خودتان همسرانتی افرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت (دوستی) و رحمت (مهریانی) قرار داد؛ یعنیاً در این نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (سوره روم، آیه ۳۱).

<b>خلاصه کنید</b> - از خودبیگانگی تاریخی و از خودبیگانگی حقیقی دونوع متفاوت از خودبیگانگی فرهنگی هستند.	<b>مفاهیم اساسی</b> از خودبیگانگی فرهنگی،
<b>آنچه از این درس آموختیم</b>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>.....</li> </ul>	

چون پدربزرگ، مادربزرگ، خاله، دایی، عمه، عمو، پسرعمو و... نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد که باز هم زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت را فراهم می‌سازد. به همین ترتیب، افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.

هدف اسلام تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است. بنابراین اگر اولاً فرهنگ و معانی که با افزایش جمعیت، بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ ثانیاً افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است. از این‌رو پیامبر اسلام (ص)، روز محشر به کثرت پیروان خود مبالغات می‌کند.

فقدان هر کدام از این شرایط، مانع تحقق جهان اجتماعی توحیدی است.

### بخوانیم و بدانیم

گروه سه نفره نسبت به گروه دو نفره، یک عضو، بیشتر دارد که در ظاهر تفاوت کم‌اهمیتی است. ولی زمانی که این دو گروه را دقیق تر مقایسه کنیم، بی‌می‌بریم که همین عامل، تفاوت‌های مهمی به دنبال می‌آورد. در گروه دو نفره، کناره‌گیری هر یک از اعضاء، به تابودی گروه می‌انجامد. در واقع گروه دو نفره چیزی غیر از اعضاش نیست و هیچ واقعیتی فراتر از اعضا خود نداره. در این گروه، فرد، تنها با فرد رابطه دارد و از رابطه فرد و گروه خبری نیست. اما زمانی که گروه دو نفره به گروه سه نفره تبدیل می‌شود، تغییرات مهمی رخ می‌دهد. یک عضو جدید، موجوب پیدایش دو رابطه جدید می‌شود. غیر از رابطه «الف - ب» دو رابطه «الف - ج» و «ب - ج» نیز ممکن می‌شود. پیدایش این دو رابطه جدید چه نتایجی در بی‌دارد؟ عضو سوم می‌تواند نقش واسطه و داور را در میان دو عضو پیشین ایفا کند و از این طریق، تنش‌ها را کاهش دهد و از فروپاشی گروه، پیشگیری کند یا می‌تواند میان دو عضو دیگر تضاد و تفرقه ایجاد کند و از این تفرقه برای رسیدن به منافع خودش استفاده کند. در گروه دو نفره این کنش‌ها برای افراد امکان پذیر نبود ولی در گروه سه نفره ممکن شد. در گروه سه نفره، رابطه فرد و گروه امکان پذیر می‌شود و هر کدام از اعضا می‌توانند به نمایندگی از گروه، چنین کنش‌هایی را انجام دهد. در گروه سه نفره علاوه بر اعضا، پیدایه جدیدی به نام جمع نیز به وجود می‌آید که محصول عضویت همان فرد سوم بود.

افزایش جمعیت، آثار اجتماعی و فرهنگی دیگری هم به دنبال می‌آورد. در گروه‌های کوچک، اعضا می‌توانند با یکدیگر ارتباط را در رو و مستقیم داشته باشند و با داد و ستد با یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند. ولی وقتی جمعیت یک گروه افزایش پیدا کند و به یک گروه بزرگ تبدیل شود، روابط متقابل اعضا

۱- نبود شرط اول، جامعه مشرک (جامعه‌ای که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد) می‌سازد و نبود شرط دوم، جامعه فاسق (جامعه‌ای که اعضا آن عقاید و ارزش‌های حق را می‌شناسند ولی به آنها پایبند نیستند) می‌سازد که هر دو مغایر با هدف اسلام‌اند.



### هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایرانی)

### درس سیزدهم

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟ افراد معمولاً خودشان را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، سغل، ترورت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت، علاقه، هنر، دانش، حقق، ایمان، اعتقاد... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها، امت‌ها... نیز خودشان را با ویژگی‌هایی چون سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سربه سرزیر دست منست	نهانی چو ایران نشست منست
هنر نزد ایرانیان است و بس	هنر نزد ایرانیان ندارند
ندادند شیر زیان را به گس	همه یکدلا نند بزدان شناس
به نیکی ندارند از بد هراس	کنام پلنگان و شیران شود
دریغ است ایران که ویران شود	بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
جهان بر بداندیش تنگ آوریم	جو ایران نباشد تن من مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم	همه روی، یکسر به جنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم	اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
اگر کشت خواهد تو را روزگار	اگر نیکو تو از مرگ در گارزار

فردوسي در این ایيات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟

آن پیچیده تر می شود و دیگر، روابط بی واسطه ممکن نخواهد بود. از این پس، روابط به کمک «نهادها» برقرار می شود. – مثلاً در گروه های کوچک تر، معامله پایابی، نیاز اقتصادی اعضا را برآورده می ساخت ولی برای گروه های بزرگ تر، واسطه ای مانند پول، ضرورت می باشد. زبانی که یک گروه کوچک تر با آن سخن می گویند، پیچیدگی های زیان یک گروه بسیار بزرگ را ندارد – افزایش جمعیت باعث پدیدار شدن مسائل نوظهوری می شود که جهان اجتماعی باشد با استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های خود به آنها باش دهد. جهان اجتماعی با گسترش نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید، برای رفع این مسائل چاره اندیشی می کند. هر نهاد، مجموعه ای از مقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهاست که برای رفع نیاز و پیش از اختصاص می باشد. از این رو گسترش نهادی، همان گسترش فرهنگ و معانی جهان اجتماعی است. بنابراین لازمه بسط هویت جهان اجتماعی، افزایش جمعیت است.



### سیاست های جمعیتی

فرزنداوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت، از کارکردهای مهم نهاد خانواده است. ولی ممکن است در موقعی اختلال در نهاد خانواده، جهان اجتماعی را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به علت هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، عافیت طلبی و مصرف گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و ... با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمانی جمعیت مواجه اند.<sup>۱</sup> در موقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه می شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را بر عهده دارد، برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدبیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که «سیاست های جمعیتی»

۱- کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متعدد است، زیرا فوam خانواده و فرزندادوری در گروه محبت، ایثار و فداکاری است ولی در جهان متعدد به دلیل فردگرایی و اصلت اذت، این محبت و ایلترگری کاهش می باشد که به فرزندادوری کمتر و کاهش شدید جمعیت و فرو افتادن این جوامع در جهان جمیعتی می انجامد. هم اکنون این جوامع برای جبران کاهش جمعیت، سیاست های تشییعی و همچنین پدیده شهادت مهاجران را در دستور کار خود قرار داده اند.

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت های اجتماعی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش های آینین زرتشت که با آموزه های اساطیری در آمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند. عقاید و ارزش های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد. فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری های گور کانی و عثمانی را در نور دید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و ... خدمات بی نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که سایر مسلمانان برای دستیابی به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

### بخوانیم و بدانیم

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخار آمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود، ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیوه نهادن خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت خواه، بی تعصّب و فرهنگ دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خصوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از مایه های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی ترین شکلش به ایرانی و غیر ایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرك و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دوره اسلامی نیوغ فکری و علمی خود را در اعلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته های راقیت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فتاوی، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احسان، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سریازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاق و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به گشمير، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس برdenد. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

(خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری)

نامیده می شود. سیاست های جمعیتی می تواند در راستای رشد یا کاهش جمعیت باشد. ایران ما در دو برهه زمانی، سیاست های کاهش جمعیت را اجرا کرد. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و طی آن میزان رشد سالانه جمعیت، از حدود ۲/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت.

دیگر بار، بنا به ضرورت از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت. تداوم این روند در آینده می تواند آثار زیان باری در پی داشته باشد. آیا می توانید به برخی از آنها اشاره کنید؟ کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست های جمعیتی کشور تصویب گردید.

#### بخوانیم و بدانیم

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل کشی یا پاک سازی نسلی می گویند. پدیده نسل کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است. در گذر زمان، نسل کشی های بسیاری انجام شده است.

اروپاییان در هجوم به قاره امریکا برای تأمین سلطه خود، به نسل کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند و در یک مقطع پنجاه ساله، بانزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند. دو نسل کشی در بوسنی صورت گرفت: یکی در سربیتیتسا در سال ۱۹۹۵ و دیگری در طول جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۵ در سراسر بوسنی.

رزیم اشغالگر قدس برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین های اشغالی و بیشتر شدن تعداد یهودیان نسبت به مسلمانان و اجرای طرح های توسعه طبلانه خود، ضمن حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آنها به جذب مهاجران یهودی از سراسر دنیا و کوچ دادن آنها به سرزمین های اشغالی اقدام می کند.



اجرا طرح های توسعه طبلانه رزیم اشغالگر قدس و تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین های اشغالی



قبستان مسلمانان - سارابو



مسلمانان پس از فتح ایران با نظام دیوانی ایرانیان روپرتو شدند. آن سایه مملکت دار چندانی نداشتند و برای اداره قلمرو گسترشده، تبت و ضبط اموال و غنایم و بیت المال، از کارگزاران ایرانی و نظام دیوانی آنها استفاده می کردند.



نقشه کشورهای فارسی زبان

بخش های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام چگونه با این هجمه ها مقابله می کرد؟ جهان اسلام طی سده های مختلف یا مانند آنچه در جنگ های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. اما برخود جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است. قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین روپارویی ها، بخش هایی از ذهنیت مسلمانان را به خوب باختی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق شناسان و تاریخ نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان<sup>۱</sup>، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می شود. این هویت در قالب عنوانین قوم گرایانه و ناسیونالیستی<sup>۲</sup>، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف تغییر ترک، عرب و فارس تقسیم می کند.

متکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقليیدی به فرهنگ غرب و هویت های کاذبی که از این طریق ساخته می شد، آثاری با عنوانی نظیر غرب زدگی و بازگشت به خویشن، پدید آوردن و برخی از اندیشمندان مسلمان، کتاب هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران و همچین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.

۱- مستشرقان یا شرق شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می شود که از منظر جهان غرب و با اهداف موافع غربی جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها مطالعه می کنند. در واقع به جای بازخواهی و مطالعه به بازسازی و حلق هویت شرقی از منظر جهان غرب می پردازند.

۲- ناسیونالیسم به مجموعه ای از باورها و نمادها گفته می شود که دلیستگی و تعاقب به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل غوار می دهد و صرفما تعلق خاطر به چنین عناصری را ارمن اساسی انسان ها و تعیین کننده هویت ملت ها می دارد.

## بخواهیم و بدانیم

دانستید هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. هرگاه افراد جامعه، نوعی از ارزش‌ها را پذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی پدید می‌آید و تا زمانی که این عقاید و ارزش‌ها مورود پذیرش باشند، هویت فرهنگی پدید روابط پایدار میان افراد جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد و ادامه حیاتشان را ممکن می‌سازد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد به گونه‌ای که دفاع از آن را تا پای جان وظیفه خود می‌دانند. سرزمین بعد جغرافیایی هویت جامعه **را** می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌پابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و **بعد تاریخی** هویت جامعه را می‌سازد. با برخی دیگر از بعد از هویت جامعه در درس بعد و با برخی در سال آینده آشنا می‌شوید.

## تحقیق کنید

آیا نویسنده‌گان کتاب‌های «غرب‌زدگی»، «بازگشت به خویشن»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «فطرت» را می‌شناسید؟ درباره این آثار و نویسنده‌گان آنها تحقیق کنید.



## انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایران و ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

## پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی جمیعت» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید. سپس یک بند از آن را به دلخواه انتخاب کنید و بگویید اگر شما به جای مدیران و مسئولان کشور بودید، برای تحقق آن چه می‌کردید؟



### منتظر از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند. کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند. مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد. می‌دانید که نهادها در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشكال متفاوتی دارند. آیا اقتصاد نیز این گونه است؟ در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آنها تناسب پیدا می‌کند. از این رو یکی از وجود تبايز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آنهاست. منتظر از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ شیوه‌های تقویت و تضعیف آن کدام‌اند؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا احیاناً مالیات‌دهنده نیز هستیم؛ ولی به دلیل اینکه ما از دیگران متمایز نمی‌کنند، آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد کم فروش، محظک، دلال و... هستند ولی به دلیل ضد ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه نشانگر هویت اقتصادی افراد نیست؟

ایا تنها من توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا اینکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جهان‌های اجتماعی نیز دارای هویت اقتصادی هستند؟ آیا مجمع خبرنگاری مدرسه‌ساز، انجمن حمایت از بیماران خاص، شرکت تعاقونی و... که دور هم جمع می‌شوند تا خدمتی به دیگران ارائه کنند، هویت اقتصادی ندارند؟ جوامع مختلف نیز هویت اقتصادی دارند. از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند. مثلاً از اقتصادهای دانش بنیان؛ تک محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری / غیر دستوری؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی انواع دستاوردهای اقتصادی مانند گسترش بیرونی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌های مختلف مثل سدها و نیروگاه‌ها، توسعهٔ ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، موقوفیت‌های علم و فناوری، سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحريم‌ها و... را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبهٔ فرهنگ مصرفي و... دست به گریبان است.



مجتمع تولیدی مینا

از جملهٔ عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروتها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود؛ اما اگر به درستی استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفتی وابسته است. آیا دربارهٔ آثار نوسانات قیمت نفت بر یک اقتصاد وابسته چیزی می‌دانید؟

چنین اقتصادی از آن جهت که درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است؛ دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را - که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات‌ها پرداخت می‌شود - به کمک درآمدهای نفتی تأمین کند.

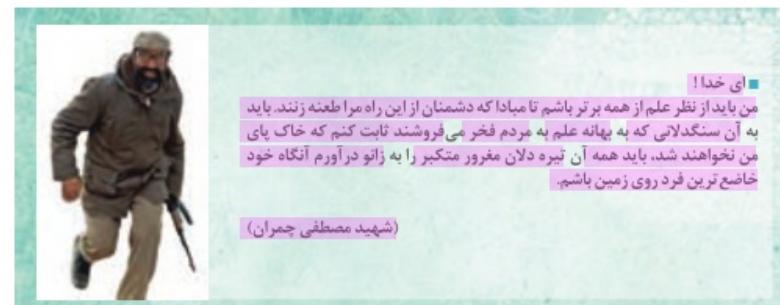
این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. در مقابل وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفاده طمع و رزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ انقلاب، دستاوردهای و پیامدهای آن می‌باشد. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه آثار هویتی‌ای در ایران و جهان به دنبال آورد؟



تبلور تحولات هویتی در شعارهای انقلابی

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشندهٔ صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشندهٔ الهی و توحیدی بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی رض و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مزه‌های جامعهٔ ایمانی خود، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه یافته است.



ای خدا!  
من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا می‌باید که دشمنان از این راه مرا طعنه زنند. باید به آن سنگدلایی که بهانه علم به مردم فخر می‌فرمودند ثابت کنم که حاکم باید من نخواهد شد. باید همه آن تیره دلان مغروف متکبر را به زانو درآورم آنگاه خود خاصهٔ ترین فرد روی زمین باشم.

(شهید مصطفی چمران)

استفاده کنند. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اجرا شده است تا اولًا درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور مماثلت ورزند.

هجوم اقتصادی به ایران تاریخی طولانی دارد و در ادوار مختلف از سوی استعمارگران غربی به صورت‌های مختلفی دنبال شده است. این کار در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز روپرتر و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگافزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید ملی بهویژه روح خودباوری ملت ایران انجام شد. در مورد نقش اصلاحات ارضی در تخریب کشاورزی ایران چه می‌دانید؟

تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت‌ها، اعمال می‌شده و در مقابل، واکنش‌های انها را در پی داشته است؛ چرا که اقتصاد، روزنہ ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملًا ابزاری برای هویت‌زدایی و غارت و چپاول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش به چنین اقداماتی بود.

جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است. در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند.

این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود برمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند. بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، که از سوی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندازند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

۱- شیوه سرمایه‌داری یعنی جستجوی سود از طریق بازار در این شیوه اقتصادی، هدف کشش‌گران و بینکاه‌های اقتصادی بودست از دن حداکثر سود است و سیله‌های آنها استفاده از علوم تجزیی برای ساماندهی حسابگرانه و دقیق مؤلفه‌های اقتصادی (کار، سرمایه، مواد، نفتاری و...) برای تضمین حداکثر سود است. این اقتصاد نه براساس رفع نیاز انسان‌ها بلکه بر محور سود شکل می‌گیرد. از این‌رو بیشترین تخریب‌ها در طبیعت و سایر طبیعی را در پی داشته و در موارد سیاری با قطربت انسان‌ها نابارگار بوده است. انسان‌ها می‌توانند با هدف رفع نیازهای خود و دیگران دست به فعالیت اقتصادی بزنند و در این راستا از تمامی ظرفیت‌های بین‌الملل و اند استفاده کنند. در طول تاریخ همواره شیوه‌های اقتصادی دیگری غیر از شیوه سرمایه‌داری مانند شیوه‌های محیطی، تعاونی، دولتی، سوسیالیستی و... وجود داشته است. ایات زیر به وضوح تقابل امام فرقان را با اصلت بخشیدن به سرمایه و شیوه‌های سرمایه‌دارانه نشان می‌دهد: «هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه رحمانی برای او را از جایی که گمان نهاده روزی می‌دد» (طلاق، ۲)، «اگر اهل شهرها و ایادی‌های ایمان می‌آوردند و تقوی پیشه‌کنند به اینها بزرگ آسمان و زمین روزی را به آنها می‌گشود» (عرفا، ۹۶)، «اگر آنان آنچه را از سوی پیروزگارگشان بر آنها نازل شده بپریا می‌دانند از آسمان و زمین روزی می‌خورند» (ماله، ۶۴) «ای پیامبر از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بکیر تابه و سپلله آن، آنها را باکسازی و پرورش دهی» (توبه، ۱۵) «خداآور را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد» (بقره، ۷۶).

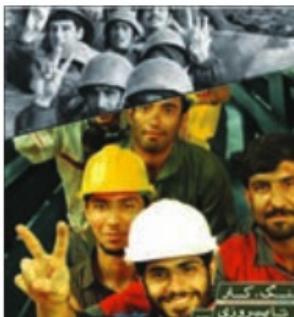
جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثربگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جهان اسلام اینک با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را ببرون از تصاویری که جهان غرب القا می‌کرد، جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد. حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گستردده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرونشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.



مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی

قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب  
انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک جله پروافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از گرامت خود و اصالت شعارهایش صبات کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از یابینیدی به آنها و کوشش برای تحقق آنها ... انقلاب اسلامی ملت ایران قادر تمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معركه‌ای حتی با صدام و آمریکا گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحت و شجاعت در برابر

۱- کانونی فرهنگی که مردم جهان برای پاسخ به پرسن‌ها و نیازهای خود بهویژه پرسن‌های معرفتی و معنوی مطلع و متوجه آن شده‌اند



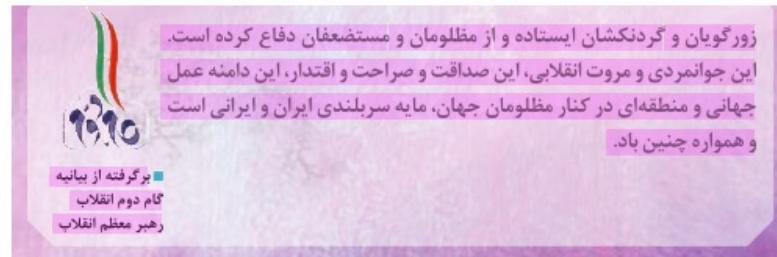
در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هويت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هويت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعیین می‌کند. اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفت، مستقل و مستحکم است که با پاور به تعالیم حیات بخش اسلام و اتکاء به طرفیت‌های مولده مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

مردم و دولت ایران می‌کوشند براساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خامفروشی ثروت‌های طبیعی<sup>۱</sup>، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی<sup>۲</sup> هويت اقتصادی نوینی را در این سرزمین پایه‌ریزی کنند. این هويت اقتصادی در مقابل انواع مشکلات و موانع، مقاوم و پایدار می‌شود تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از دشمنی‌های بیرونی و موانع درونی طی نماید.

#### پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید و با توجه به آن، به سوالات زیر پاسخ دهید.  
— ساز و کارهای مقاوم سازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت کدام‌اند؟  
— شما دانش آموزان برای تحقیق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارید؟

- ۱- فروش نفت خام بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر، مانند محصولات پتروشیمی در داخل
- ۲- اقتصادی که مانند چشم‌های از درون بچوشد و بر تولید داخلی قوی خود متکی است ولی صراف برای خود تولید نمی‌کند، بلکه آن را به صورتی معنادل با سایر کشورها می‌ادله می‌کند.



#### بخوانیم و بدانیم

ای وطن ای مفخر من لطف حققت یار باد  
ای وطن ای خاک پاکت توتبای چشم ما  
ضریبه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را  
ای جوانان غیور ای پاسداران وطن  
مزدگانی چیست این فتح الفتوح قرن را  
آنکه فتح قدستان پایان این مضمار باد  
این چنین فتح نمایان، لشکر اسلام را  
آن کرامت‌ها که در حق اسیران گردید  
با الله این رفتار تان در یاد عالم نیز نیست  
عالی‌ی در حیرت از ایمان و ایثار شمامست  
مرگتان را تسلیت باهنیت آمیخته است  
زنگی را خجلت باز مرگی چنین هموار باد  
هر بیهاران کز نسیم گل برآید بویتان  
گل نشان بویتان، سنبل نشان موبیان  
امیری فیروزکوهی

#### تحلیل کنید

حجاب و پوشش به عنوان نماد هويت جهان اسلام در صد سال اخیر، فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هويت جهان اسلام تحلیل کنید.



## منابع

- ادوارد، سعید، ۱۳۸۹. برخورد تمدن‌های غرب و اسلام. ترجمه عبدالاله حبیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ادوارد، سعید، ۱۳۸۶. شرق‌شناسی. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیرکبیر.
- آرون، ریمون، ۱۳۶۴. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آریلاستر، آنتونی، ۱۳۷۶. ظهور و افول لیبرالیسم. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- افروغ، عمار، ۱۳۸۷. هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- آل احمد، جلال، ۱۳۷۵. غرب‌زدگی. تهران: رواق.
- اورعی، غلامرضا، ۱۳۶۸. پدیده اجتماعی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۱. ۳۶-۳۹.
- بیی، ارل، ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی علمی انتقادی. ترجمه محمد حسین پناهی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- برگر، پیتر و توماس لاکن. ۱۳۸۰. افول سکولاریسم. ترجمه امیری و افسار. تهران: پیگان.
- برگر پیتر، ۱۳۷۵. ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۶. حدیث پیمانه. قم: معارف.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۹۲. جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردای.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۳. نماد و اسطوره. قم: اسراء.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۹. فرهنگ پیرو فرهنگ پیشوای. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱. هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱. مفابح الحياة. قم: اسراء.
- دارندورف، والف، ۱۳۷۷. انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگاه.
- روشه، گی، ۱۳۶۷. کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- روح‌الامینی، محمود، ۱۳۶۵. زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: عطار.
- ریتز، جورج، ۱۳۷۴. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن نلائی. تهران: انتشارات علمی.
- شریعتی، علی، ۱۳۸۷. بازنگشت به خوبی‌شن. تهران: قومس.
- صدر، محمد باقر، ۱۳۸۷. اقتصادنا. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴. اسلام و انسان معاصر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طلالی، ابوتراب، ۱۳۸۵. مفهوم و بیزگی ارزش‌ها. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۳۰. ۱۶-۱۹.

## درس چهاردهم هویت ایرانی (۲) (...)

این درس را شما با همکاری دبیرتان و با هدایت و نظارت ایشان بنویسید و به آدرس دفتر تالیف کتاب‌های درسی برای ما نیز ارسال کنید. در ارزشیابی مستمر و یا ایانی کتاب حاضر، از محتوای این درس آزمون به عمل می‌آید.

### اهداف شایستگی‌های درس

می‌دانید که هر درسی اهدافی دارد. برخی اهداف موردنظر این درس ارائه شده است. شما نیز بنایه نیاز خود و منطقه‌ای که در آن قرار دارید، مواردی اضافه کنید و برای تحقق و تأمین این اهداف، این درس را بنویسید.

انتظار می‌رود داشت آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این کتاب شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱- خانواده مطلوب و بیزگی‌های آن را توصیف کند و به نقد و ارزیابی گروه‌های خانوادگی موجود پردازد. برای معرفی خانواده مطلوب از معیارهای «هویت تاریخی خانواده» در ایران و «هویت فطری خانواده» کمک پنگیرد.

۲- نقش گروه‌های خانوادگی در هویت یابی افراد و نقش نهاد خانواده در هویت یابی ایران را توضیح دهد و نشان دهد که امروزه، نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل تمايز جامعه ما از جوامع غربی است.

۳- حقوق و تکالیف خود را در خانواده به خوبی بشناسد و برای بهبود عملکرد خانواده‌ای که اکنون در آن زندگی می‌کند و خانواده‌ای که خود در آینده تشکیل خواهد داد آگاهی و انگیزه لازم و کافی بیدا کند.

منابع

- عسدااللو، حمید، ۱۳۸۴. آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر، ۳۵۸. سیاست مدنیه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.
- فارابی، ابونصر، ۱۳۷۹. آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: نشر طهورا.
- فانون، فرانس (۱۳۵۶) دوزخیان روی زمین. ترجمه علی شریعتی. نشر تلاش.
- فی، برایان، ۱۳۸۱. فلسفه امروزین علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- فرانشی، محسن، ۱۳۹۵. ۵۵ درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کچویان، حسین، ۱۳۸۴. تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کراib، یان، ۱۳۸۲. نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهرزاد مسیع پرست. تهران: آگاه.
- کراib، یان، ۱۳۷۸. نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هایبرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگاه.
- کوزر، لوئیس، آلفرد، ۱۳۸۰. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهیون، لارنس، ۱۳۸۱. از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رسیدیان. تهران: نشر نی.
- کیدز، آتنوی، ۱۳۷۳. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷. خدمات مقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱. فطرت. تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی.
- وبر، ماکس، ۱۳۷۱. اخلاق بروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالمعبد انصاری. تهران: انتشارات سمت.
- هایبرماس، بورگن، ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- هیوز، استوارت، ۱۳۶۹. آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله قولادوند. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- یوسفیان، جواد، ۱۳۶۸. تکاهی به مفهوم فرهنگ. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲۱-۲۵، ۲.

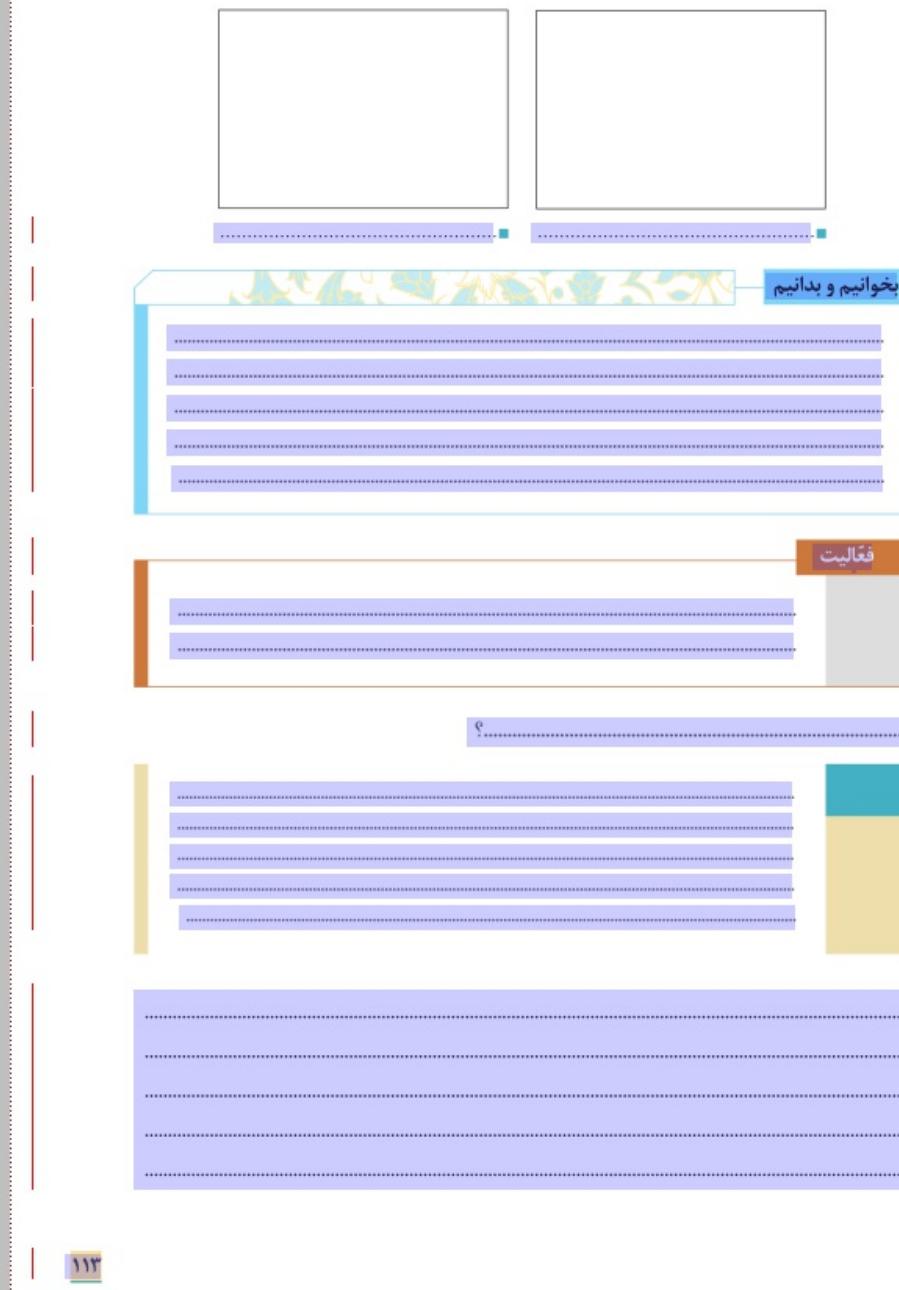
۴- کارکردهای مختلف خانواده به ویژه دو کارکرد «انتقال فرهنگ» و «پرورش محبت و مودت میان انسان‌ها و جماعت» را بشناسد و با استفاده از ابزار و رسانه‌های مناسب اهمیت این کارکردها را برای دیگران تشریح کند.

۵.....  
۶.....

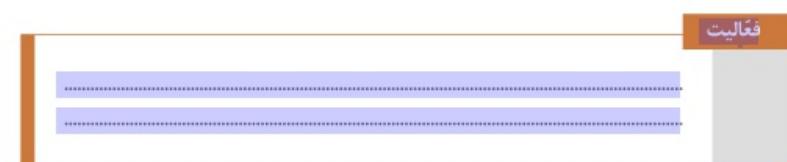
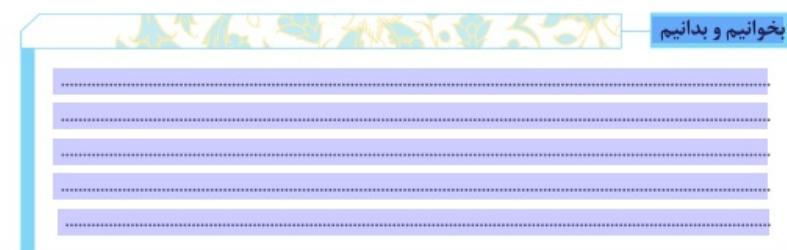
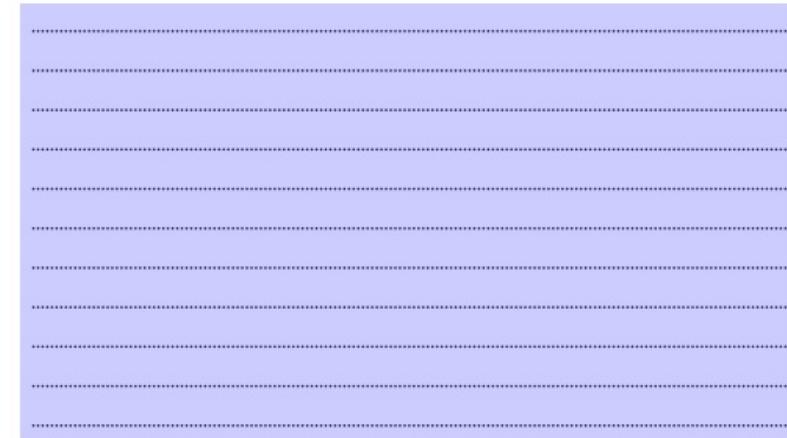
۹.....

# DiffPDF

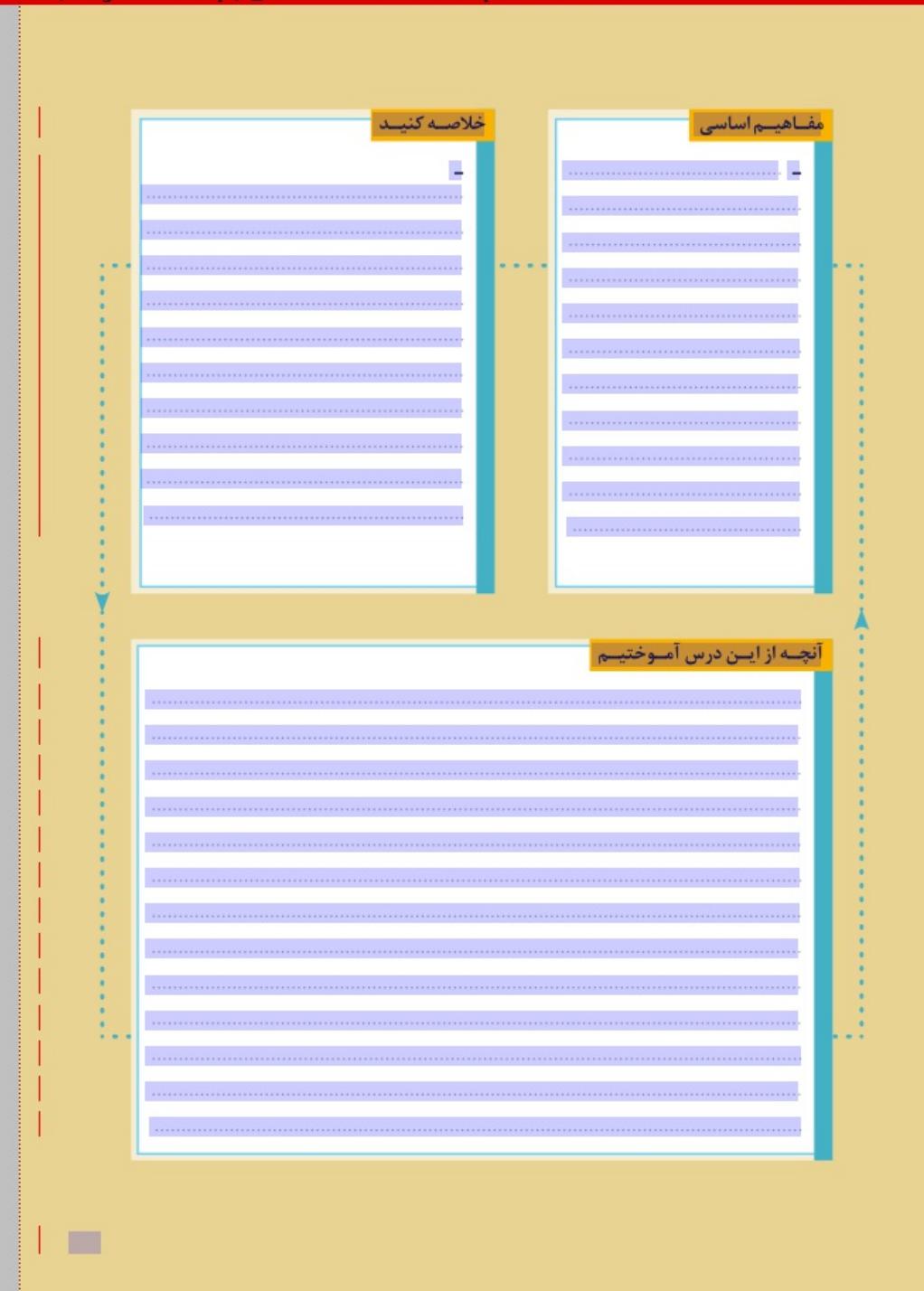
## Missing Page



## DiffPDF Missing Page



## DiffPDF Missing Page



# DiffPDF

## Missing Page



درس پانزدهم هويت ايراني (۳) (هويت سياسي ايران)

چه رابطه‌اي ميان جهان اجتماعي و نظام سياسي آن وجود دارد؟

بيانات زير چه رابطه‌اي ميان مردم و حاكمان و کارگزاران ترسیم می‌کند؟  
«عیالکم اعمالکم، کما تکونون، بولی علیکم»: کارگزاران شما (نتیجه) اعمال شما هستند، همان‌گونه که  
هستید، بر شما حکومت می‌شود.  
«الناسن یا مراتیهم أشبیه منهیم یا بائیئم»: مردم به دولتمردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان.

پدیده‌هایی چون شناسنامه، گذرنامه، برجام، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی،  
نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، دادگاهها، شوراهای اسلامی شهر و روستا،  
رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، مجلس خبرگان،  
رهبری، قانون، قانون اساسی، شیوه‌های حکمرانی و... نشانی از هویت جهان اجتماعی دارند  
وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟

هر جهان اجتماعی علاوه‌بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین  
دلیل در معرفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند.  
چه رابطه‌اي ميان جهان اجتماعي و نظام سياسي آن وجود دارد؟

## DiffPDF Missing Page

### ● قدرت اجتماعی

هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است؛ انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است. قدرت انسان محدود است، به گونه‌ای که نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنها بی‌برآورده سازد و برای تأمین برخی نیازهای اولیه زندگی خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد. کسانی که در زندگی توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها، جوامع و... نیز دارای قدرت اجتماعی هستند. درباره راه‌های تأثیرگذاری بر اراده دیگران گفت و گو نمایند.



محمدصلاح، فوتبالیست مصری، آنقدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.



در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جرمیهای معادل ۲۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دوباره ساحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در اسناد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

نهادهایی از قدرت نهادها و سازمان‌ها

### ● مقبولیت و اقتدار

برای تأثیرگذاردن بر اراده دیگران چه کار می‌کنیم؟ آیا می‌توانیم صرفاً با استفاده از نیروی عضلات خود و بدون دخالت هیچ عامل دیگری، اراده دیگران را تابع اراده خود کنیم؟ ما با قدرت بدنی خود فقط می‌توانیم بر جسم دیگران اثر بگذاریم. هنگامی که کودکی را جایه‌جا می‌کنیم،

## DiffPDF Missing Page

او فعالیتی انجام نداده است، اما اگر از او بخواهیم فعالیت ارادی خود را مطابق اراده و میل ما انجام دهد، مثلاً از او بخواهیم با پای خودش راه برود، تنها راه، جلب تبعیت اوست. یعنی او باید بپذیرد مطابق آنچه از او می‌خواهیم عمل کند؛ و به همین دلیل است که قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید.

تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر، به دو صورت می‌تواند باشد:

- 1- تبعیت با کراحت؛ وقتی است که تبعیت ناشی از تهدید و ترس باشد.
- 2- تبعیت با رضایت؛ وقتی است که شخصی با میل درونی، مطابق اراده دیگری عمل کند. قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود. به نظر شما قدرتی که با اکراه طرف مقابل اعمال می‌شود تا چه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد؟



استالین، در نهایی جان داد. علی رغم تأخیر او برای خروج از آنکه، هیچ کس جرئت نداشت در بیرون و حالت را ببرند چون شب قبل گفتند، کسی مزاحمه ننمود. همه می‌ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش وقاداری آنها باشد.



موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد بیمان ورسای و ترویج ایده ملی کرامی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.



گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس، مردم هند را لقب «ماهانها» (روح بزرگ) و «بابو (پدر ملت)» داده‌اند.



مارتن لوتر کینگ، رهبر پرنفوذ جنبش مدنی سیاهان آمریکا در سخنرانی مشهور «رؤیایی دارم» از آرزوی خود برای احتراف حقوق سیاهان سخن گفت.



رئیس علی دلواری، رهبر محبوب مردم ترکستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با استعمار نامگذاری شده است.

## DiffPDF Missing Page

### ● مقبولیت و مشروعیت

همان‌گونه که دانستید مقبولیت در جایی است که قدرت بدون اکراه و بلکه با رضایت باشد؛  
اما مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت براساس یک نظام عقیدتی و ارزشی خاص  
اعمال شود.



مدار مقبولیت، خواست و اراده انسانی است  
که قدرت بر آنها اعمال می‌شود. اگر کسی که  
قدرت بر او اعمال می‌شود، از آنچه انجام می‌دهد  
احساس رضایت داشته باشد، این قدرت مقبول  
است؛ و اگر فعالیتش را با اکراه و تنها برای فرار  
از پیامدهای ناگواری که از طرف صاحب قدرت  
پدید می‌آید انجام دهد، قدرت مقبولیت ندارد.

مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت موافق حکم و قانون و اراده تشریعی  
خداآوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری  
باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند با هم باشند و در برخی موارد نیز جدا از یکدیگر باشند.  
جایی که قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تعیین از قانون نیز با رضایت و میل همراه  
باشد، اقتدار و قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت.

هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد و تعیین از قدرت هم از روی احساس  
رضایت باشد، اقتداری غیرمشروع شکل می‌گیرد. به نظر شما آیا در کشوری که فرهنگ  
عمومی مردم، فرهنگ دینی باشد، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟

### ● نظام سیاسی

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید. زیرا  
سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای  
عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

هر جهان اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و  
نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.  
مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی  
را شکل می‌دهد.

## DiffPDF Missing Page

در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی، بر نظام‌های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.



■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست.



■ شکل اتحاد جماهیر سوری، فرزعدادی دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، را درج شدند.

نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را نیز تأمین می‌کند؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی دور شود زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی و هویتی را پیدا می‌آورد. به نظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟ در این باره گفت و گو کنید.

### نظام‌های سیاسی چه انواعی دارند؟

گفته شد که جهان اجتماعی دارای هویت سیاسی است. جهان اجتماعی با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند. نظام‌های سیاسی انواع گوناگونی دارند. با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام‌های سیاسی را دسته‌بندی کرد و چه انواعی برای نظام‌های سیاسی وجود دارد؟



■ مشروطه سلطنتی انگلستان



■ پارلمان هند



■ حزب کمونیست چین

## DiffPDF Missing Page

نظام‌های سیاسی براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شوند.

از این ملاک‌ها و دسته‌بندی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- براساس کمیت افراد تأثیرگذار؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند.

(الف) نظام‌ها و حکومت‌هایی که در آن تنها اراده یک فرد تأثیرگذار است.

(ب) نظام‌هایی که تنها یک اقلیتی از مردم در آن تأثیر گذارند.

(ج) حکومت‌هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.

۲- براساس روش تصمیم‌گیری؛ کسانی که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل هستند، یا براساس خواسته‌ها و اغراض خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز و مباح می‌دانند؛ یا آنکه بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی، تصمیم می‌گیرند.

۳- براساس دین‌مداری یا دنیامداری؛ نظام سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی سکولار و دنیوی، فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع حکومت نام می‌برد.<sup>۱</sup> در سه نوع آنها، حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته‌های نفسانی آنها شکل می‌گیرد و در سه نوع دیگر حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

ا- دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها

تعداد حاکمان	شیوه حکومت	براساس فضیلت	براساس خواست و میل افراد
فرد	مونارشی	تیرانی (اسپهادی)	
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی	
اکثریت	پولیتی (جمهوری)	دموکراسی	

# DiffPDF

## Missing Page

در اندیشه فارابی جوامعی که ارزش‌ها و آرمان‌های آنها، عقلانی و الهی نباشد، جوامع جاہلی هستند.  
او جوامع جاہلی را براساس نوع آرمان‌ها و ارزش‌هایی که دارند به اقسامی تقسیم می‌کند.

گفت و گو کنید

درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسسطو گفت و گو کنید.

### ● لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

لیبرالیسم به معنای اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست. دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی، نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌باید. این نظام سیاسی، هیچ حقیقت و فضیلت فطری و جهان‌شمولي را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جهان‌غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

آیا در اندیشه لیبرال دموکراسی می‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت؟ چرا؟  
جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است. عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه «اسلامی» نشان‌دهنده این است که فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش‌های اجتماعی اسلامی سازمان پیدا می‌کند.

### ۱- دسته‌بندی فارابی از انواع حکومت‌ها

شیوه حکومت	تعداد حاکمان	السان محور	خدمات محور
فرد	فرد	براساس فضیلت انسانی	براساس خواست و میل
اقلیت	اقلیت	شخصی حاکم	مطابق اصل
اکثریت	اکثریت	گروههای (جامعه سرفرازی)	گروههای (جامعه زورگویی)
		خشت (جامعه خوش‌گذرانی)	فاسد
		بسار با بداله (جامعه مال‌اندوزی)	فاسد
		جماعه‌ای (جامعه ازادی)	

## DiffPDF Missing Page

در نظام اسلامی، احکام و مقررات با خواست مردم و در ذیل اراده و مشیت خداوند شکل می‌گیرند. در این دیدگاه، عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش‌های الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند و انسان‌ها مسئولیت شناخت و اجرای آنها را به عهده دارند.

عبدیت، عدالت، آزادی، استقلال، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، تلاش برای عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی، توسعهٔ معرفت و آگاهی نسبت به اسرار و حقایق آفرینش از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی است.

براساس هستی‌شناسی توحیدی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیری دنیوی و سکولار ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ و به همین دلیل عمل به آنها رفتاری صرف‌دنیوی نیست، بلکه یک وظيفة الهی است و مانند سایر عبادات سبب تقریب انسان به خداوند می‌شود.

در اندیشهٔ دینی اسلام، هر مسلمانی که شب را به صبح برساند و به فکر امت اسلامی نباشد مسلمان نیست و مسلمانان موظف‌اند همهٔ مستضعفان و مظلومان را یاری کنند.

در آموزه‌های اسلامی هنگامی که عبادات بُعد اجتماعی وسیع تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام به عنوان مهم‌ترین مسئولیت یاد شده است.

امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

## DiffPDF Missing Page



# DiffPDF Missing Page



درس شانزدهم **هویت ایرانی (۴)** (هویت جمیعیتی و اقتصادی ایران)

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمیعیتی آنها مانند تعداد جمیعیت، جوان و بین، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن جمیعیت... اشاره می‌کنند. چرا که جمیعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می‌شود. چه رابطه‌ای میان جمیعیت و هویت جوامع وجود دارد؟

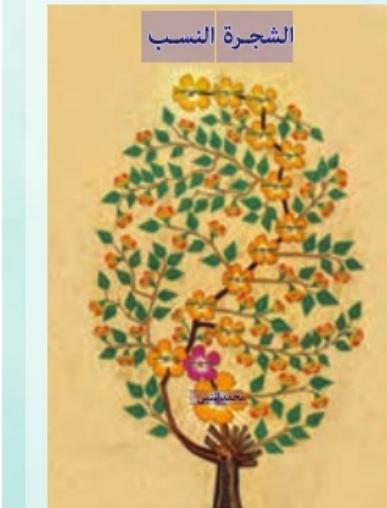
اولین شرط بقای هر جامعه، جمیعیت آن است. وضعیتی را تصور کنید که جمیعیت یک جامعه منقرض شود. در آن صورت، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود اعضای جامعه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اماً آیا صرف اندازه جمیعیت، کفايت می‌کند؟ آیا یک جمیعیت غیرمسنون و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمیعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمیعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ جوامع مختلف برای تأمین جمیعیت مطلوب خود، چه می‌کنند؟ جامعه ما از این نظر چه وضعیتی دارد؟

## DiffPDF Missing Page

به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «استناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همه شجره‌نامه‌ها که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفته است، نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بود وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهاشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند. چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که در آنها به ترتیب نام افرادی نه چندان شناخته شده می‌آید و در نسل هشتم به نام داود<sup>۱</sup> می‌رسد و این گوشه از او یاد می‌کند که «پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود داودی پیدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من ادمی بزرگ شود. چه حسن خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام، همین قدر که من معیری باشم برای گذار آیندگانی که شاید داودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و

ایته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بیشتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست نخورده تحول آیندگان بدهم تا زندگی‌ام بی شمر نبوده باشد. آن وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامه خانوادگی می‌بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

«شجره‌نامه»  
(همه کیمیاگری‌ها، چارلز هندی)



## DiffPDF Missing Page

برای پاسخ به پرسش‌های صفحه قبل، لازم است برخی از مطالب اساسی کتاب را با هم مرور کنیم. در یکی از درس‌ها درباره تفاوت جهان طبیعی و جهان اجتماعی بیان شد که جهان اجتماعی پدیده‌ای معنادار است. همچنین گفته شد که به آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جهان اجتماعی

براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند. آیا این درس را به یاد می‌آورید؟

در درس دیگری گفته شد که هویت هر جهان اجتماعی براساس فرهنگ (عقاید و ارزش‌های کلان) آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل از آن به «هویت فرهنگی» تعبیر می‌شود. آیا به یاد دارید این نکات را در چه درسی آموختید؟

یک بار دیگر رابطه آگاهی (معنا)، فرهنگ و هویت جهان اجتماعی را در کلاس بازگو کنید. تشریح این رابطه، به شما کمک می‌کند تا به رابطه جمیعت و هویت جهان اجتماعی بپردازید. شما با گستره جهان اجتماعی و چگونگی گسترش آن آشنا شوید. گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد. هر عاملی که در گسترش فرهنگ و معانی مؤثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناختن و عمل کردن صرفاً از عهدۀ افراد و اعضای جهان اجتماعی برمی‌آید. اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ، بسط بیشتری می‌یابد. وضعیتی را تصور کنید که یک جهان اجتماعی تمام اعضاش را از دست بددهد آیا اثرباره از زندگی برای آن جهان اجتماعی باقی می‌ماند.

رونده بسط فرهنگ را به خوبی می‌توان در گسترش معانی و ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. با ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup> با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می‌شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه فرزند و والدین نیز تسری می‌یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ‌تر شدن خانواده، این معانی و ارزش‌ها گسترش‌دهنده‌تر می‌شود. با گسترش خانواده‌ها و ایجاد نسبت‌هایی چون پدربرزگ، مادربرزگ، خاله، دایی، عمه، عموم، پسرعمو و... نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد که باز هم زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت را فراهم می‌سازد.

به همین ترتیب، افزایش جمیعت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمیعت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمیعت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.

۱- «و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی افرید تا در کنار آنان ارامش باید و در میان شما مودت (وسنی) و رحمت (مهریانی) قرار داد؛ یعنیا در این، نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (سوره روم، آیه ۲۱).

# DiffPDF

## Missing Page

هدف اسلام تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمیعت مناسب است. بنابراین اگر اولاً فرهنگ و معنایی که با افزایش جمیعت، بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ ثانیاً افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معنای حق باشند، افزایش جمیعت ضروری است. از این‌رو پیامبر اسلام ﷺ، روز محشر به کثرت پیروان خود مبهات می‌کند.

فقدان هر کدام از این شرایط، مانع تحقق جهان اجتماعی توحیدی است.

### بخوانیم و بدانیم

گروه سه نفره نسبت به گروه دو نفره، یک عضو بیشتر دارد که در ظاهر تفاوت کم‌اهمیتی است. ولی زمانی که این دو گروه را دقیق‌تر مقایسه کنیم، پی‌بریم که همین عامل، تفاوت‌های مهمی به دنبال می‌آورد. در گروه دو نفره، کناره‌گیری هر یک از اعضاء، به نایبودی گروه می‌انجامد. در این گروه، فرد، تنها با فرد رابطه دارد و از اعضاش نیست و هیچ واقعیتی فراتر از اعضاء خود ندارد. در این گروه، فرد، تنها با فرد رابطه دارد و از رابطه فرد و گروه خبری نیست. اما زمانی که گروه دو نفره به گروه سه نفره تبدیل می‌شود، تغییرات مهمی رخ می‌دهد. یک عضو جدید، موجب پیدایش دو رابطه جدید می‌شود. غیر از رابطه «الف-ب» و «ب-ج» و «ب-ج» نیز ممکن می‌شود. پیدایش این دو رابطه جدید چه نتایجی در پی می‌آید؟ عضو سوم می‌تواند نقش واسطه و داور را در میان دو عضو پیشین ایفا کند و از این طریق، تنش‌ها را گاهش دهد و از فروپاشی گروه، پیشگیری کند یا می‌تواند میان دو عضو دیگر تضاد و تفرقه ایجاد کند و از این تفرقه برای رسیدن به منافع خودش استفاده کند. در گروه دو نفره این کنش‌ها برای افراد امکان‌بندی نبود ولی در گروه سه نفره ممکن شد. در گروه سه نفره، رابطه فرد و گروه امکان‌بندی بر می‌شود و هر کدام از اعضاء می‌تواند به نمایندگی از گروه، چنین کنش‌هایی را التاجم دهد. در گروه سه نفره علاوه بر اعضاء، پیدایه جدیدی به نام جمع نیز به وجود می‌آید که محصل عضویت همان فرد سوم بود.

افزایش جمیعت، آثار اجتماعی و فرهنگی دیگری هم به دنبال می‌آورد. در گروه‌های کوچک، اعضاء می‌توانند با یکدیگر ارتباط رو در رو و مستقیم داشته باشند و با داد و ستد با یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند. ولی وقتی جمیعت یک گروه افزایش پیدا کند و به یک گروه بزرگ تبدیل شود، روابط متقابل اعضای آن پیچیده‌تر می‌شود و دیگر، روابط بی‌واسطه ممکن نخواهد بود. از این پس، روابط به کمک «نهادها» برقرار می‌شود. – مثلاً در گروه‌های کوچک‌تر، معامله بایانی، نیاز اقتصادی اعضاء را برآورده می‌ساخت ولی برای گروه‌های بزرگ‌تر، واسطه‌ای مانند پول، سپورت می‌پاید. زبانی که یک گروه کوچک‌تر با آن سخن می‌گویند، پیچیدگی‌های زبان یک گروه بسیار بزرگ را ندارد – افزایش جمیعت باعث پدیدار شدن مسائل نوظهوری می‌شود که جهان اجتماعی باید با استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود به آنها پاسخ دهد. جهان اجتماعی با گسترش نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید، برای رفع این مسائل چاره‌اندیشی می‌کند. هر نهاد، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای است که برای رفع نیاز ویژه‌ای اختصاص می‌پاید. از این‌رو گسترش نهادی، همان گسترش فرهنگ و معنای جهان اجتماعی است. بنابراین لازمه بسط هویت جهان اجتماعی، افزایش جمیعت است.

۱- نبود شرط اول، جامعه‌شک (جامعه‌ای که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد) می‌سازد و نبود شرط دوم، جامعه‌ فالش (جامعه‌ای که اعضاء این عقاید و ارزش‌های حق را می‌شناسند ولی به آنها پایبند نیستند) می‌سازد که هر دو مغایر با هدف اسلام‌اند. از این‌رو هم کمیت جمیعت (عداد لازم و کافی)، هم کیفیت جمیعت (حامل و عامل فرهنگ حق بودن) در بسط و تداوم هویت جهان اجتماعی توحیدی مؤثرند.

## DiffPDF Missing Page



### ● سیاست‌های جمیعتی

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمیعت، از کارکردهای مهم نهاد خانواده است. ولی ممکن است در موقعی اختلال در نهاد خانواده، جهان اجتماعی را کاهش جمیعت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به علت‌هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، عافیت‌طلبی و مصرف‌گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و... با مستله کاهش جمیعت و عوارضی چون پیری و سالم‌نگی جمیعت مواجه‌اند.<sup>۱</sup>



در موقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمیعت مواجه می‌شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را بر عهده دارد، برای حل مشکل جمیعت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تابیر و راه حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمیعتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمیعتی می‌تواند در راستای رشد یا کاهش جمیعت باشد.

ایران ما در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمیعت را اجرا کرد. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و طی آن میزان رشد سالانه جمیعت، از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت.

۱- کاهش جمیعت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متعدد است، زیرا قوام خانواده و فرزندآوری در گروه محبت، ابشار و فناکاری است ولی در جهان متعدد به دلیل فردگرایی و اصالت لذت، این محبت و ابشارگری کاهش می‌باید که به فرزندآوری کمتر و کاهش شدید جمیعت و فرو افتادن این جوامع در چاله جمیعتی می‌اجتماد. هم‌اکنون این جوامع برای جبران کاهش جمیعت، سیاست‌های تشویقی و همچنین پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

## DiffPDF Missing Page

دیگر بار، بنا به ضرورت از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۶۸ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت. تداوم این روند در آینده می‌تواند آثار زیان‌باری در پی داشته باشد. آیا می‌توانید به برخی از آنها اشاره کنید؟ کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست‌های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب گردید.

### بخوانیم و بدائیم

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل کشی یا پاکسازی نسلی می‌گویند. پدیده نسل کشی در جهان، تشنگر ابعاد هویتی جمعیت است. در گذر زمان، نسل کشی‌های بسیاری انجام شده است. اروپاییان در هجوم به قاره امریکا برای تأمین سلطه خود، به نسل کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند و در یک مقطع پنجه سالم، پاتزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند. دو نسل کشی در بوسنی صورت گرفت: یکی در سورینیتسا در سال ۱۹۹۵ و دیگری در طول جنگ ۱۹۹۲–۱۹۹۵ در سراسر بوسنی. رژیم اشغالگر قدس برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی و بیشتر شدن تعداد یهودیان نسبت به مسلمانان و اجرای طرح‌های توسعه طلبانه خود، ضمن حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آنها به جذب مهاجران یهودی از سراسر دنیا و کوچ دادن آنها به سرزمین‌های اشغالی اقدام می‌کند.



اجرای طرح‌های توسعه طلبانه رژیم اشغالگر قدس و تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی



فیروزان مسلمانان – سارایوو

### پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی جمعیت» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید، سپس یک بند از آن را به دلخواه انتخاب کنید و بگویید اگر شما به جای مدیران و مسئولان کشور بودید، برای تحقق آن چه می‌کردید؟

## DiffPDF Missing Page

### منتظر از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند. کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند. مجموعه



خسرو فعال و مؤثر افراد جامعه در شکل‌گیری هویت اقتصادی

کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد. می‌دانید که نهادها در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا اقتصاد نیز این گونه است؟ در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آنها تناسب پیدا می‌کند. از این رو یکی از وجوده تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آنهاست. ممنظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ شیوه‌های تقویت و تضعیف آن کدام‌اند؟

افراد خود را کارآفرین، نولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف کننده یا احیاناً مالیات‌دهنده نیز هستیم؛ ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند، آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد کم‌فروش، محترک، دلال و... هستند ولی به دلیل خود ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه نشانگر هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا اینکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جهان‌های اجتماعی نیز دارای هویت اقتصادی هستند؟ آیا مجمع خیرین مدرسه‌ساز، انجمن حمایت از بیماران خاص، شرکت تعاوونی و... که دور هم جمع می‌شوند تا خدمتی به دیگران ارائه کنند، هویت اقتصادی ندارند؟ جوامع مختلف نیز هویت اقتصادی دارند. از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند. مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری / غیردستوری؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

## DiffPDF Missing Page

اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی انواع دستاوردهای اقتصادی مانند گسترش بهرهمندی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌های مختلف مثل سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، موفقیت‌های علم و فناوری، سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحريم‌ها و... را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل گرانی و غلبه فرهنگ مصرفی و... دست به گریبان است.



■ محتسب تولیدی عینا

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود؛ اما اگر به درستی استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفتی وابسته است. آیا درباره آثار نوسانات قیمت نفت بر یک اقتصاد وابسته چیزی می‌دانید؟

چنانی اقتصادی از آن جهت که درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است؛ دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را - که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات‌ها پرداخت می‌شود - به کمک درآمدهای نفتی تأمین کند.

## DiffPDF Missing Page

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. در مقابل وضعیت شکننده‌ای را وجود می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفاده طمع ورزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده کنند. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اجرا شده است تا «اولاً» درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند. هجوم اقتصادی به ایران تاریخی طولانی دارد و در ادوار مختلف از سوی استعمارگران غربی به صورت‌های مختلفی دنبال شده است. این کار در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز رویتر و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید ملی به ویژه روح خودبایری ملت ایران انجام شد. در مورد نقش اصلاحات ارضی در تخریب کشاورزی ایران چه می‌دانید؟ تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت‌ها، اعمال می‌شده و در مقابل، واکنش‌های آنها را در پی داشته است؛ چرا که اقتصاد، روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملًا ابزاری برای هویت‌زادی و غارت و چاپول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش به چنین اقداماتی بود.

جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت یافی افراد و جوامع غربی است. در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند.

این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود برنمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند.

۱- شیوه سرمایه‌داری یعنی جستجوی سود از طریق تجربی برای ساماندهی حسابگران و بنگاه‌های اقتصادی، بدست اوردن حداقل سود است و وسیله آنها استفاده از علوم تجربی برای ساماندهی حسابگران و دقیق مؤلفه‌های اقتصادی (کار، سرمایه، مواد، فناوری و...) برای تضمین حداقل سود است. این اقتصاد نه براساس رفع نیاز انسان‌ها بلکه بر محور سود شکل می‌گیرد. از این‌رو بیشترین تخریب‌ها در طبیعت و صنایع طبیعی را در پی داشته و در موارد سیاری با قطع انسان‌ها ناسازگار می‌بوده است. انسان‌ها می‌توانند با هدف رفع نیازهای خود و دیگران دست به فعالیت اقتصادی بزنند و در این راستا از تمامی طرفیت‌های بین‌وینهان عالم و ادم استفاده کنند. در طول تاریخ همواره شیوه‌های اقتصادی دیگری غیر از شیوه سرمایه‌داری مانند شیوه‌های همبازی، تعاوی، دولتی، سوسیالیستی و... وجود داشته است. آیات زیر بهوضوح تقابل نکاه قرآن را با اصلت بخشیدن به سرمایه و شیوه‌های سرمایه‌دارانه نشان می‌دهد. «هر کس تقوای الٰی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد» (طلاق، ۲). «اگر اهل شهرها و ابادی‌های ایمان می‌اوردند و تقوای پیشه می‌کردند به یقین برکات انسان و زمین را بر آنها می‌گشودند» (اعراف، ۹۶). «اگر آنان آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده بربا می‌داشتند از انسان و زمین روزی می‌خوردند» (امان، ۶) «ای پیامبر از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاکسازی و پرورش دهی» (توبه، ۱۵۰) «خداؤند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد» (قره، ۲۷۶).

## DiffPDF Missing Page

بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پنداشتند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنجه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.



در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند. اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفتی، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکا به ظرفیت‌های مولّد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

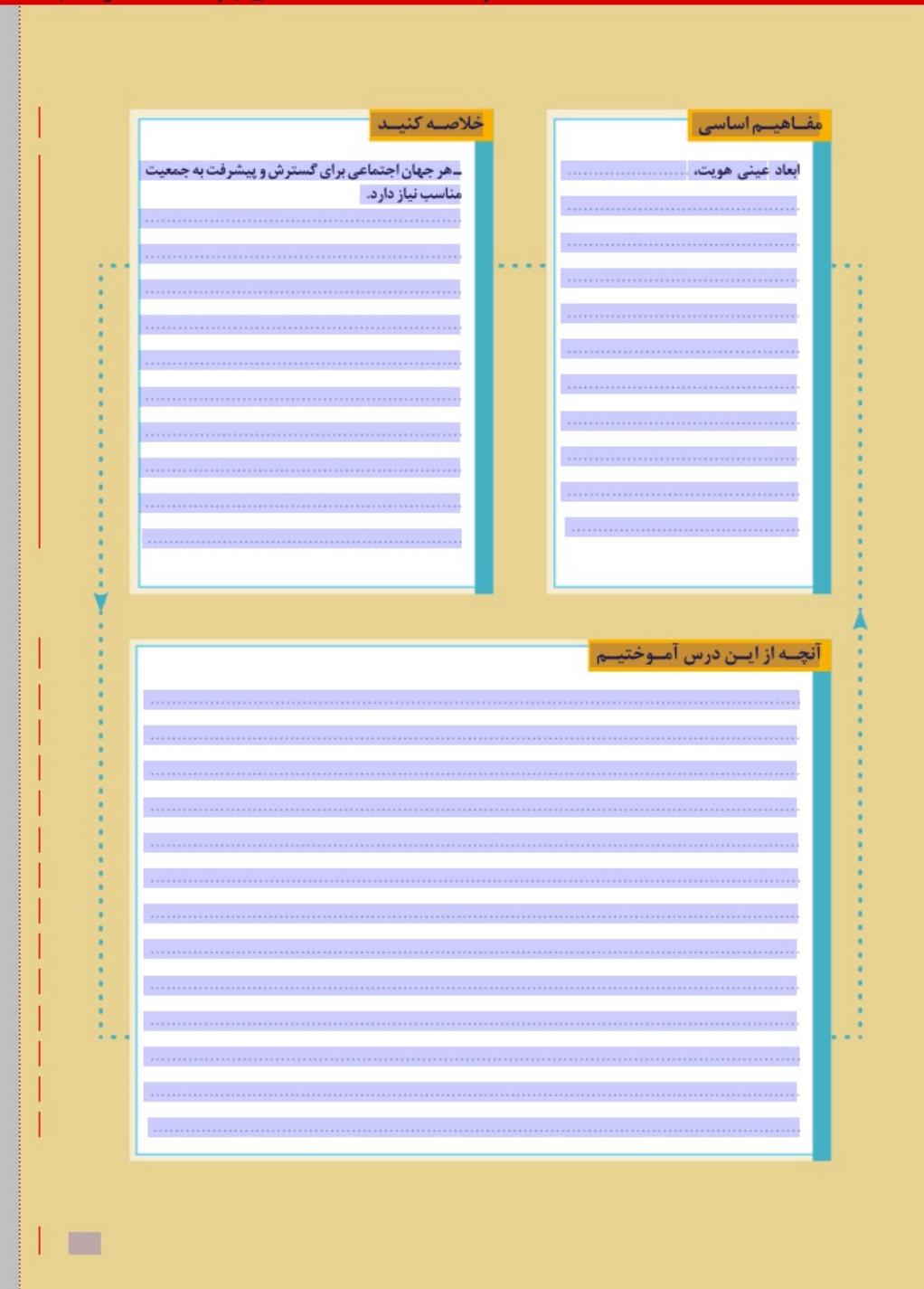
مردم و دولت ایران می‌کوشند براساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خامفروشی ثروت‌های طبیعی<sup>۱</sup>، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین بروز گرایی<sup>۲</sup> هویت اقتصادی نوینی را در این سرزمین پایه‌ریزی کنند. این هویت اقتصادی در مقابل انواع مشکلات و موانع، مقاوم و پایدار می‌شود تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از دشمنی‌های بیرونی و موانع درونی طی نماید.

### پیشنهاد دهید

- متن «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید و با توجه به آن، به سوالات زیر پاسخ دهید.
- سازوکارهای مقاومسازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت گدام‌اند؟
- شما دانش آموزان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارید؟

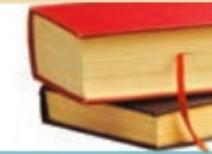
۱- فروش نفت خام بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر، مانند محصولات پتروشیمی در داخل.  
۲- اقتصادی که مانند چشمهای از درون بجوشد و بر تولید داخلی قوی خود منکی است ولی صرفاً برای خود تولید نمی‌کند؛ بلکه آن را به صورتی متعادل با سایر کشورها مبادله می‌کند.

## DiffPDF Missing Page



# DiffPDF

## Missing Page



### منابع

ادوارد، سعید، ۱۳۸۹. پرخورد تمدن‌های غرب و اسلام. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ادوارد، سعید، ۱۳۸۶. شرق شناسی. ترجمه اطاعی خنجی. تهران: امیرکبیر.

آرون، ریمون، ۱۳۶۴. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

آریلاستر، آنتونی، ۱۳۷۶. طبیور و افول لبرالیسم. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.

افروغ، عمال، ۱۳۷۵. هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.

آل احمد، جلال، ۱۳۶۸. بدبده اجتماعی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۳۶-۳۶۹.

اورعی، غلامرضا، ۱۳۸۶. کنش اجتماعی، ترجمه محمد حسن بنایی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

پی، ایل، ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی علمی اتفاقی. ترجمه محمد حسن بنایی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

برگ، پیتر و توماس لاکمن، ۱۳۸۰. افول سکولاریسم. ترجمه امیری و افسار. تهران: پنگان.

برگر، پیتر، ۱۳۷۵. ساخت اجتماعی واقیت. ترجمه فریبرز محمدی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

بارسانی، حمید، ۱۳۷۶. حدیث ایمان. قم: معارف.

بارسانی، حمید، ۱۳۹۲. جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردان.

بارسانی، حمید، ۱۳۷۳. زندگان و استطوطه. قم: اسراء.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۹. فرهنگ پیر و فرهنگ پیشو. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی املی، عبدالله، ۱۳۹۱. مفاهیم اجتماعی. ترجمه توحید یارمحمدی. تهران: شیرازه.

دانیزورف، رالف، ۱۳۷۷. انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدبوی. تهران: آگاه.

روش، گی، ۱۳۶۷. کنش اجتماعی. ترجمه ماما زنجانی‌زاده. شنید دانشگاه فردوسی مشهد.

روح‌الامینی، محمود، ۱۳۶۵. زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: عمار.

ریتز، جورج، ۱۳۷۴. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن نلایی. تهران: انتشارات علمی شریعتی، علی، ۱۳۸۷. بازگشت به خویشتن. تهران: فومن.

صدر، محمد باقر، ۱۳۷۴. اقتصادنا. قم: بوستان کتاب.

طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴. اسلام و انسان معاصر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طلایی، ابوتراب، ۱۳۸۵. مفهوم و وزنگی روش‌ها. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۰-۱۶.

عضانلو، محمد، ۱۳۸۴. آشنای با مفاهیم انسانی جامعه‌شناسی. تهران: ای.

قارابی، ابونصر، ۱۳۵۸. سیاست مذکوته. ترجمه جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.

قارابی، ابونصر، ۱۳۷۹. آراء اهل مذهب فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: نشر طهورا.

فالون، فرانس (۱۳۵۶) دوزخان روی زمین. ترجمه علی شریعتی. نشر لاثن.

فی، بربان، ۱۳۸۱. فلسفه امروزین علوم اجتماعی. ترجمه شایان دیهیم. تهران: طرح تو.

کچولیان، حسین، ۱۳۸۴. تطورات کفتمان‌های هوبنی ایران. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کرابی، بان، ۱۳۸۲. نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهیاز سمسی پرست. تهران: آگاه.

کرابی، بان، ۱۳۷۸. نظریه اجتماعی مدرن. از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگاه.

کوزر، لوئیس، الفرد، ۱۳۸۰. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن نلایی. تهران: انتشارات علمی.

کهون، لارنس، ۱۳۸۱. از مدربنیسم تا پست مدربنیسم. ترجمه عبدالکریم رسیدیان. تهران، نشری.

گیدز، آنتونی، ۱۳۷۷. جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: ای.

مطهّری، مرتضی، ۱۳۷۷. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدر.

مطهّری، مرتضی، ۱۳۶۱. فطرت. تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی.

وبر، ماکس، ۱۳۷۱. اخلاقی بروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالمعبد انصاری. تهران: انتشارات سمت.

هابرماس، یورگن، ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال ولادی. تهران: مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.

هیوز، استوارت، ۱۳۶۹. آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله قوادون. تهران: انتشارات و آموزش افکار اسلامی.

یوسفیان، جواد، ۱۳۶۸. نگاهی به مفهوم فرهنگ. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲، ۲۱-۲۵.

